

صاحب امتیاز: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان جنوبی

سرمدیر: دکتر زهرا علیزاده بیرجندی

کارشناس اجرایی: مهین زرنگ

مدیر مسؤول: احمد محبی

مدیر داخلی: عباسعلی بهاری

اعضای هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

۱. دکتر حبیب احمدی
 ۲. دکتر هادی پورشافعی
 ۳. دکتر محمدتقی راشد محصل
 ۴. دکتر محمدرضا راشد محصل
 ۵. دکتر غلامعلی سرمد
 ۶. دکتر مفید شاطری
 ۷. دکتر غلامحسین شکوهی
 ۸. دکتر زهرا علیزاده بیرجندی
 ۹. دکتر محمدصادق فرید
 ۱۰. دکتر احمد کامیابی مسک
 ۱۱. دکتر جواد میکانیکی
 ۱۲. دکتر محمد همایون سپهر
- استاد جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شیراز
- دانشیار علوم تربیتی دانشگاه بیرجند
- استاد فرهنگ و زبان‌های باستانی پژوهشگاه علوم‌انسانی و مطالعات فرهنگی
- استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد
- دانشیار علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن
- استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه بیرجند
- استاد علوم تربیتی دانشگاه تهران
- دانشیار تاریخ دانشگاه بیرجند
- استادیار جامعه‌شناسی فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
- استاد تئاتر و ادبیات دانشگاه تهران
- دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه بیرجند
- استادیار مردم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران

مترجم انگلیسی: اکبر آذرکمند

امور فنی و چاپ: انتشارات فکربر

شمارگان: ۱۰۰۰

ویراستار ادبی: سید نورالله نصراللهی

صفحه آرا: فائزه دستگردی

قیمت: ۲۰۰۰۰ ریال

نشانی دفتر نشریه: خراسان جنوبی، بیرجند، خیابان شهید محلاتی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان

دورنگار: ۰۵۶-۳۲۳۲۳۲۷۷

تلفن: ۰۵۶-۳۲۳۲۳۳۹۳-۴

جنوبی، دبیرخانه شورای پژوهشی

پست الکترونیک: Daftarehnaashriyeh@yahoo.com

آراء و نظرهای مندرج در این شماره مبین نظرها و آرای فصلنامه نیست.
نویسندگان و مترجمان، مسؤول نظرهای مندرج در نوشته خود هستند.
نوشته‌های ارسالی که مناسب چاپ نباشند، پس فرستاده نمی‌شوند.
فصلنامه در ویرایش و حذف مطالب آزاد است.

داوران این شماره (به ترتیب حروف الفبا):

دکتر علیرضا اسلام	استادیار دانشگاه بیرجند
دکتر محمدحسن الهی زاده	دانشیار دانشگاه بیرجند
دکتر محمد باقر آخوندی	استادیار دانشگاه بیرجند
دکتر محمدعلی بیدختی	استادیار دانشگاه بیرجند
دکتر هادی پورشافعی	دانشیار دانشگاه بیرجند
دکتر محمد مهدی خزاعی	استادیار دانشگاه آزاد واحد بیرجند
فاطمه رحیم آبادی	کارشناس ارشد مشاوره
دکتر زهرا علیزاده بیرجندی	دانشیار دانشگاه بیرجند
دکتر جلیل اله فاروقی هندوالان	دانشیار دانشگاه بیرجند
دکتر محمود فال سلیمان	استادیار دانشگاه بیرجند
دکتر سید محمدحسین قریشی	استادیار دانشگاه بیرجند
مهندس مهدی وفائی فرد	مربی دانشگاه بیرجند



به استناد نامهی شماره ۱۳۹۶۰۱ مورخ ۱۳۹۱/۰۷/۰۴

کمیسیون بررسی نشریات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، فصلنامه

"مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان" حائز درجهی علمی - ترویجی گردیده

است. پروانه انتشار این مجله به شماره ۹۲/۷۲۶۰ مورخ ۹۲/۳/۲۵ از وزارت فرهنگ و ارشاد

اسلامی صادر شده است. فصلنامه مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان در پایگاه استنادی

علوم کشورهای اسلامی (ISC) به نشانی www.srlst.com و پایگاه بانک اطلاعات

نشریات کشور به نشانی www.into@magiran.com و پایگاه مجلات تخصصی نور به

نشانی www.noormags.com نمایه می شود.

شرایط پذیرش مقاله

فصلنامه علمی- ترویجی "مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان"، مقاله‌هایی در موضوعاتی با جهت‌گیری فرهنگ، تمدن، آداب و رسوم، تاریخ، جغرافیا و آموزش در گستره‌ی خراسان که با توجه به نکات زیر تدوین شده باشد، منتشر می‌کند.

۱. ساختار مقاله دارای چکیده، مقدمه، بیان مسأله، روش‌شناسی، یافته‌ها، نتیجه، منابع و نیز ارجاعات دقیق و در صورت لزوم پیوست‌ها باشد.

۲. مقاله در محیط واژه پرداز Microsoft Word 2007 و قلم B nazanin، اندازه ۱۴ از طریق رایانامه به نشانی Daftarehnashriyeh@yahoo.com ارسال شود. صفحات مقاله حداکثر ۲۰ صفحه و هر صفحه ۲۴ سطر باشد.

۳. چکیده فارسی بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ کلمه باشد و چکیده انگلیسی هم، همراه مقاله باشد.

۴. معادل‌های لاتین اسامی غیرفارسی و اصطلاحات غیر رایج با علامت شماره‌گذاری مستقل برای هر صفحه، در پانویس آورده شود.

۵. جداول، نمودارها، نقشه‌ها و عکس‌ها (حداقل درجه وضوح 300 dpi)، با شماره و عنوان گویا آورده شود.

۶. ارجاعات درون متنی با ذکر نام خانوادگی نویسنده، سال نشر منبع و شماره صفحه مورد استفاده، درون کمانک آورده شود. مثال: (رضوانی، ۱۳۸۳: ۹۲).

۷. فهرست منابع در انتهای مقاله و بر اساس حروف الفبا همراه با مشخصات کامل کتابشناختی مطابق نمونه‌های ذیل آورده شود.

۷-۱- کتاب

باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (۱۳۷۹). *از سیر تا پیاز*. تهران: نشر علم.

۷-۲- مقاله

شاطری، مفید (۱۳۸۵). "گذاری بر جغرافیای تاریخی قهستان". *فرهنگ خراسان جنوبی*، سال اول، ش ۱ (بهار): ۴۹-۶۶.

۷-۳- مجموعه مقالات همایش

میکانیک، جواد (۱۳۸۹). "اثرات مهاجرت‌های روستایی بر ساختار جمعیتی و ناپایداری سکونتگاه‌های روستایی". در: مجموعه مقالات برگزیده اولین همایش مهاجرت، نظم و امنیت، ج ۱. مشهد: فرماندهی انتظامی استان خراسان رضوی، دفتر تحقیقات کاربردی: ۷۳-۹۱.

۷-۴- پایان نامه

علیزاده بیرجندی، زهرا (۱۳۷۰). "رویارویی اهل شریعت و اهل طریقت در عصر صفوی". پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد.

۷-۵- گزارش‌های چاپ نشده

سروش، محمدرضا (۱۳۸۵). گزارش فصل اول آواربرداری قلعه کوه قاین. بیرجند: اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان جنوبی [چاپ نشده].

۷-۶- وب‌گاه‌های اینترنتی

فاضلی، نعمت (۱۳۸۶). "شهروندی فرهنگی و فرهنگی شدن شهروندی". [پیوسته] قابل دسترس در:

<http://WWW.farhangshenasi.com/article/s/9/5/html>. [۱۳۸۸/۸/۲]

۸. نام و نام خانوادگی، وابستگی سازمانی نویسندگان، میزان تحصیلات و رشته مربوطه، نشانی کامل پستی (نام استان، شهر، رایانامه)، شماره تلفن ثابت یا همراه و دورنگار نویسنده بر روی صفحه‌ی جداگانه درج گردد. چنان‌چه مقاله بیش از یک نویسنده داشته باشد، ضمن مشخص کردن نویسنده مسؤول عهده‌دار مکاتبات، اسامی سایر نویسندگان هم به ترتیب ذکر شود.

۹. مقاله ارسالی نباید به منظور چاپ در دیگر مجلات ارسال شده باشد.

مقاله‌های دریافت شده، نخست توسط هیأت تحریریه مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در صورت تأیید، برای دو نفر از داوران صاحب‌نظر ارسال خواهد شد. مقاله‌ها ابتدا به ترتیب تاریخ دریافت و سپس به ترتیب دریافت نظر مثبت داوران منتشر می‌شوند.

فهرست مطالب

بررسی رابطه‌ی اعتماد اجتماعی و آمادگی برای توسعه‌ی اقتصادی مورد مطالعه: شهر
بیرجند

سیدحسن قالیباف ۷

رابطه‌ی بین شیوه‌های فرزندپروری والدین و اختلالات رفتاری در دانش‌آموزان مقطع
دوم و سوم دبیرستان (مورد مطالعه: مدارس کاردانش شهر بیرجند)

سوده مقصودی، سعیده درویشی، مریم امیرآبادی ۲۵

ارزیابی عملکرد دهیاری‌ها از دیدگاه روستاییان در افزایش مشارکت اجتماعی مطالعه
موردی: شهرستان بیرجند

جواد میکانیکی، کاظم نیک فرجام ۴۵

بررسی معیارشدگی گویش بیرجند در دو قرن گذشته

حامد نوروزی ۶۷

بررسی علل مهاجرت خاندان موسی‌الکاظم (علیه السلام) به ایران و خراسان و آثار و
برکات آن

محمدصادق واحدی فرد، فاطمه گلی ۹۷

درون‌گرایی و بازتاب اصل محرمیت در معماری ایرانی - اسلامی نمونه پژوهش میدانی؛
خانه‌های تاریخی بیرجند

حسن هاشمی زرج آباد، عابد تقوی، ذبیح الله مسعودی ۱۲۳



بررسی رابطه‌ی اعتماد اجتماعی و آمادگی برای توسعه‌ی اقتصادی

مورد مطالعه: شهر بیرجند

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۳/۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۶/۱

سیدحسن قالیبافان^۱

چکیده

اعتماد از مفاهیم کلیدی در حوزه جامعه‌شناسی و یکی از ابعاد مهم سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود و طرح اعتماد اجتماعی بیانگر توجه فزاینده به عوامل اجتماعی و نهادی در مطالعات توسعه است. مطالعاتی که عمدتاً بر مؤلفه‌های اقتصادی تأکید داشته، ولی در دهه‌های اخیر بیشتر به عوامل اجتماعی و فرهنگی توسعه معطوف گردیده است. با اهمیت یافتن اعتماد اجتماعی در جامعه معاصر به تدریج این مفهوم در نزد سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و دولت‌مردان نیز از جایگاه خاصی برخوردار شده تا جایی که سنجش اعتماد اجتماعی در قانون برنامه توسعه اقتصادی- اجتماعی کشور مورد توجه قرار گرفته است. چارچوب نظری این مقاله، رویکردی تلفیقی مشتمل بر نظریه فرهنگ گرایی وبر، نظریه اقتصاد نهادی و نظریه پاتنام می‌باشد که از مفاهیم عمده آنها در این تحقیق استفاده شده است. هدف این پژوهش عبارت است از سنجش میزان اعتماد اجتماعی و مؤلفه‌های آن در شهر بیرجند و تبیین ارتباط آن با اقدامات نهادی برای توسعه اقتصادی. تحقیق حاضر با رویکرد کمی، به روش پیمایشی و با ابزار پرسش‌نامه انجام شده است. با استفاده از فرمول کوکران ۴۰۰ نفر از مردم شهر بیرجند به عنوان نمونه انتخاب شده، سپس به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای افراد واقع در سنین بین ۱۵ تا ۶۴ سال، مورد پرسش قرار گرفتند. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که ظرفیت بسیار بالایی از اعتماد اجتماعی و رابطه‌اش با اقدامات نهادی برای توسعه اقتصادی وجود دارد و نتایج نشان می‌دهد که تمامی این روابط معنی‌دار و مستقیم بوده و بیانگر این مهم که میزان آمادگی در

جهت توسعه اقتصادی در منطقه در سطح بالایی می باشند. واژگان کلیدی: اعتماد اجتماعی، اقدامات نهادی، بیرجند، اقتصاد نهادی، سرمایه اجتماعی

مقدمه و بیان مسأله

در گذشته مطالعات توسعه عمدتاً بر مؤلفه‌های اقتصادی تأکید داشت ولی در دهه‌های اخیر توجه بیشتر به‌سوی عوامل اجتماعی و فرهنگی توسعه معطوف شده و این چرخش نظری (تئوریک) منجر به ورود مقولات جدیدی هم‌چون اعتماد^۱ به عرصه توسعه شده است.

طرح مقوله اعتماد به واقع رشد نوعی جهت‌گیری فرهنگ‌گرایانه در جامعه می‌باشد و به تعبیر زتومکا "مصاداق چرخش از مفاهیم سخت اقتصادی به‌سوی مفاهیم نرم فرهنگی است" (Sztompka, 1999: 12)

مهم‌ترین مؤلفه سرمایه اجتماعی اعتماد می‌باشد، در واقع سرمایه اجتماعی به‌وسیله اعتماد شناخته می‌شود و رابطه دوسویه‌ای با آن دارد. از طرفی اعتماد سرمایه اجتماعی را به وجود آورده و از طرف دیگر اگر در جامعه‌ای سرمایه اجتماعی به اندازه‌ی کافی وجود داشته باشد اعتماد میان افراد تقویت می‌گردد (کلمن، ۱۳۷۷: ۸۳).

اعتماد یعنی آمادگی افراد برای این‌که در یک متن اجتماعی و در روابط اجتماعی بپذیرند که باید به دیگران اطمینان کنند و البته در مقابل دیگران نیز به همان نحو اطمینان نشان دهند.

از نظر لومان^۲ اعتماد دارای سطوح متفاوتی است که از سطح فردی گرفته تا سطح اجتماعی قابل ملاحظه است ولی همیشه دارای یک کارکرد است و آن این‌که اعتماد پیچیدگی را کاهش می‌دهد (شارع پور، ۱۳۸۵: ۱۷۳).

اعتماد عامل بسیار مهمی برای تداوم زندگی اجتماعی در دنیای پرمخاطره‌ی مدرن است و عدم توجه به آن سبب تأخیر در کارها و هزینه‌بر شدن آنها، خلل در روابط و

1. Trust

2. Luhman

تعاملات و باعث بروز مشکلاتی در نظام اجتماعی، سلامت اجتماعی و به‌طور کلی سبب اختلال در توسعه‌ی همه جانبه می‌گردد. از این رو به نظر گیدنز^۱ اعتماد عمومی که در چارچوب روابط صحیح، عادلانه و منصفانه شکل می‌گیرد از خصلت‌های مدرنیته می‌باشد که در این شرایط در برابر مخاطره قرار می‌گیرد (گیدنز، ۱۳۷۷: ۴۱).

متفکران توسعه پیمودن راه‌های توسعه و تکامل فرهنگی و اجتماعی را بدون اعتماد اجتماعی ناهموار و دشوار می‌دانند و می‌گویند عواملی هم‌چون اعتماد، الگوهای رفتاری هستند که نتایج مهمی در بهره‌وری کلی جامعه داشته و می‌توانند تولید و کارایی را رونق بخشند (Solow, 2001: 8).

جامعه‌شناسان معاصر نیز بر اهمیت روزافزون اعتماد و نقش آن در پیشرفت جامعه تأکید دارند. آنها اعتماد و تأثیر آن بر فرایند توسعه را زیربنا و زمینه ساز اصلی پیشرفت در جوامع مدرن می‌دانند و معتقدند که هر جا سطح اعتماد اجتماعی بالا باشد مشارکت و همیاری مردم در عرصه‌های اجتماعی بیشتر و آسیب‌های اجتماعی کمتر است. وی می‌گوید: «برای ایجاد اعتماد عمومی و اجتماعی باید شرایطی فراهم کرد تا مردم بتوانند در کنار یکدیگر احساس آرامش و امنیت کنند. باید برای رفع تضادها و نابسامانی‌ها در برقراری نظم و ثبات در محیط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه تلاش نمود. در واقع منظور همان اعتماد بینابین است که منجر به حس امنیت وجودی می‌شود و انسان بدون هیچ‌گونه احساس خطر و تهدیدی در شرایط امنیت قرار می‌گیرد و این‌جا اعتماد یک ارزش و سرمایه می‌باشد» (گیدنز ۱۳۷۸: ۳۵).

رویکرد موجود در این پژوهش این است که حرکت به سمت توسعه را می‌توان از منظر اعتماد نگریست. به نظر آفه^۲، اعتماد ایجاد هماهنگی اجتماعی را امکان‌پذیر می‌سازد. اگر بتوان از اعتمادی که سرچشمه‌ی همکاری است صیانت کرد و آن را فعال ساخت می‌توان کیفیت نظام اجتماعی و کارایی را افزایش داد. به اعتقاد وی افزایش اعتماد، موجب افزایش بهره‌وری، سازمان‌های خدماتی و تولیدی و مشروعیت می‌شود (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۷۸).

مورد مطالعه و تحقیق، شهر بیرجند بوده که تحت تأثیر موقعیت و شرایط ویژه جغرافیایی، استقرار در حاشیه دو کویر بزرگ ایران، کمی ریزش‌های جوی و محدودیت منابع آب، بهره‌مندی اندک از مواهب طبیعی، عدم وجود زیرساخت‌های زیر بنایی و در نهایت کم توجهی مدیران عالی رتبه، از جمله‌ی توسعه نیافته‌ترین نقاط کشور است که از فرایند توسعه عقب مانده است (پاپلی یزدی و وثوقی، ۱۳۸۳: ۹۰).

اکنون در جهت مقابله با عقب‌ماندگی و آمادگی برای توسعه‌ی اقتصادی، بسترها و زمینه‌هایی لازم است که پیش شرط و مقدمه‌ی توسعه اقتصادی می‌باشد. به نظر می‌رسد این منطقه از قابلیت اعتماد اجتماعی بالایی برخوردار باشد که بتواند تسهیل کننده و تسریع کننده توسعه منطقه باشند.

از دیدگاه متفکران اقتصادی نیز فراوانی سرمایه اجتماعی به‌طور قابل ملاحظه‌ای باعث کاهش هزینه‌های داد و ستد و افزایش کارایی و کارآمدی از طریق ارتقای سطح اعتماد، هماهنگی و همکاری در همه سطوح می‌شود (Sabatini, 2006: 27).

حال سؤال اساسی این است که آیا این آمادگی برای توسعه‌ی اقتصادی را می‌توان براساس سازه اعتماد اجتماعی تبیین نمود؟ در این پژوهش با ارائه‌ی رویکردی جدید به ارتباط بین این دو پرداخته شده است.

چارچوب نظری

اعتماد، نظم و همبستگی در اندیشه‌ی متقدمان جامعه‌شناسی مانند دورکیم^۱، تونیس^۲ و وبر^۳ کلیدی‌ترین مفاهیم بوده است و اندیشمندان متأخر مانند کلمن^۴، پاتنام^۵، زتومکاء^۶، اینگلهارت^۷، گیدنز و فوکویاما^۸ نیز این مفاهیم را بررسی نموده‌اند (از کیا و غفاری، ۱۳۸۴:

-
1. Durkheim
 2. Tonnies
 3. Weber
 4. Coleman
 5. Putnam
 6. Sztomпка
 7. Inglehart
 8. Fukuyama

(۱۴).

در چارچوب نظری این مقاله از رویکردی تلفیقی استفاده شده است، زیرا این رویکرد قابلیت بالایی در فهم و تحلیل پدیده‌ها دارد. این رویکرد مشتمل بر نظریه‌ی فرهنگ گرایانه‌ی وبر، نظریه‌ی اقتصاد نهادی و نظریه‌ی نهادگرایی پاتنام می‌باشد.

وبر، اولین جامعه‌شناسی است که رابطه بین ارزش‌ها و توسعه را تبیین نموده و از تأثیر فرهنگ و عناصر فرهنگی در شروع و تداوم توسعه سخن گفته است و فرهنگ را در تحول جامعه جدید نقطه آغاز می‌داند. از این رو که فرانکوئیس^۱ در کتاب *سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی/اصول اخلاقی* که وبر بدان پرداخته را نظریه فرهنگ گرایانه توسعه می‌داند. (فرانکوئیس، ۱۳۸۶: ۳۶)

ماکس وبر که از پیروان مکتب تاریخی آلمان است در جلب توجه به ارزش‌ها و نهادها در اقتصاد تأثیر داشته و مؤثر بر رویکرد اقتصاد نهادگرا می‌باشد به‌طوری که بنیان نهادگرایان اقتصادی هم‌چون نورث^۲ از وی تأثیر پذیرفته‌اند. نورث می‌گوید کتاب *اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری* وبر بر جزء نخستین مطالعاتی است که به بررسی تأثیر باورها و ارزش‌ها بر عملکرد اقتصادی پرداخته است (North, 2005: 57).

رویکرد نهادگرایی اقتصادی، نظریه‌های متعارف و مسلط اقتصادی را به‌دلیل غفلت محض از ساخت‌های اجتماعی و سیاسی و تحلیل‌گرایی بیش از اندازه مورد نقد قرار می‌دهد و به نقش نیت، انگیزه‌ها، باورها و نگرش‌های ایدئولوژیک افراد در رفتار اقتصادی آنها اهمیت می‌دهد و نقش مؤسسات و نهادها را در زندگی اقتصادی مورد تأکید قرار می‌دهند (تفضلی، ۱۳۷۵: ۳۴۲).

نهادگرایان منتقد اقتصاد کلاسیک هستند، که همه چیز را در نظام بازار خلاصه می‌کند ولی اقتصاد نهادی معتقد است که نظام بازار نیز خود صرفاً یک نهاد در کنار بسیاری از نهادهای دیگر است که با آنها مناسبات متقابل دارند و نقطه اصلی تمرکز و توجه را به جای رابطه‌ی بین انسان و کالا رابطه بین انسان و انسان می‌داند و به بررسی رفتار اقتصادی در فضای فرهنگی روی می‌آورد (متوسلی، ۱۳۸۴: ۳۶۷).

1. Francois

2. North

نورث (85: 2005) می‌گوید: "نهادهای و ساختار انگیزشی که حاصل نهادهای جامعه است عامل اصلی توسعه یا عدم توسعه کشورها هستند. و واکنش‌های متفاوت کنشگران اقتصادی، بازتابی از شرایط نهادی حاکم بر جامعه می‌باشد." وی در کتاب *ظهور جهان غرب*، که در آن به بررسی اقتصاد نهادی می‌پردازد، بیان می‌دارد که نهادهای شرایط فعالیت اقتصادی در جامعه را تعیین می‌کند و از تصمیمات بهینه انسان‌ها شناخت می‌گیرند و به اصل کارایی نهادی توجه می‌کند.

در نتیجه در رویکرد اقتصاد نهادی که مفاهیم کلیدی هم‌چون گروه، شبکه اجتماعی، اعتماد و ارزش‌ها مورد توجه است و در واقع مصداق رجعت به بحث فرهنگ و نهادها می‌باشند و مبین نگاه مثبت اقتصاددانان به مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی توسعه است. این مؤلفه‌ها عامل کاهش دهنده هزینه‌های مبادلاتی در فعالیت‌های اقتصادی هستند و در این شرایط افراد آماده سرمایه‌گذاری، افزایش کارایی و اثربخشی فعالیت‌های اقتصادی می‌شوند لذا از دیدگاه رویکرد اقتصاد نهادی افراد به‌طور منطقی جهت به حداکثر رساندن که بهره‌وری در اعتماد و مشارکت سرمایه اجتماعی سرمایه‌گذاری می‌کنند. در واقع اعتماد نوعی کاتالیزور اجتماعی است که چرخ‌های تبادلات اجتماعی و اقتصادی را روان می‌کند و در صورت عدم وجود آن این تبادلات بسیار هزینه‌بر، بوروکراتیک و زمانبر خواهند بود (فیلد، ۱۳۸۶: ۳۸).

در چارچوب نظری این پژوهش از نظریه‌های وبر و نورث که رابطه فرهنگ و توسعه را تبیین می‌کنند و هم‌چنین از نظریه پاتنام استفاده شده است. وی معروف‌ترین نویسنده و مدعی سرمایه اجتماعی و اعتماد در جهان امروز می‌باشد از نظر او اعتماد به عنوان مهم‌ترین بعد سرمایه اجتماعی و ارتباط متقابل اعضای یک جامعه، منابع اصلی کنش اعضا می‌باشند. وی اعتماد را موجب افزایش ارتقای کارایی در جامعه می‌داند (شجاعی باغینی، ۱۳۸۷: ۳۳۳).

پاتنام در مطالعاتش به تأثیر سرمایه اجتماعی بر توسعه اقتصادی پرداخته است. به همین منظور در دو مطالعه در میان ایالت‌های مختلف آمریکا در کتاب *بولینگ یک*

نفره^۱ و همچنین حکومت‌های منطقه‌ای تازه تأسیس ایتالیا در شمال و جنوب در کتاب *سنت‌های مدنی و دموکراسی*^۲، تأثیر سرمایه اجتماعی در تقویت جامعه مدنی و کارآمدی دموکراسی را از سویی و رشد و توسعه اقتصادی را از سوی دیگر مورد بررسی قرار داده است. وی در تحقیقی که در ایتالیا از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ به مدت ۲۰ سال و با استفاده از روش تطبیقی- تاریخی انجام داده است در می‌یابد که مناطق شمالی از مناطق جنوبی پیشرفته‌ترند. وی به شاخص‌هایی چون مشارکت مدنی، برابری سیاسی، همبستگی، اعتماد و ساختارهای اجتماعی همکاری اشاره مینماید و نتیجه می‌گیرد که سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌هایش می‌تواند اختلاف مناطق را از نظر توسعه اقتصادی توضیح داده و روشن نماید (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۶).

در این پژوهش، در مورد متغیر مستقل تحقیق، یعنی اعتماد اجتماعی، از دیدگاه استفاده شده است. چنانچه وی در بحث اعتماد با توجه به شعاع اعتماد آن را به دو نوع اعتماد شخصی و اعتماد اجتماعی اشاره دارد و نوع دوم آن را اعتماد تعمیم یافته می‌نامد و به نظر وی این نواع اعتماد، شعاع اعتماد را از فهرست کسانی که شخصاً می‌شناسیم فراتر می‌برد و همکاری گسترده‌تر در سطح جامعه را موجب می‌گردد.

فرضیه‌های تحقیق

۱. به نظر می‌رسد بین میزان اعتماد اجتماعی و اقدامات نهادی برای توسعه اقتصادی در شهر بیرجند رابطه وجود دارد.
۲. به نظر می‌رسد اعتماد اجتماعی با مؤلفه‌های اقدامات نهادی برای توسعه اقتصادی (آمادگی برای سرمایه‌گذاری، تبادل اطلاعات، کارایی، نوآوری، کاهش هزینه‌ها و آمادگی برای پرداخت مالیات) رابطه دارد.

تعاریف نظری و عملیاتی متغیرها

متغیر اولیه: در این تحقیق "اعتماد اجتماعی" متغیر اولیه است و دلالت دارد بر انتظارات و تعهدهای اکتسابی و تأیید شده اجتماعی که افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به سازمان‌ها و نهادهای مربوط به زندگی اجتماعی‌شان دارند (کلمن، ۱۳۷۷: ۲۹۷).

متغیر اعتماد اجتماعی در این پژوهش، مؤلفه‌هایی چون "اعتماد به سازمان‌ها"، "اعتماد به مشاغل" و "اعتماد سیاسی" را شامل می‌گردد. اعتماد به سازمان‌ها در جامعه بسیار مهم و ضروری است؛ زیرا مشروعیت سازمانی بسته به آن است که مردم به سازمان‌ها اعتماد کنند. اعتماد به مشاغل از دیگر انواع مهم و ضروری اعتماد است که برای حفظ و تداوم زندگی جمعی ضروری است. منظور از اعتماد سیاسی اعتماد به دستگاه‌ها و نهادها و مناصبی است که به‌طور مستقیم با قدرت سیاسی ارتباط دارند؛ هم چون نیروی انتظامی، مجلس شورای اسلامی، قوه مجریه، قوه قضائیه، مسؤولان ادارات. هر یک از این مؤلفه‌ها با پرسش‌های متعددی در پرسش‌نامه سنجیده شده‌اند.

متغیر ثانویه: متغیر ثانویه‌ی این تحقیق، عبارت است از آمادگی برای توسعه‌ی اقتصادی". مؤلفه‌های این متغیر شامل موارد زیر است:

آمادگی برای سرمایه‌گذاری: سرمایه‌گذاری یعنی به تعویق انداختن مصرف فعلی برای دستیابی به امکان مصرف بیشتر در آینده (ستاری فر، ۱۳۷۴: ۶۸). در این تحقیق این مؤلفه با موارد زیر سنجیده می‌شود: "میزان رضایت از خدمات‌دهی بانک‌ها"، "باور به پس‌انداز در بانک‌ها"، "اعتماد به قرعه‌کشی بانک‌ها"، "میزان امنیت برای سرمایه‌گذاری"، "میزان استفاده از دسته چک در معاملات".

آمادگی برای کارایی و بهره‌وری: بهره‌وری، از شاخص‌های کلیدی اقتصادی است بهره‌وری را نسبت برون داد به درون داد می‌گویند که با سنجش‌هایی چون "میزان تناسب بین حجم و ساعت کار" و "وجود نیروهای متخصص و منابع انسانی در شهر" سنجیده می‌شود.

تبادل اطلاعات: در رویکرد اقتصاد نهادی، نهادها، سرمایه اجتماعی و اعتماد، ساز و کارهای رسمی برای کاهش هزینه‌های اجتماعی و تأمین اطلاعات می‌باشند که باعث

انتشار بهتر اطلاعات می‌گردد (تونکیس و همس، ۱۳۸۷: ۱۱۰). سنجش‌های این متغیر عبارت است از "میزان اطلاعات اقتصادی افراد جهت جلوگیری از ورشکستگی"، "میزان اطلاعات مدیران شهر در جهت فعالیت اقتصادی".

نوآوری و ابداعات و کارآفرینی: عبارتست از قدرت ایجاد اندیشه نو و درخشش یک اندیشه که به بهبود فرایندها منجر می‌گردد (احمدپور داریانی، ۱۳۸۰: ۲۷). و سنجش-های آن شامل موارد زیر است "میزان ارج نهادن به مخترعان"، "میزان کاهش بیکاری به‌وسیله ابداعات"، و "تأثیر ابداعات در از بین بردن ناامیدی" سنجیده می‌گردد.

کاهش هزینه معاملات: اعتماد، قدرت عمل کردن را تسهیل می‌کند و هزینه مذاکرات و مبادلات اجتماعی را به حداقل می‌رساند و در توسعه طرح‌های اجتماعی و اقتصادی نقش تعیین کننده‌ای داشته و مقدمه حیات اجتماعی است. هزینه فوق عبارت است از کل هزینه‌های آشکار و پنهان اقتصادی و غیراقتصادی که در معاملات علاوه بر هزینه-های مندرج در قراردادها با مبالغ توافق شده بر طرفین معامله تحمیل می‌شود. هزینه مبادله در نبود سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌هایش بسیار بالاست (هایامی، ۱۳۸۶: ۷۵). این متغیر با سنجش‌هایی هم‌چون "میزان پایین آوردن هزینه‌ها از طریق خلاقیت"، "میزان کاهش هزینه معاملات" سنجیده شده است.

روش‌شناسی تحقیق

روش این تحقیق پیمایشی می‌باشد و در این روش از ابزار پرسش‌نامه استفاده شده است، سپس داده‌های جمع آوری شده در نرم افزار SPSS پردازش شده و چگونگی توزیع و روابط بین متغیرها در دو بخش توصیفی و استنباطی مورد تحلیل و آزمون قرار گرفته است، لازم به ذکر است که پاسخ هر کدام از سؤالات پرسش‌نامه به صورت گزینه‌های خیلی کم، کم، تا حدی، زیاد، خیلی زیاد می‌باشد که به این صورت پاسخ‌های هر سؤال در طیف لیکرت قرار داده شده است.

لازم به توضیح است که جهت سنجش روایی، پرسش‌نامه برای تعدادی از صاحب‌نظران و اساتید ارسال شد تا در خصوص تناسب سؤالات اظهار نظر نمایند و بر اساس نتایج

حاصل از آن برخی اصلاحات در ابعاد محتوایی و شکلی پرسش‌نامه صورت گرفت و برای تعیین پایایی پرسش‌نامه تعداد ۳۰ پرسش‌نامه تکمیل شده و ضریب آلفای کرونباخ برای سؤالات مربوطه محاسبه گردید.

جمعیت آماری و نمونه

جامعه آماری این تحقیق را تمام شهروندان واقع در سنین بین ۱۵ تا ۶۴ سال تشکیل می‌دهند که جمعیت فعال شهر بیرجند بشمار می‌روند طبق سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ بالغ بر ۱۱۲,۰۰۰ نفرند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). شیوه‌ی نمونه‌گیری، نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای است که براساس فرمول کوکران حجم نمونه ۴۰۰ نفر محاسبه گردیده است. این تحقیق در سال ۱۳۹۰ در شهر بیرجند انجام شده است.

یافته‌های تحقیق

الف: اطلاعات توصیفی

نتایج مربوط به میزان اعتماد اجتماعی در شهر بیرجند که شامل مؤلفه‌هایی هم‌چون "اعتماد به سازمان‌ها"، "اعتماد به مشاغل" و "اعتماد سیاسی" می‌باشد و هر کدام از این مؤلفه‌ها، شامل شاخص‌هایی است.

جدول (۱) توزیع فراوانی و میانگین رتبه‌ای مؤلفه‌های اعتماد اجتماعی

میانگین	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	مؤلفه های اعتماد اجتماعی
۵۵	۲۶	۹۶	۱۰۹	۱۰۷	۶۲	میزان اعتماد به نمایندگان مجلس
۵۷/۵	۲۸	۷۱	۱۱۰	۱۴۶	۴۵	میزان اعتماد به دادگاه ها و قضات
۴۷/۵	۴۰	۹۰	۱۲۰	۷۴	۴۷	میزان اعتماد به سیاستمداران
۷۵	۱۲	۲۰	۴۹	۱۶۸	۱۵۱	میزان اعتماد به پلیس و نیروی انتظامی
۶۱	۲۵	۶۹	۱۰۹	۱۰۱	۹۶	میزان اعتماد به روحانیون
۷۰	۱۵	۲۳	۱۰۳	۱۵۴	۱۰۵	میزان اعتماد به پزشکان
۸۲/۵	۳	۱۲	۵۱	۱۴۵	۱۸۴	میزان اعتماد به اساتید دانشگاه و معلمان

۴۷/۵	۵۴	۸۳	۱۳۵	۱۰۹	۱۹	میزان اعتماد به کسبه و بازاریان
۶۶	۸	۳۰	۱۶۷	۱۲۴	۶۸	میزان اعتماد به صدا و سیما
۶۰	۱۰	۶۸	۱۴۱	۱۰۲	۷۷	میزان اعتماد به پاسداران
۷۱/۵	۷	۵۳	۹۲	۹۰	۱۵۴	میزان اعتماد به ورزشکاران
۵۷	۲۱	۷۸	۱۴۳	۹۲	۶۴	میزان اعتماد به ارتشی ها
۷۰	۱۲	۴۳	۵۵	۱۶۷	۱۱۳	میزان اعتماد به کارگران
۳۲/۵	۱۱۵	۱۹۴	۳۳	۲۸	۱۳	میزان اعتماد به بنگاهداران (مسکن و ماشین)

میانگین اعتماد اجتماعی برابر با ۶۱ درصد است که بالاتر از میانگین فرضی ۶۰٪ (۳) در مقیاس لیکرت) است.

میزان اعتماد اجتماعی به مشاغل مختلف متفاوت است. میزان اعتماد اجتماعی به فرهنگیان با ۸۲/۵ نیروی انتظامی با ۷۵ و ورزشکاران با ۷۱/۵ در سطح بالایی می باشد. از سویی دیگر میزان اعتماد اجتماعی به مشاغل هم‌چون بنگاه‌های اتومبیل و مسکن با ۳۲/۵، رانندگان و بازاریان با ۴۷/۵ در سطح بسیار پایین می باشد و کسانی که اعتماد سیاسی پایین دارند تعدادشان بیشتر از کسانی است که اعتماد سیاسی بالا دارند.

اقدامات نهادی برای توسعه اقتصادی در بیرجند

نتایج مربوط به اقدامات نهادی برای توسعه که از شش مؤلفه آمادگی برای سرمایه‌گذاری تبادل اطلاعات، افزایش کارایی، نوآوری و اطلاعات، کاهش هزینه معاملات، آمادگی برای پرداخت مالیات و بیمه‌گذاری تشکیل شده نشان می‌دهد که میانگین اقدامات نهادی برای توسعه برابر ۶۹/۲ است که بالاتر از میانگین فرضی ۶۰٪ (۳) در مقیاس لیکرت) می‌باشد. توزیع فراوانی هر یک از زیرمؤلفه‌های مربوط به مؤلفه‌های اقدامات نهادی برای توسعه در جدول ۲ بیان شده است.

جدول ۲) توزیع فراوانی و میانگین رتبه ای مؤلفه‌های اقدامات نهادی برای توسعه اقتصادی بیرجند

مؤلفه‌های اقدامات نهادی برای توسعه	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	میانگین
آمادگی برای سرمایه‌گذاری	۶۸	۲۰۳	۷۲	۲۵	۲۷	۶۷/۵
تبادل اطلاعات	۹۳	۲۲۴	۴۶	۱۶	۱۰	۷۵
افزایش کارایی	۸۶	۲۰۷	۵۸	۲۹	۱۴	۷۲/۵
نوآوری و ابداعات	۵۹	۱۸۰	۱۰۲	۳۴	۲۱	۶۵
کاهش هزینه معاملات	۶۵	۲۱۰	۷۱	۲۸	۱۵	۶۷/۵
آمادگی برای پرداخت مالیات و بیمه‌گذاری	۷۱	۱۹۶	۷۹	۳۰	۱۲	۶۷/۵

ب: آزمون فرضیه‌ها

فرضیه اول: به نظر می‌رسد بین میزان اعتماد اجتماعی و اقدامات نهادی برای توسعه اقتصادی در شهر بیرجند رابطه وجود دارد.

جدول ۳) نتایج ضریب همبستگی رابطه بین اعتماد اجتماعی و اقدامات نهادی

متغیر	اقدامات نهادی برای سرمایه‌گذاری	سطح معنی‌داری
اعتماد اجتماعی	$r=0/374$	۰/۰۰۰

ضریب همبستگی پیرسون جهت بررسی رابطه بین اعتماد اجتماعی و مؤلفه‌های اقدامات نهادی نشان می‌دهد که همان‌طور که در این جدول مشاهده می‌شود. P-value کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد پس می‌توان نتیجه گرفت که بین اعتماد اجتماعی و اقدامات نهادی رابطه وجود دارد و ضریب همبستگی فوق شدت رابطه را نشان می‌دهد.

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد بین اعتماد اجتماعی با مؤلفه‌های اقدامات نهادی برای توسعه اقتصادی (آمادگی برای سرمایه‌گذاری، تبادل اطلاعات، کارایی، نوآوری، کاهش هزینه‌ها و آمادگی برای پرداخت مالیات) رابطه وجود دارد.

جدول ۴) نتایج ضرایب همبستگی رابطه بین اعتماد اجتماعی و مؤلفه‌های اقدامات نهادی

متغیر	مؤلفه‌ها	مقدار همبستگی	سطح معنی‌داری
اعتماد اجتماعی	آمادگی برای سرمایه‌گذاری	۰/۴۰	۰/۰۰۱
	تبادل اطلاعات	۰/۱۱۰	۰/۰۲۸
	میزان کارایی	۰/۱۵۰	۰/۰۰۳
	نوآوری و ابداعات	۰/۳۰۴	۰/۰۰۱
	کاهش هزینه‌ها	۰/۱۲۲	۰/۰۱۴
	آمادگی برای پرداخت مالیات	۰/۲۴۴	۰/۰۰۱

همان‌طور که در این جدول مشاهده می‌شود در بررسی رابطه بین اعتماد اجتماعی، آمادگی برای سرمایه‌گذاری P-value کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد. پس می‌توان نتیجه گرفت که بین اعتماد اجتماعی و آمادگی برای سرمایه‌گذاری رابطه وجود دارد.

نتیجه ضریب همبستگی میزان اعتماد اجتماعی و تبادل اطلاعات را نشان می‌دهد همان‌طور که مشاهده می‌شود که در بررسی رابطه بین اعتماد اجتماعی با تبادل اطلاعات P-value کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد پس می‌توان نتیجه گرفت که بین اعتماد اجتماعی و تبادل اطلاعات رابطه وجود دارد نتیجه ضریب همبستگی پیرسن جهت بررسی میزان اعتماد اجتماعی و میزان کارایی را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود که در بررسی رابطه بین اعتماد اجتماعی و میزان کارایی P-value کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد پس می‌توان نتیجه گرفت که بین اعتماد اجتماعی و میزان کارایی رابطه وجود دارد.

نتیجه ضریب همبستگی پیرسن جهت بررسی رابطه بین اعتماد اجتماعی و نوآوری و ابداعات را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود که در بررسی رابطه بین اعتماد اجتماعی با نوآوری و ابداعات P-value کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد پس می‌توان نتیجه گرفت که بین اعتماد اجتماعی و نوآوری و ابداعات رابطه وجود دارد

نتیجه ضریب همبستگی پیرسن جهت رابطه بین اعتماد اجتماعی و کاهش هزینه معاملات را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود که در بررسی رابطه بین اعتماد اجتماعی و کاهش هزینه معاملات P-value کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد پس می‌توان نتیجه

گرفت که بین اعتماد اجتماعی و کاهش هزینه معاملات رابطه وجود دارد. نتیجه ضریب همبستگی پیرسن جهت رابطه بین اعتماد اجتماعی و آمادگی برای پرداخت مالیات و بیمه‌گذاری را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود که در بررسی رابطه بین اعتماد اجتماعی و آمادگی برای پرداخت مالیات و بیمه‌گذاری $p\text{-value}$ کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد پس می‌توان نتیجه گرفت که بین اعتماد اجتماعی و آمادگی برای پرداخت مالیات و بیمه‌گذاری رابطه وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

از بررسی‌های صورت گرفته در باب اعتماد اجتماعی می‌توان دریافت که این پدیده حالت خودزایشی و تکوینی دارد و به نظر مزیتی است که چنان‌چه مورد استفاده قرار گیرد افزایش و در صورت عدم به‌کارگیری کاهش می‌یابد. اعتماد اجتماعی را، به منزله‌ی مهم‌ترین مؤلفه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی در چارچوب انواع رویکردها مورد تحلیل و بررسی قرار داده‌اند که انتخاب هر رویکرد یا نظریه‌ای باید متناسب با جامعه‌ی مورد مطالعه و شرایط تحقیق باشد. بر این اساس، در این پژوهش از رویکردی تلفیقی که مشتمل بر سه نظریه‌ی فرهنگ گرایانه ماکس وبر، اقتصاد نهادی و نهادگرایی رابرت پاتنام است استفاده شده است. در این پژوهش ابتدا میزان اعتماد اجتماعی و مؤلفه‌ها و شاخص‌های آن رابطه‌ی اعتماد اجتماعی و توسعه‌ی اقتصادی در شهر بیرجند مورد تحلیل قرار گرفته است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که میزان اعتماد اجتماعی در بیرجند بالاست که با نتایج طرح ملی سنجش سرمایه اجتماعی و اعتماد در ایران هم‌پوشانی دارد هم‌چنین اقدامات و آمادگی‌ها برای توسعه در بیرجند از میانگین فرضی بیشتر است. یافته‌های تحقیق حاکی از این است که میانگین اعتماد اجتماعی به گروه‌ها، سازمان‌ها و مشاغل که عملکردشان ارتباط تنگاتنگ با توسعه دارد متفاوت می‌باشد. اعتماد به مدیران ادارات که تسهیل کننده امر توسعه هستند پایین‌تر از میانگین فرضی ۶۰٪، (۳ در مقیاس لیکرت)

می‌باشد، اعتماد به مشاغل مختلف که برای حفظ و تداوم زندگی جمعی ضروری است، متفاوت می‌باشد. اعتماد به کسبه و بازاریان، بنگاه‌داران اتومبیل و مسکن، اعتماد به رانندگان پایین‌تر از میانگین فرضی است، ولی اعتماد به معلمان، استادان دانشگاه و پلیس و نیروی انتظامی بسیار بالاتر از میانگین فرضی می‌باشد که این مبین بستر فرهنگی و اجتماعی مناسب در جهت توسعه می‌باشد بستر فرهنگی که نظم و امنیت را فراهم می‌سازد. به نظر می‌رسد مدرسه شوکتیه بیرجند این سنگ بنای عظیم فرهنگی را نهاده است و همچنین رهنمودهای فرزنانگان منطقه که با تکیه بر آنها می‌توان گام‌های اساسی در جهت توسعه برداشت، ولی به دلایل متعددی از جمله کمبود سرمایه دولتی و عدم وجود سرمایه هوشمندی مدیران نمی‌توان از سرمایه انسانی غنی و سرمایه اجتماعی و اعتماد اجتماعی بالا که تسهیل و تسریع‌کننده توسعه می‌باشد، بهره‌برد، بنابراین منطقه در حاشیه فرایند توسعه کشوری قرار گرفته و عقب مانده است.

سرانجام باید افزود، از آن جایی که در دیدگاه جامعه‌شناختی هر کنش‌گری عامل تغییر و توسعه نیست مگر کنش‌گری که قدرت تأثیرگذاری را داشته باشد و از آن جایی که نتایج پژوهش نشان می‌دهد رفتار اقتصادی کنش‌گران بیرجندی در اقداماتی هم‌چون آمادگی برای سرمایه‌گذاری و پس‌انداز و آمادگی برای پرداخت مالیات، به دلیل وجود نظم و امنیت بالا و غنای فرهنگی مناسب در سطح بسیار بالایی است، مدیران و دست‌اندرکاران امر توسعه در این شهر می‌بایست بسترها و تسهیلات لازم را جهت بهره‌برداری از این رفتار اقتصادی کنش‌گران فراهم نمایند.

منابع

- احمدپور داریانی، محمود (۱۳۸۰). کارآفرینی، تعاریف، نظریه‌ها و الگوها. تهران: پردیس.
- ازکیا، مصطفی؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی توسعه. تهران: کیهان.
- پاپلی یزدی، محمدحسین؛ وثوقی، فاطمه (۱۳۸۳). خراسان ژئوپلیتیک و توسعه. مشهد: پاپلی.
- پاتنام، رابرت (۱۳۸۰). دمکراسی و سنت‌های مدنی. ترجمه محمدتقی دلفروز. تهران: روزنامه سلام.
- تاج‌بخش، کیان (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه. تهران: شیرازه.
- تفضلی، فریدون (۱۳۷۵). تاریخ عقاید اقتصادی. تهران: نشر نی.
- تونکیس، فران؛ همس، لزی (۱۳۸۷). اعتماد و سرمایه اجتماعی. ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- ستاری‌فر، محمد (۱۳۷۴). درآمدی بر سرمایه و توسعه. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- شارع‌پور، محمود (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی، مفهوم‌سازی، سنجش و دلالت‌های سرمایه‌گذاری. مازندران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان مازندران.
- شجاعی باغینی، محمدمهدی (۱۳۸۷). مبانی مفهومی سرمایه اجتماعی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- فرانکوئیس، پاتریک (۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی. مترجمان محسن رنایی و رزیتا مؤیدفر. تهران: ریاست جمهوری، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی.
- فیلد، جان (۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی. ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رضائی. تهران: کویر.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه اجتماعی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.

- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). پیامدهای مدرنیت. ترجمه ثلاثی. تهران: نشر مرکز.
- ----- (۱۳۷۸). راه سوم، بازسازی سوسیال دموکراسی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر شیرازه.
- متوسلی، محمود (۱۳۸۴). توسعه اقتصادی، مفاهیم، مبانی و رویکردها. تهران: سمت.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). نتایج عمومی سرشماری نفوس و مسکن. تهران: مدیریت انتشارات و اطلاع رسانی.
- هایامی، یوجیرو (۱۳۸۶). اقتصاد توسعه. ترجمه غلامرضا آزاد ارمکی. تهران: نشرنی.
- North, Douglass C. (2005). *Understanding the process of economic change princeton. princeton university press.*
- Sabatini, francesco (2006). *The Role of social capital in Economic Development*,. Rome: University of Lasapienza.
- Solow, Robert (2001). *Notes on Social capital and economic Performance*. Washington: The World Bank.
- Sztompka, pioter (1999). *Trust: A sociological theory*. Cambridge: Cambridge university press.

رابطه‌ی بین شیوه‌های فرزندپروری والدین و اختلالات رفتاری در دانش‌آموزان مقطع دوم و سوم دبیرستان (مورد مطالعه: مدارس کار دانش شهر بیرجند)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۳/۷

سوده مقصودی^۱

سعیده درویشی^۲

مریم امیرآبادی^۳

چکیده

شیوه‌های فرزندپروری، روش‌هایی است که والدین برای تربیت فرزندان خود به کار می‌گیرند. در این پژوهش سعی بر آن شده است که رابطه‌ی بین شیوه‌های فرزندپروری والدین و اختلالات رفتاری در نوجوانان مورد بررسی قرار گیرد. این تحقیق به روش پیمایشی از نوع توصیفی-تبیینی و همبستگی انجام شده است. بر اساس نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای، ۲۵۰ دانش‌آموز مدارس دخترانه و پسرانه کار دانش شهرستان بیرجند انتخاب شدند و به پرسش‌نامه شیوه فرزندپروری بامریند (۱۹۷۲) و اختلالات رفتاری راتر (۱۹۶۷) پاسخ دادند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش رگرسیون همزمان استفاده شد. نتایج تحلیل رگرسیون برای اختلال رفتاری کلی نشان داد شیوه‌ی فرزندپروری مقتدرانه، قوی‌ترین پیش‌بینی کننده است و متغیرهای شیوه‌ی فرزندپروری مستبدانه، سن پدر، شیوه‌ی فرزندپروری سهل‌گیرانه، تحصیلات مادر، جنسیت دانش‌آموز و سن مادر به ترتیب در مراحل بعدی قرار می‌گیرند و حدود ۱۶ درصد از واریانس متغیر ملاک را تبیین نموده‌اند. بنابراین بین شیوه‌های فرزندپروری مقتدرانه با متغیرهای اضطراب، ناسازگاری اجتماعی و رفتار ضد اجتماعی رابطه‌ی مسقیم، بین شیوه‌ی فرزندپروری مستبدانه با

۱. استادیار علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات زنان، دانشگاه شهید باهنر کرمان، نویسنده مسؤول
darvishi.bs@gmail.com .

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات زنان، دانشگاه شهید باهنر کرمان

متغیرهای اضطراب، ناسازگاری اجتماعی و رفتار ضد اجتماعی و همچنین بین شیوه فرزندپروری سهل گیرانه و رفتار ضد اجتماعی رابطه‌ی معکوس وجود دارد. واژگان کلیدی: فرزندپروری، اختلالات رفتاری، نوجوانان، دانش‌آموزان دبیرستان

بیان مسأله

اختلالات رفتاری نوجوانان، اختلالات شایع و ناتوان کننده‌ای هستند که برای معلمان، خانواده و خود نوجوانان مشکلات بسیاری را ایجاد می‌کنند و با نرخ‌های بالایی از معضلات اجتماعی همراهند (مسعودی، ۱۳۹۰: ۳).

شیوه‌های فرزندپروری، روش‌هایی است که والدین برای تربیت فرزندان خود به کار می‌گیرند و بیانگر نگرش‌هایی است که آن‌ها نسبت به فرزندان خود دارند و همچنین شامل معیارها و قوانینی است که برای فرزندان خویش وضع می‌کنند (بی‌نا، ۱۳۹۱: ۷). زمانی که فرزند پا به عرصه‌ی وجود می‌گذارد، والدین بیشترین سعی و تلاش خود را به کار می‌برند تا بهترین و عالی‌ترین امکانات را برای رشد همه جانبه‌ی فرزند فراهم کنند. بیشتر والدین میل‌اند فرزندان سالم، شاداب و نیرومند داشته باشند. با وجود این، بسیاری از فرزندان در طول فرایند رشد خود خصوصیات نامطلوب تربیتی را به تدریج کسب می‌کنند و از داشتن اعتماد به نفس و احساس امنیت دور می‌مانند و دچار مشکلات رفتاری می‌شوند (کلانتری، مولوی و توسلی، ۱۳۸۴: ۶۰، نقل از نلسون و ایزرائیل، ۱۳۷۵: ۳۲۰).

سبک‌های فرزندپروری "ترکیب‌هایی از رفتارهای والدین است که در موقعیت‌های گسترده‌ای روی می‌دهند و جو فرزندپروری بادوامی را پدید می‌آورند" (شهامت، ثابتی و رضوانی، ۱۳۸۹: ۲۴۱، نقل از برک لورا، ۱۳۸۷: ۴۸۰). بامریند^۱ در مطالعات خود سه ویژگی را آشکار می‌سازد که روش مؤثر را از روش‌های نه چندان مؤثر فرزندپروری جدا می‌سازد، این سه ویژگی عبارتند از: (۱) پذیرش و روابط نزدیک، (۲) کنترل و (۳) استقلال دادن. از تعامل این سه ویژگی، سه سبک فرزندپروری مشخص می‌شود: مقتدرانه،

مستبدانه و سهل‌گیرانه. سبک مقتدرانه با پذیرش و روابط نزدیک، روش‌های کنترل سازگارانه و استقلال دادن مناسب مشخص می‌شود. سبک مستبدانه از نظر پذیرش و روابط نزدیک پایین، از نظر کنترل اجباری بالا و از نظر استقلال دادن پایین است. والدین با سبک فرزندپروری آسان‌گیرانه روشی مهرورز و پذیرا را نشان داده، متوقع نیستند و کنترل کمی بر فرزندان خود اعمال می‌کنند. این والدین به فرزندان خود اجازه می‌دهند در هر سنی که باشند خودشان تصمیم‌گیری کنند حتی اگر هنوز قادر به انجام این کار نباشند (Diaz, 2005: 3؛ نقل در شهامت، ثابتی و رضوانی، ۱۳۸۹: ۲۴۱).

به طور مثال بامریند (۱۹۷۳-۱۹۶۷) رابطه‌ی بین سبک‌های فرزندپروری و خوداتکائی کودکان را مورد بررسی قرار داد و والدین را به سه دسته تقسیم کرد:

۱. والدین مستبد که بر اطاعت، همنوایی و احترام به مرجع قدرت تأکید دارند و حمایت و محبت خیلی کمی از خود نشان می‌دهند.
 ۲. والدین سهل‌گیر که از کودکان خود توقعات بسیار پایینی دارند، با رفتارهای بد کودکان مقابله نمی‌کنند، قواعد و مقرراتی را بر رفتار کودکان اعمال نمی‌کنند و عموماً گرم و پذیرا هستند.
 ۳. والدین مقتدر که بر اساس قواعد و مقررات بر رفتارهای کودکان نظارت می‌کنند، رفتارهای بد فرزندان را اصلاح می‌نمایند، تشویق کننده فردیت و روابط باز متقابل هستند و رفتارهای گرم و حمایت‌گرانه دارند.
- تحقیقات بامریند (۱۹۹۱) نشان داد که از میان این سه سبک فرزندپروری، سبک مقتدرانه نتیجه‌بخش‌ترین است. کودکان این خانواده‌ها، مستقل، قاطع و دوستانه هستند. از حرمت خودبالایی برخوردارند، با والدین خود همکاری می‌کنند و در مقیاس‌های مربوط به پیشرفت تحصیلی نمرات بالایی می‌گیرند. برعکس، فرزندان خانواده‌های سهل‌گیر از مهارت‌های خوداتکایی و خودکفایی برخوردار نبوده و پذیرای مسئولیت نیستند. هم چنین فرزندان خانواده‌های مستبد، کودکانی گوشه‌گیر، ترسو و فاقد حس استقلال هستند. کم‌جرات و بدگمان‌اند و نیز از مهارت‌های اجتماعی پایین و سطح بالایی از افسردگی و اضطراب برخوردارند (آجیل چی و ذوقی، ۱۳۸۸: ۸۱-۸۲).

لامبورن^۱ (۱۹۹۱) بر اساس الگوی بامریند، به بررسی این رابطه در سنین نوجوانی اقدام کرده و خانواده‌های ۴۱۰۰ نوجوان را بر اساس دو بعد نظارت/ سخت‌گیری و پذیرش/ دخالت، به چهار گروه مقتدر، مستبد، اغماض‌گر و سهل‌گیر تقسیم کرده است. خانواده‌های مقتدر در هر دو بعد نظارت و پذیرش، نمره بالایی دریافت کردند اما والدین سهل‌گیر در هر دو بعد نمره پایین گرفتند و پذیرای مسئولیت خود به‌عنوان پدر و مادر نیستند. خانواده‌های اغماض‌گر از لحاظ نظارت در سطح پایین، اما به لحاظ پذیرش در سطح بالا هستند. خانواده‌های مستبد نیز بر عکس خانواده‌های اغماض‌گر عمل می‌کنند. این محققان به این نتیجه رسیدند که فرزندان والدین مقتدر از لحاظ شایستگی روانی، نمره بالا می‌گیرند و دارای مشکلات روانی و رفتاری کمتری هستند. نتایج فرزندان خانواده‌های سهل‌گیر برعکس بود. نوجوانان والدین مستبد در مقیاس اطاعت و هم‌رنگی با بزرگسالان، نمرات بالایی را کسب می‌کنند، اما نسبت به سایر گروه‌ها از خودپنداشت ضعیف‌تری برخوردارند. نوجوانان خانواده‌های اغماض‌گر دارای احساس اطمینان به خود بالایی هستند، اما فراوانی مصرف مواد مخدر و رفتارهای مخرب تحصیلی در این گروه بیشتر از سایر گروه‌هاست (Lamborn, 1991: 45، نقل در آجیل چی و ذوقی، ۱۳۸۸: ۸۴).

ویلیام گود^۲ با استعانت از نظریه آنومی و تعمیم آن به نهاد خانواده به‌عنوان مهم‌ترین پایگاه اجتماعی‌کننده ساختار خانواده، سازمان و انگاره‌های آن را کلیدی برای شناخت شخصیت و رفتار فرد پرورش یافته در آن تلقی می‌کند و هرگونه نابسامانی و بی‌سازمانی در این نهاد و ساختار آن را در بروز توسعه و تکوین شخصیت بزهکار و کجرو دخیل می‌داند. گود معتقد است "خانواده" کانون و هسته‌ی اصلی شکل اجتماعی به‌عنوان یک نظام کوچک اجتماعی است که زیربنای جامعه‌ی بزرگتری را فراهم می‌کند. هنجارها و ارزش‌های حاکم بر تک تک افراد آن تأثیر قطعی دارند. شناخت سازمان و انگاره‌های خانواده می‌تواند به‌عنوان کلیدی برای شناخت رفتارهای فرد پرورش یافته در آن تلقی گردد، زیرا بدون تردید خانواده مهم‌ترین عامل پیدایش و تشکیل شخصیت فرد

1. Lamborn
2. William Good

محسوب می‌شود (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۶۸). به نظر گود، هنگامی که یک یا چند تن از اعضای خانواده نتوانند وظایف و نقش خود را به‌طور متناسب و شایسته‌ای انجام دهند، گسیختگی خانوادگی به‌وجود می‌آید (همان: ۶۹).

گود (بی تا) در کتاب معروف خود تحت عنوان *جامعه و خانواده*، ضمن اشاره به اهم وظایف و کارکردهای خانواده به شرایط و عواملی که منجر به گسیختگی و بی‌سازمانی و تشدید شرایط آنومیک^۱ در خانواده می‌گردد اشاره می‌کند. به نظر گود، خانواده نقش مهمی را در تأمین نیازهای جسمی، روانی، عاطفی و اجتماعی فرزندان و اعضای خانواده خود ایفا می‌کند. به‌علاوه خانواده به جریان شناخت خود، کشف خویشتن و هویت‌یابی فرد کمک می‌نماید. این نهاد هم‌چنین نقش عمده‌ای را در یادگیری، تربیت و آموزش اعضاء به‌عهده دارد و بالاخره خانواده منبع رشد و شکوفایی استعدادهای فرزندان و اعضای خود به‌شمار می‌آید (مسعودی، ۱۳۹۰: ۴۰).

پژوهشگران نشان داده‌اند که در بین عوامل مختلف شکل‌گیری شخصیت، شیوه‌های فرزندپروری، از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین عوامل محسوب می‌شوند (نوابی نژاد، ۱۳۷۲: ۵۰؛ نقل در کلانتری، مولوی و توسلی، ۱۳۸۴: ۶۱). از سوی دیگر، اهمیت دوران نوجوانی، مورد تأکید و توجه بسیاری از نظریه‌پردازان و روانشناسان واقع شده است.

تحقیقات انجام شده در داخل و خارج از کشور، نشان می‌دهند که چگونگی رفتار والدین با فرزندان، در شکل‌گیری نظام رفتاری آنان و بروز مشکلات رفتاری آن‌ها نقش مهمی را ایفا می‌کند. دامنه‌ی شیوع اختلالات رفتاری در دانش‌آموزان چینی از طریق گزارش معلمان و والدین به ترتیب ۱۹/۲ و ۲۳/۱ درصد برآورد شده است. در ایران میزان شیوع اختلالات رفتاری در اصفهان، تهران، ایلام و گرگان به ترتیب ۱۳/۲، ۱۰/۵، ۱۰/۲ و ۲۱ درصد گزارش شده است. این میزان در پسران بیشتر از دختران، در مناطق شهری بیش از روستایی و در پایهی سوم ابتدایی بیش از سایر پایه‌ها گزارش شده است (حنیفی واحد و طالع پسند، ۱۳۹۲: ۸۰۴). در ایالات متحده آمریکا شیوع اختلالات رفتاری در بین دانش‌آموزان سنین مدرسه ۸/۶ درصد گزارش شده است، به‌طوری که

ایگلاند و هانسن^۱ شیوع اختلالات رفتاری در بین دانش‌آموزان سنین مدرسه دانمارک را ۱۰ درصد گزارش کردند. هم‌چنین این تحقیق نشان داد که شیوع اختلالات رفتاری در بین پسران بیشتر از دختران و در مناطق شهری بیشتر از مناطق روستایی است. علاوه بر این، نتایج تحقیق بیانگر این بود که شیوع اختلالات رفتاری در بین دانش‌آموزان معلمان تازه‌کار، بیشتر از معلمان باتجربه است (مسعودی، ۱۳۹۰: ۴).

نیکاپوتا^۲ با بررسی میزان شیوع اختلالات رفتاری در کودکان کشورهای اتیوپی، سودان و هند نشان داد که میزان شیوع اختلالات رفتاری این کودکان بین ۳ تا ۱۱ درصد است. کیل و پرایس^۳ نیز نشان دادند که تقریباً ۵۰ درصد کودکان و نوجوانانی که در کانون‌ها و مراکز تحت حمایت نگهداری می‌شوند، دارای اختلالات رفتاری آشکار می‌شوند (همانجا). هم‌چنین در پژوهشی که توسط خزاعی و همکاران در بیرجند صورت گرفت، نشان داد که ۳۲ درصد از کودکان مراجعه‌کننده به پایگاه‌های سنجش تحصیلی دارای اختلال‌های رفتاری بودند (خزاعی و دیگران، ۱۳۸۴: ۷۹).

در پژوهشی که در استان بوشهر انجام شد، نتایج نشان داد که ۱۶/۸۴٪ دانش‌آموزان دوره ابتدایی این استان دارای اختلالات رفتاری می‌باشند. در این پژوهش مشخص گردید که میزان شیوع در پسران بیشتر از دختران و در دانش‌آموزان شهری بیشتر از دانش‌آموزان روستایی است. پژوهشی در اصفهان نیز نشان داد که ۱۳/۲٪ دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی دارای معیارهای تشخیصی اختلالات رفتاری می‌باشند (مسعودی، ۱۳۹۰: ۴). این در حالی است که در زمینه‌ی تأثیر شیوه‌های فرزندپروری والدین بر اختلالات رفتاری، پژوهشی در شهرستان بیرجند انجام نشده است، بنابراین پژوهش حاضر به بررسی تأثیر شیوه‌های فرزندپروری والدین بر اختلالات رفتاری نوجوانان می‌پردازد. مطالعه حاضر با توجه به هدف کلی تحقیق که بررسی رابطه‌ی بین شیوه‌های فرزندپروری والدین (مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه) و اختلالات رفتاری در دانش‌آموزان مقطع دوم و سوم مدارس کاردانش می‌باشد، به دنبال بررسی این فرضیات است:

1. Eagland & Hansen

2. Nikapota

3. Kiel & Price

۱. به نظر می‌رسد بین شیوه‌ی فرزندپروری مقتدرانه و اختلالات رفتاری (پرخاشگری، اضطراب، ناسازگاری اجتماعی، رفتارهای ضد اجتماعی و اختلال کمبود توجه) دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.
۲. به نظر می‌رسد بین شیوه‌ی فرزندپروری مستبدانه و اختلالات رفتاری (پرخاشگری، اضطراب، ناسازگاری اجتماعی، رفتارهای ضد اجتماعی و اختلال کمبود توجه) دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.
۳. به نظر می‌رسد بین شیوه‌ی فرزندپروری سهل‌گیرانه و اختلالات رفتاری (پرخاشگری، اضطراب، ناسازگاری اجتماعی، رفتارهای ضد اجتماعی و اختلال کمبود توجه) دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.
۴. به نظر می‌رسد بین سن پدر، سن مادر، تحصیلات پدر، تحصیلات مادر، میزان درآمد خانواده، شغل پدر و شغل مادر و میزان اختلالات رفتاری دانش‌آموزان به‌طور کلی رابطه وجود دارد.
۵. به نظر می‌رسد بین جنسیت دانش‌آموز و میزان اختلالات رفتاری دانش‌آموزان به‌طور کلی رابطه وجود دارد.
۶. به نظر می‌رسد بین شیوه‌های فرزندپروری مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه با اختلالات رفتاری به‌طور کلی رابطه وجود دارد.

پیشینه پژوهش

خانجانی و محمودزاده (۱۳۹۲) در پژوهشی تحت عنوان "مقایسه‌ی شیوه‌های فرزندپروری و اختلالات رفتاری کودکان مادران شاغل و غیرشاغل" به این نتیجه دست یافتند که کودکان مادران شاغل و غیرشاغل از نظر مشکلات رفتاری تفاوت معناداری با هم نداشتند. مادران خانه‌دار به‌طور معناداری شیوه‌ی تربیتی مقتدرانه‌تری از مادران شاغل داشتند. ولی در شیوه‌ی فرزندپروری آزادگذاری و استبدادی تفاوت معناداری بین دو گروه مشاهده نشد.

صادق خانی، علی اکبری دهکردی و کاکوجویباری (۱۳۹۱) به مقایسه‌ی شیوه‌های

فرزندپروری مادران دانش‌آموزان پسر ۷ تا ۹ سال دوره‌ی ابتدایی با اختلال لجبازی- نافرمانی و عادی در شهرستان ایلام پرداختند. یافته‌های این پژوهش بیانگر آن بود که بین شیوه‌های فرزندپروری مادران گروه‌های پژوهش در الگوهای تربیتی مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه در سطح ($p < .05$) تفاوت معنی‌دار وجود دارد. مادران کودکان با اختلال لجبازی- نافرمانی نسبت به مادران کودکان عادی بیشتر از شیوه‌ی فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه و کمتر از شیوه‌ی فرزندپروری مقتدرانه استفاده می‌کنند.

آهن‌گرانزایی، شریفی درآمدی و فرج‌زاده (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان "رابطه سبک‌های فرزندپروری والدین با پرخاشگری نوجوانان شهرستان شبستر" نشان می‌دهد بین سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و پرخاشگری کلامی، خصومت، خشم و پرخاشگری فیزیکی رابطه وجود نداشت. رابطه بین سبک فرزندپروری دموکراتیک^۱ با پرخاشگری و پرخاشگری کلامی مستقیم و هم‌چنین با پرخاشگری فیزیکی و خصومت خشم، معکوس بود.

آجیل‌چی و ذوقی (۱۳۸۸)، در پژوهشی که به بررسی مقایسه‌ای شیوه‌های فرزندپروری در مادران خانه‌دار با مادران شاغل در دانشکده‌ی علوم انتظامی ناجا پرداختند، نشان دادند که تفاوت معنی‌داری بین شیوه‌های فرزندپروری سهل‌گیر و مقتدرانه بین مادران خانه‌دار و مادران شاغل در ناجا وجود دارد؛ بدین ترتیب که مادران خانه‌دار بیشتر از شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه استفاده می‌کنند، در حالی که مادران شاغل در ناجا بیشتر از شیوه فرزندپروری مقتدرانه پیروی می‌کنند. در این تحقیق، تفاوت معنی‌داری بین پیروی از شیوه فرزندپروری مستبدانه بین دو گروه مشاهده نگردید.

رایت و دیگران (Wright & et al., 2009: 63) نشان دادند که سبک والدینی بر طریقه‌ی شکل‌گیری طرحواره‌ها اثر دارد و این طرحواره‌ها در آسیب‌شناسی روانی بعدی افراد اثر دارد. ارگیز و رس (Argys & Ress, 2004: 217) در تحقیقات خود نشان دادند که سبک‌های فرزندپروری در کاهش رفتارهای پر خطر نوجوانان مؤثر است، هم‌چنین نتایج تحقیقات بیانگر این است که والدینی که وقت بیشتری را صرف فرزندپروری منطقی با فرزندانشان می‌کنند، پرخاشگری و خشونت و رفتارهای پر خطر و نامناسب در خانواده‌های

آن‌ها کمتر به چشم می‌خورد.

روش‌شناسی

این تحقیق به روش پیمایش و از نوع توصیفی-تبیینی و همبستگی انجام گرفته است. ابتدا منابع موجود در زمینه‌ی پژوهش به روش اسنادی و بررسی ادبیات موضوع جمع‌آوری شده و چارچوب نظری تحقیق تهیه گردیده است. سپس متغیرها و شاخص‌ها بر اساس چارچوب نظری تبیین و اطلاعات مورد نیاز به‌وسیله‌ی پرسش‌نامه جمع‌آوری شده‌اند. در مرحله‌ی بعد اطلاعات موجود با استفاده از نرم افزار SPSS و با توجه به سطح سنجش در دو سطح توصیف و تحلیل پردازش گردیده است. در این پژوهش برای بررسی میزان ارتباط بین دو متغیر از آزمون‌های پیرسون، اسپیرمن، تی تست و آنووا استفاده شده است. پرسش‌نامه و مصاحبه دو روش به‌کار گرفته شده در این پژوهش می‌باشند.

جامعه‌ی آماری پژوهش کل دانش‌آموزان دختر و پسر مدارس کاردانش شهر بیرجند می‌باشد. بر اساس آمار به‌دست آمده کل دانش‌آموزان دختر و پسر ۷۲۰ نفر می‌باشد. حجم نمونه‌ی این تحقیق با استفاده از فرمول کوکران محاسبه شده است. بر این اساس، حجم نمونه‌ی این تحقیق ۲۵۰ نفر از دانش‌آموزان دختر و پسر شهر بیرجند می‌باشد که پرسش‌نامه به تعداد مساوی بین والدین دانش‌آموزان دختر و پسر پر شده است و تکمیل پرسش‌نامه‌ها توسط یکی از والدین این دانش‌آموزان انجام گرفته است.

$$n = \frac{\frac{z^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{z^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

N=حجم نمونه p=۰/۵ احتمال وجود صفت q=۰/۵ احتمال عدم وجود صفت
Z=۱/۹۶ درجه اطمینان d=۰/۰۵ احتمال خطا

در پژوهش حاضر به منظور انتخاب نمونه آماری از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده گردید. به این طریق که ابتدا از بین فهرست کلیه دبیرستان‌های دخترانه و پسرانه شهر بیرجند چند آموزشگاه به‌صورت تصادفی انتخاب، سپس از هر

آموزشگاه و در مقطع دوم و سوم از تمام رشته‌های تحصیلی موجود، تعدادی از دانش-آموزان به‌روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب گردیدند.

منظور از اعتبار آن است که وسیله‌ی اندازه‌گیری بتواند خصیصه مورد نظر را واقعاً اندازه بگیرد نه صفت دیگری را (ساروخانی، ۱۳۸۸: ۱۴۴-۱۴۸).

در محاسبه اعتبار تحقیق سؤال اصلی این است که آیا شاخص‌ها واقعاً آن‌چه را که می‌خواهیم اندازه بگیریم، اندازه می‌گیرند (طالقانی، ۱۳۸۰: ۵۷).

بنابراین اعتبار شیوه‌ی انتخابی به نزدیکی و انطباق آن با واقعیت بستگی دارد. کاپلو^۱ اعتبار شیوه را توانایی آن شیوه برای اندازه‌گیری متغیر مورد نظر می‌داند (طالب، ۱۳۶۹: ۹۶). در این پژوهش از اعتبار صوری (استفاده از نظرات و تجربیات اساتید دانشگاه، کارشناسان و ...) استفاده شده است.

منظور از قابلیت علمی حصول نتایج مشابه در تکرار اعمال قبلی است. بنابراین می‌توان گفت پایایی شاخص است دال بر این که تا چه حد در سنجه (وسیله اندازه‌گیری) دارای خطاهای تغییرپذیری است (ساروخانی، ۱۳۸۸: ۱۵۲).

در این تحقیق برای سنجش پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. این ضریب به‌عنوان یکی از ضرایب پایایی یا قابلیت اعتماد شناخته می‌شود و از عمومی-ترین ضرایبی است که توسط پژوهشگران علوم اجتماعی برای سنجش پایایی ابزارهای مختلف جمع‌آوری داده‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد (قاسمی، ۱۳۸۴: ۱۵۷).

برای برآورد روایی تعداد ۳۰ پرسش‌نامه در مرحله پیش‌آزمون مورد استفاده قرار گرفت، مقدار آلفای کرونباخ برای متغیر وابسته و متغیرهای مستقل محاسبه گردیده که نشان‌دهنده همسازی درونی معرف‌هاست (۰/۶۲). شیوه فرزندپروری مقتدرانه، ۰/۷۷، شیوه فرزندپروری مستبدانه، ۰/۷۶، شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه، ۰/۶۳، پرخاشگری، ۰/۵۱، اضطراب، ۰/۵۳، ناسازگاری اجتماعی، ۰/۶۴، رفتارهای ضد اجتماعی و ۰/۶۰، اختلال کمبود توجه).

ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسش‌نامه می‌باشد و افراد نمونه خود بایستی آن را پاسخ می‌دادند.

متغیرهای شیوه فرزندپروری مقتدرانه، سهل‌گیرانه و مستبدانه با استفاده از پرسش‌نامه‌ی شیوه‌ی فرزندپروری بامریند (۱۹۷۲) سنجیده شد. برای اختلالات رفتاری نیز از پرسش‌نامه اختلالات رفتاری کودکان راتر^۱ (۱۹۶۷) استفاده شد. این پرسش‌نامه به ۵ زیر گروه طبقه‌بندی شده که هر گروه سؤالات خاصی را در بر می‌گیرد که شامل پرخاشگری، اضطراب، ناسازگاری اجتماعی، رفتارهای ضد اجتماعی و اختلال کمبود توجه می‌شود.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی: ۱- نتایج پژوهش حاضر نشان داد که ۱۸/۴ درصد والدین از شیوه‌ی فرزندپروری مقتدرانه در سطح پایین، ۶۴/۸ درصد از والدین در سطح متوسط و ۱۶/۸ درصد به میزان بالایی از این شیوه فرزندپروری مقتدرانه استفاده می‌نمایند. ۲- داده‌ها نشان داد که ۱۶/۴ درصد والدین شیوه‌ی مستبدانه کمتری نسبت به فرزندان اعمال می‌نمایند، در حالی ۶۹/۶ درصد از والدین شیوه مستبدانه متوسطی داشته و ۱۴ درصد نیز رفتاری کاملاً مستبدانه نسبت به فرزندان خود داشتند. ۳- با توجه به یافته‌های پژوهشی اکثریت والدین ۶۵/۶ درصد شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه را در حد متوسطی تأیید و ۲۵/۲ درصد شیوه فرزندپروری را به میزان پایینی تأیید می‌کنند و ۹/۲ درصد نیز تمایل به شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه در حد بالایی هستند. ۴- یافته‌ها همچنین بیانگر آن بود که ۷۰/۸ درصد دانش‌آموزان میزان پایینی از پرخاشگری دارند و تنها ۱/۶ درصد میزان بالایی از پرخاشگری دارند. ۵- ۸۸/۸ درصد پاسخگویان میزان اضطراب فرزندان خود را پایین و تنها ۰/۸ درصد دانش‌آموزان میزان اضطراب بالایی داشتند. ۶- یافته‌ها همچنین بیانگر آن است که ۷۵/۶ درصد دانش‌آموزان میزان ناسازگاری اجتماعی پایین و ۲۲/۸ درصد میزان ناسازگاری متوسط و ۱/۶ درصد میزان ناسازگاری بالایی داشتند. ۷- اکثریت دانش‌آموزان، ۶۴/۴ درصد میزان رفتار ضد اجتماعی پایینی داشته و ۳۲/۸ درصد میزان رفتار ضد اجتماعی متوسطی و ۲/۸ درصد میزان رفتار ضد

اجتماعی بالایی داشتند. ۸- یافته‌ها بیانگر آن بود که میزان اختلال کمبود توجه ۵۹/۲ درصد دانش‌آموزان پایین، ۳۵/۶ درصد در حد متوسط و تنها ۵/۲ درصد در سطح بالایی قرار داشتند. ۹- در خصوص متغیر سن مادران، ۳۸ درصد بین ۳۳ تا ۴۲ سالگی، ۵۳/۲ درصد بین ۴۳ تا ۵۲ سالگی و بقیه بالاتر از ۵۳ سال قرار داشتند. و اکثریت متغیر سن پدران، ۷۰ درصد بین ۳۹ تا ۵۱ سالگی قرار داشت.

آزمون فرضیات: در این پژوهش جهت بررسی فرضیات از آزمون‌های پیرسون، اسپیرمن، تی تست و تحلیل واریانس بهره گرفته شد که در جداول زیر، نتایج حاصل از آن آمده است.

جدول (۱) خلاصه ضریب همبستگی بین متغیرهای پیش‌بین و ملاک

متغیرها	ضریب همبستگی پیرسون (R)	سطح معناداری
شیوه فرزندپروری مقتدرانه و پرخاشگری	۰/۰۷	۰/۲۶۸
شیوه فرزندپروری مقتدرانه و اضطراب	۰/۲۷۴	۰/۰۰۰
شیوه فرزندپروری مقتدرانه و ناسازگاری اجتماعی	۰/۱۳۰	۰/۰۴۰
شیوه فرزندپروری مقتدرانه و رفتار ضداجتماعی	۰/۲۲۶	۰/۰۰۰
شیوه فرزندپروری مقتدرانه و اختلال کمبود توجه	۰/۰۴۸	۰/۴۵۳
شیوه فرزندپروری مستبدانه و پرخاشگری	- ۰/۰۸۶	۰/۱۷۷
شیوه فرزندپروری مستبدانه و اضطراب	- ۰/۲۵۶	۰/۰۰۰
شیوه فرزندپروری مستبدانه و ناسازگاری اجتماعی	۰/۲۰۸	۰/۰۱
شیوه فرزندپروری مستبدانه و رفتار ضد اجتماعی	- ۰/۳۳۷	۰/۰۰۰
شیوه فرزندپروری مستبدانه و اختلال کمبود توجه	۰/۱۱۶	۰/۶۸
شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه و پرخاشگری	- ۰/۱۰۸	۰/۰۸۷
شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه و اضطراب	- ۰/۱۱۹	۰/۶۰
شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه و ناسازگاری اجتماعی	۰/۰۴۱	۰/۵۱۵
شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه و رفتار ضد اجتماعی	- ۰/۱۶۶	۰/۰۰۹
شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه و اختلال کمبود توجه	۰/۱۱۷	۰/۰۶۴
شیوه‌های فرزندپروری مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه با اختلالات رفتاری کلی	- ۰/۱۵۱	۰/۰۱۷
سن مادر و اختلال رفتاری کلی	- ۰/۲۲۶	۰/۰۰۰
سن پدر و اختلال رفتاری کلی	- ۰/۲۳۶	۰/۰۰۰
میزان درآمد و اختلال رفتاری کلی	- ۰/۱۰۲	۰/۱۰۹

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که بین متغیرهای شیوه‌ی فرزندپروری مقتدرانه با اضطراب، ناسازگاری اجتماعی، رفتار ضد اجتماعی، بین شیوه‌ی فرزندپروری مستبدانه با اضطراب، ناسازگاری اجتماعی، رفتار ضد اجتماعی و بین شیوه‌ی فرزندپروری سهل‌گیرانه با اختلال کمبود توجه، رابطه معنی‌داری وجود دارد، زیرا سطح معنی‌داری (Sig) به دست آمده کوچک‌تر از ۰/۰۵ است. اما بین متغیرهای شیوه‌ی فرزندپروری مقتدرانه با پرخاشگری، اختلال کمبود توجه، بین شیوه‌ی فرزندپروری مستبدانه با پرخاشگری، اختلال کمبود توجه و بین شیوه‌ی فرزندپروری سهل‌گیرانه با پرخاشگری، اضطراب، ناسازگاری اجتماعی و رفتار ضد اجتماعی رابطه معنی‌داری مشاهده نشد، زیرا سطح معنی‌داری بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است.

هم‌چنین جدول نشان می‌دهد که بین سن پدر و مادر و میزان اختلالات رفتاری نوجوانان به‌طور کلی، رابطه معنی‌داری وجود دارد، زیرا سطح معنی‌داری به‌دست آمده کوچک‌تر از ۰/۰۵ است و بین میزان درآمد و میزان اختلالات رفتاری نوجوانان به‌طور کلی، رابطه معنی‌داری وجود ندارد، زیرا سطح معنی‌داری به‌دست آمده بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است.

جدول ۲) خلاصه ضریب همبستگی اسپیرمن بین متغیر پیش‌بین

تحصیلات پدر و مادر و متغیر ملاک اختلال کلی

متغیرها	ضریب همبستگی اسپیرمن	سطح معناداری
تحصیلات مادر و اختلال رفتاری کلی	۰/۲۰۳ -	۰/۰۰۱
تحصیلات پدر و اختلال رفتاری کلی	۰/۰۷۲ -	۰/۲۵۹

نتیجه جدول فوق نشان می‌دهد که بین تحصیلات مادر و میزان اختلالات رفتاری نوجوانان به‌طور کلی، رابطه معنی‌داری وجود دارد، زیرا سطح معنی‌داری به‌دست آمده کوچک‌تر از ۰/۰۵ است. هم‌چنین بین تحصیلات پدر و میزان اختلالات رفتاری نوجوانان به‌طور کلی، رابطه معنی‌داری وجود ندارد، زیرا سطح معنی‌داری به‌دست آمده بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است. نتایج جداول دو بعدی در تجزیه و تحلیل آماری نشان داد هر چه تحصیلات مادران بالاتر رفته، میزان اختلالات رفتاری دانش‌آموزان کمتر گردیده است. اما بالاتر

رفتن تحصیلات پدران رابطه‌ای با میزان اختلالات رفتاری دانش‌آموزان نداشته است.

جدول ۳) خلاصه آزمون T-Test بین متغیر جنسیت و متغیر ملاک اختلال رفتاری به صورت کلی

متغیرها	T	Df	Sig
جنسیت و اختلالات رفتاری کلی	۲/۴۴۷	۲۴۵/۰۰۰۸	۰/۰۱۵

نتیجه جدول فوق نشان می‌دهد که بین جنسیت دانش‌آموز و میزان اختلالات رفتاری آنان رابطه معنی‌داری وجود دارد، زیرا سطح معنی‌داری به‌دست آمده کوچک‌تر از ۰/۰۵ است. هم‌چنین نتیجه تحلیل واریانس بین متغیر مستقل شغل پدر ($Sig= ۰/۸۴۶$) و شغل مادر ($Sig= ۰/۱۸۷$) نشان می‌دهد که بین شغل پدر و مادر دانش‌آموز و میزان اختلالات رفتاری آنان رابطه معنی‌داری وجود ندارد، زیرا سطح معنی‌داری به‌دست آمده در هر دو بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است.

تحلیل رگرسیون: در پژوهش حاضر از آماره رگرسیون چندمتغیره به شیوه همزمان استفاده شد. نتایج تحلیل رگرسیون برای متغیر ملاک اضطراب نشان داد که به احتمال ۱۲ درصد می‌توان پیش‌بینی نمود که روش‌های فرزندپروری مقتدرانه و مستبدانه اختلال رفتاری اضطراب را پیش‌بینی می‌کنند و در این میان شیوه‌ی فرزندپروری مقتدرانه، قوی‌ترین پیش‌بینی کننده بود ($Beta = ۰/۲۴۲$) و متغیر شیوه‌ی فرزندپروری مستبدانه در مرحله‌ی بعدی قرار می‌گیرد.

جدول ۴) متغیرهای پیش‌بین درون معادله رگرسیونی برای پیش‌بینی متغیر اضطراب

متغیر	Beta	T	Sig
مقتدرانه	۰/۲۴۲	۴/۰۱۲	۰/۰۰۰
مستبدانه	- ۰/۲۲۱	- ۰/۲۲۱	۰/۰۰۰

$$R = ۰/۱۲۳$$

$$R^2 = ۰/۱۲۳$$

نتایج تحلیل رگرسیون برای متغیر ملاک ناسازگاری اجتماعی نشان داد که به احتمال ۰/۰۵ درصد می‌توان پیش‌بینی نمود که روش‌های فرزندپروری مقتدرانه و مستبدانه

اختلال رفتاری ناسازگاری اجتماعی را پیش‌بینی می‌کنند و در این میان شیوه‌ی فرزندپروری مستبدانه، قوی‌ترین پیش‌بینی کننده بود ($Beta = ۰/۱۹۳$) و متغیر شیوه‌ی فرزندپروری مقتدرانه در مرحله‌ی بعدی قرار می‌گیرد.

جدول ۵) متغیرهای پیش‌بین درون معادله رگرسیونی برای پیش‌بینی متغیر ناسازگاری اجتماعی

متغیر	Beta	T	Sig
مقتدرانه	۰/۱۰۲	۱/۶۳۰	۰/۱۰۴
مستبدانه	- ۰/۱۹۳	- ۳/۰۸۸	۰/۰۲

$$R = ۰/۱۲۳$$

$$R^2 = ۰/۰۵۳$$

هم‌چنین نتایج تحلیل رگرسیون برای متغیر ملاک رفتار ضد اجتماعی نشان داد که به احتمال ۱۶ درصد می‌توان پیش‌بینی نمود که روش‌های فرزندپروری مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه اختلال رفتاری رفتار ضد اجتماعی را پیش‌بینی می‌کنند و در این میان شیوه‌ی فرزندپروری مستبدانه، قوی‌ترین پیش‌بینی کننده بود ($Beta = ۰/۲۶۰$) و متغیر شیوه‌ی فرزندپروری مقتدرانه و سهل‌گیرانه به ترتیب در مراحل بعدی قرار می‌گیرند.

جدول ۶) متغیرهای پیش‌بین درون معادله رگرسیونی برای پیش‌بینی متغیر رفتار ضد اجتماعی

متغیر	Beta	T	Sig
مقتدرانه	۰/۲۳۶	۳/۷۸۸	۰/۰۰۰
مستبدانه	- ۰/۲۶۰	- ۰/۲۶۰	۰/۰۰۰
سهلگیرانه	- ۰/۱۶۷	- ۲/۶۱۴	۰/۰۱۰

$$R = ۰/۴۱۱$$

$$R^2 = ۰/۱۶۹$$

و نتایج تحلیل رگرسیون برای متغیر ملاک اختلال رفتاری به‌طور کلی نشان داد که به احتمال ۱۶ درصد می‌توان پیش‌بینی نمود که روش‌های فرزندپروری مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه، سن مادر، سن پدر، تحصیلات مادر و جنسیت دانش‌آموز به‌طور کلی اختلال رفتاری را پیش‌بینی می‌کنند و در این میان شیوه‌ی فرزندپروری مقتدرانه، قوی‌ترین پیش‌بینی کننده بود ($Beta = ۰/۱۷۳$) و متغیرهای شیوه‌ی فرزندپروری مستبدانه، سن پدر، شیوه‌ی فرزندپروری سهل‌گیرانه، تحصیلات مادر، جنسیت دانش‌آموز

و سن مادر به ترتیب در مراحل بعدی قرار می گیرند.

جدول ۷) متغیرهای پیش بین درون معادله رگرسیونی برای پیش بینی متغیر اختلال رفتاری به طور کلی

متغیر	Beta	T	Sig
مقتدرانه	۰/۱۷۳	۲/۵۹۱	۰/۰۱۰
مستبدانه	- ۰/۱۵۶	- ۲/۴۲۰	۰/۰۱۶
سهل گیرانه	- ۰/۱۲۱	- ۱/۷۴۴	۰/۰۸۳
سن مادر	- ۰/۰۳۷	- ۰/۳۳۳	۰/۷۴۰
سن پدر	- ۰/۱۴۲	- ۱/۲۹۰	۰/۱۹۸
تحصیلات مادر	- ۰/۰۹۲	- ۱/۴۳۱	۰/۱۵۴
جنسیت دانش آموز	- ۰/۰۵۷	- ۰/۸۹۹	۰/۳۷۰

$$R = ۰/۴۰۵$$

$$R^2 = ۰/۱۶۴$$

بحث و نتیجه

در بین عوامل مختلف شکل گیری شخصیت، شیوه های فرزندپروری، از عوامل مهم و بنیادی محسوب می شوند. در پژوهش حاضر میزان تمایل افراد به شیوه های فرزندپروری در حد بالا، متوسط و پایین اندازه گیری شد و نتایج نشان داد که تمایل والدین به این شیوه های فرزندپروری اعم از مقتدرانه، مستبدانه و سهل گیرانه در حد متوسطی می باشد (مقتدرانه ۶۴/۵٪، مستبدانه ۶۹/۶٪ و سهل گیرانه ۶۵/۶٪). هم چنین نتایج حاکی از آن بود که میزان اختلالات رفتاری دانش آموزان از نظر پرخاشگری ۷۵/۶٪، اضطراب ۸۸/۸٪، ناسازگاری اجتماعی ۷۵/۶٪، رفتار ضد اجتماعی ۶۴/۴٪ و اختلال کمبود توجه ۵۹/۲٪ در سطح پایین بودند.

در این پژوهش جهت بررسی فرضیات از آزمون های پیروسون، اسپیرمن، تی تست و تحلیل واریانس بهره گرفته شد که در نتیجه ی آزمون فرضیات مشخص شد که بین شیوه های فرزندپروری مقتدرانه و مستبدانه و اختلال اضطراب، ناسازگاری اجتماعی و رفتار ضد اجتماعی و بین شیوه فرزندپروری سهل گیرانه و رفتار ضد اجتماعی، رابطه وجود دارد. هم چنین بین سن پدر، سن مادر، تحصیلات مادر و جنسیت دانش آموز با میزان اختلالات رفتاری به طور کلی، رابطه معنی داری وجود دارد.

هم‌چنین در تحلیل رگرسیون نیز ثابت شد که ۱۲ درصد متغیر اضطراب توسط شیوه‌های فرزندپروری مقتدرانه و مستبدانه، ۰/۰۵ درصد متغیر ناسازگاری اجتماعی توسط شیوه‌های فرزندپروری مقتدرانه و مستبدانه، ۱۶ درصد متغیر رفتار ضد اجتماعی توسط شیوه‌های مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه و ۱۶ درصد متغیر رفتار ضد اجتماعی توسط شیوه‌های مقتدرانه، مستبدانه، سهل‌گیرانه، سن مادر، سن پدر، تحصیلات مادر و جنسیت دانش‌آموز قابل پیش‌بینی است.

این در حالی است که برخی پژوهش‌ها در سایر کشورها نیز نشان می‌دهد که سبک فرزندپروری والدین بر طریقه شکل‌گیری طحاره‌ها اثر دارد (Wright & et al., 2009)؛ در برخی پژوهش‌ها نیز سبک‌های فرزندپروری والدین در کاهش رفتارهای پر خطر نوجوانان مؤثر است و والدینی که وقت بیشتری را صرف فرزندپروری مقتدرانه با فرزندشان می‌کنند، پرخاشگری، خشونت و رفتارهای پر خطر و نامناسب در خانواده‌های آن‌ها کمتر به چشم می‌خورد (Argys & Ress, 2006) اما نتایج این پژوهش حاکی از آن بود که شیوه فرزندپروری مقتدرانه والدین با میزان پرخاشگری دانش‌آموزان رابطه دارد.

از سوی دیگر، نتایج حاکی از آن است که بین سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و پرخاشگری رابطه وجود ندارد، که این نتایج همسو با نتایج پژوهش آهنگرانزایی، شریفی درآمدی و فرج‌اده (۱۳۹۰) است که در شهرستان شبستر انجام شده و به این نتیجه رسیده که بین سبک‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه و پرخاشگری کلامی، خصومت، خشم و پرخاشگری فیزیکی رابطه وجود ندارد.

هم‌چنین نتایج پژوهش خانجانی و محمودزاده (۱۳۹۲) نشان داد مادران شاغل و غیر شاغل از نظر مشکلات رفتاری، تفاوت معنی‌داری با هم نداشتند. آجیل‌چی و ذوقی (۱۳۸۸) نشان دادند که تفاوت معنی‌داری بین شیوه‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه و مقتدرانه بین مادران خانه‌دار و مادران شاغل در ناجا وجود دارد؛ بدین ترتیب که مادران خانه‌دار بیشتر از شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه استفاده می‌کنند، در حالی که مادران شاغل در ناجا بیشتر از شیوه فرزندپروری مقتدرانه پیروی می‌کنند. نتایج تحقیق حاضر نیز نشان داد که شغل مادر تأثیری بر اختلالات رفتاری ندارد.

والدین به‌مثابه عوامل تأثیرگذار بر فرزندان هستند و بین شیوه‌های فرزندپروری آنان با اختلالات رفتاری فرزندان (بین شیوه‌های فرزندپروری مقتدرانه با اختلال اضطراب، ناسازگاری اجتماعی و رفتار ضد اجتماعی، بین شیوه فرزندپروری مستبدانه با اختلال اضطراب، ناسازگاری اجتماعی و رفتار ضد اجتماعی و بین شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه و رفتار ضد اجتماعی)، رابطه وجود دارد. با در نظر گرفتن محدودیت‌های تحقیق (عدم همکاری بعضی از والدین، امتناع از تکمیل پرسش‌نامه و در دسترس نبودن تعداد دانش آموزان دارای اختلال رفتاری در مدارس) پیشنهاد می‌شود که آموزش شیوه‌های فرزندپروری صحیح به والدین، می‌تواند از بروز اختلالات رفتاری در دانش‌آموزان پیشگیری نماید و به سلامت دانش‌آموزان و خانواده‌های آن‌ها کمک کند.

منابع

- آجیل چی، بیتا؛ ذوقی، لیلا (۱۳۸۸). "بررسی مقایسه‌ای شیوه‌های فرزندپروری در مادران خانه‌دار با مادران شاغل در دانشکده علوم انتظامی ناجا". پلیس زن، سال دوم، ش ۹-۱۰ (بهار و تابستان): ۷۸-۹۴.
- آهنگرانزایی، احمد؛ شریفی درآمدی، پرویز؛ فرج‌زاده، رباب (۱۳۹۰). "رابطه سبک-های فرزندپروری والدین با پرخاشگری نوجوانان شهرستان شبستر". پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری، سال اول، ش ۱ (پاییز و زمستان): ۱-۸.
- بی‌نا (۱۳۹۱). "بررسی رابطه فرزندپروری با افکار خودکشی خانواده‌ها در دزفول سال ۱۳۹۱". [پیوسته] قابل دسترس در:
<http://www.projectpay.ir/139308305360ppay>. [۱۳۹۳/۹/۱۰]
- حنیفی واحد، ملیسا؛ طالع پسند، سیاوش (۱۳۹۲). "شیوع اختلالات رفتاری در دانش‌آموزان ابتدایی استان البرز در سال تحصیلی ۱۳۸۹-۹۰". ماهنامه علمی-پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، سال هفدهم، ش ۱۲ (اسفند): ۸۰۴-۸۰۷.
- خانجانی، زینب؛ محمودزاده، رقیه (۱۳۹۲). "مقایسه شیوه‌های فرزندپروری و

- اختلالات رفتاری کودکان مادران شاغل و غیرشاغل". *فصلنامه علمی- پژوهشی زن و فرهنگ*، سال چهارم، ش ۱۶ (تابستان): ۳۷-۵۲.
- خزاعی، طیبه؛ خزاعی، محمد مهدی؛ خزاعی، معصومه (۱۳۸۴). "شیوع مشکلات رفتاری در کودکان شهر بیرجند". *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند*، دوره ۱۲، ش ۱ و ۲ (تابستان): ۷۹-۸۶.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۸). *روشهای تحقیق در علوم اجتماعی*، ج ۲. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- شهامت، فاطمه؛ ثابتی، علیرضا؛ رضوانی، سمانه (۱۳۸۹). "بررسی رابطه‌ی سبک‌های فرزندپروری و طرحواره‌های ناسازگار اولیه". *مطالعات تربیتی و روان‌شناسی*، دوره ۱۱، ش ۲ (زمستان و پاییز): ۲۳۹-۲۵۴.
- صادق‌خانی، اسدالله؛ علی‌اکبری دهکردی، مهناز؛ کاکو جویباری، علی اصغر (۱۳۹۱). "مقایسه‌ی شیوه‌های فرزندپروری مادران دانش‌آموزان پسر ۷ تا ۹ سال دوره‌ی ابتدایی با اختلال لجبازی- نافرمانی و عادی در شهرستان ایلام". *فصلنامه افراد/استثنایی*، سال سوم، ش ۶ (تابستان): ۹۵-۱۱۴.
- طالب، مهدی (۱۳۶۹). *چگونگی مطالعات اجتماعی*. تهران: سپهر.
- طالقانی، محمود (۱۳۸۰). *روش تحقیق نظری*. تهران: دانشگاه پیام نور.
- قاسمی، وحید (۱۳۸۴). "ضریب آلفای کرونباخ و ویژگیهای آن با تأکید بر کاربرد در پژوهشهای اجتماعی". *مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)*، سال ششم، ش ۲ (پاییز و زمستان): ۱۵۵-۱۷۴.
- کلانتری، مهرداد؛ مولوی، حسین؛ توسلی، میترا (۱۳۸۴). "رابطه‌ی بین شیوه‌های فرزندپروری و اختلالات رفتاری در کودکان پیش دبستانی شهر اصفهان". *دانش و پژوهش در روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)*، سال هفتم، ش ۲۴ (تابستان): ۵۹-۶۸.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۳). *وند/لیسم*. بی جا: آن.
- مسعودی، محمدحسین (۱۳۹۰). "بررسی رابطه‌ی سطح دینداری والدین و

اختلالات رفتاری کودکان". پایان نامه کارشناسی ارشد مددکاری اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.

- Argys, I. M.; Ress, D.I. (2006) "Birthorder and risky adolescent behavior". *Economic inquiry*: 215-233.

- Lamborn, S & et al (1991) "Patterns of competence and adjustment from authoritative authoritarian, indulgent and neglectful families, *child Development* 62, 1049-1065.

- Wright & et al. (2009). "Childhood emotional maltreatment and later psychological distress among college student: The mediating role of maladaptive schemas". *Child abuse & neglect: The international journal*, Vol. 1, N. 2(winter): 59-68

ارزیابی عملکرد دهیاری‌ها از دیدگاه روستاییان در افزایش مشارکت اجتماعی

مطالعه موردی: شهرستان بیرجند^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۱/۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۲/۱۹

جواد میکانیکی^۲

کاظم نیک فرجام^۳

چکیده

مشارکت یکی از ارکان اساسی در توسعه به‌خصوص در توسعه مناطق روستایی محسوب می‌شود. فرایند مشارکت می‌باید به‌گونه‌ای داوطلبانه، تعاملی و دوسویه جنبه عملی به خود بگیرد. در مباحث توسعه؛ راهبردهای متعددی برای افزایش مشارکت مردم در عمران و توسعه مناطق روستایی مطرح می‌باشد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها تشکیل نهادهای سازماندهی شده است، مانند سازمان‌های غیردولتی که به‌عنوان بخش سوم در کنار بخش خصوصی (بازار) و دولت (عمومی) در اداره جامعه نقش دارند. از این‌روست که در سال‌های اخیر دهیاری‌ها به‌عنوان مدیریت جدید در روستاها تعریف گردیده‌اند تا به نام میانجی بین مردم و دولت نقش ایفا کنند. دهیاران به‌عنوان مدیران روستایی و صاحبان منابع و اختیارات درخور توجه، در صورت داشتن انگیزه و مهارت‌های لازم می‌توانند نقش مهمی در افزایش مشارکت مردم و توسعه روستایی ایفا کنند. هدف پژوهش حاضر ارزیابی عملکرد دهیاری‌ها در راستای افزایش مشارکت روستاییان بوده است. محدوده تحقیق، ۱۳۱ روستای دارای دهیاری در شهرستان بیرجند می‌باشد. نمونه تحقیق با فرمول کوکران تعداد ۳۱۲ مورد برآورد شد، روش جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها از طریق پرسش‌نامه بوده که روایی آن از طریق تأیید گروه متخصصان و پایایی آن نیز که از طریق آزمون آلفای کرونباخ به میزان ۰/۸۹ تعیین شد نشان دهنده انسجام

۱. برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد مهندسی کشاورزی گرایش توسعه روستایی تحت عنوان "ارزیابی عملکرد دهیاری‌ها در دستیابی به توسعه پایدار روستایی، مطالعه موردی: شهرستان بیرجند" می‌باشد.

۲. دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه بیرجند. javadmikaniki@birjand.ac.ir

۳. کارشناسی ارشد مهندسی کشاورزی گرایش توسعه روستایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند

قابل قبول در سؤالات است. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار آماری spss مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و نتایج آزمون همبستگی نشان داد که بین عملکرد دهیاری‌ها با افزایش مشارکت اجتماعی خانوارهای روستایی، رابطه آماری معنی‌داری وجود ندارد. همچنین نتایج آزمون t استیودنت نشان داد که بین دیدگاه روستاییان و دهیاران در خصوص نقش دهیاری‌ها در افزایش مشارکت اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد ($p < 0.01$).

واژگان کلیدی: دهیاری، مدیریت روستایی، مشارکت اجتماعی، ارزیابی عملکرد، شهرستان بیرجند

۱- مقدمه

روستانشینی قدیمی‌ترین شکل یکجانشینی در سکونت‌گاه‌های بشری به‌شمار می‌رود و پدیده‌ای جهانی است که در همه نواحی کره زمین در کنار نقش سکونت‌گاهی، نقش اقتصادی بی‌بدیل و قابل توجهی بر جوامع دارد. روستا کوچک‌ترین واحد تشکیلاتی و اجتماعی در ایران محسوب می‌شود و بدیهی است که این واحد اجتماعی به لحاظ وجود مناسبات اجتماعی، اقتصادی و پایبند بودن افراد به قوانین عرضی و مدنی، نمی‌تواند از تشکیلات مدیریتی بی‌نیاز باشد. اصولاً در جوامع انسانی، شکل سازمان مدیریتی متأثر از نظام اجتماعی حاکم بر آن جامعه است و به‌خصوص اگر جامعه، زیرجامعه‌ای از یک جامعه فراتر باشد، نقش آن جوامع فراتر نیز به مراتب تأثیرگذار خواهد بود. مدیریت روستایی در واقع فرایند سازماندهی، هدایت جامعه و محیط روستایی از طریق شکل دادن سازمان‌ها و نهادها است. این سازمان‌ها و نهادها در واقع وسایل تأمین هدف‌های جامعه روستایی می‌باشند. بنابراین ضرورت ایجاد می‌کند که در روستاها به وضعیت مدیریت امور عمومی روستا توجه ویژه‌ای شود و این مسأله ممکن نیست مگر این که نهاد محلی خاصی طراح و متولی آن گردد تا با مشارکت روستاییان و بسیج امکانات محلی از یک سو، و حمایت و پشتیبانی دولت از سوی دیگر، بتواند متولی اداره امور عمومی روستا شود. از طرف دیگر، مشارکت طی دهه‌های اخیر به‌عنوان یک ضرورت عقلانی،

اخلاقی و انسانی، مهم‌ترین متغیر توسعه بوده و امروزه به یک نمونه غالب در مباحث توسعه‌ای تبدیل شده است و در سطوح مختلف توسعه و برنامه‌ریزی کمتر طرحی را می‌بینیم که در برنامه‌های خود، مشارکت مردمی را در تمام مراحل مورد توجه قرار ندهد. بنابراین عظیم‌ترین سرمایه‌ای که هر روستا می‌تواند با اتکال به آن، مراحل عمران و آبادانی را طی کند، چیزی جز مشارکت ساکنان آن روستا در بهبود شرایط سکونت گاه خود نیست. اما این مشارکت بایستی خودجوش، تعاملی و دوسویه عملی گردد تا اثرگذار باشد.

۲- بیان مسأله

سکونت‌گاه‌های روستایی به‌عنوان کوچک‌ترین و پر سابقه‌ترین واحد جغرافیایی، تحت تأثیر عوامل مختلفی نظیر عوامل طبیعی، اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و اقتصادی و در بستر جغرافیایی و در قالب روابط انسان و محیط شکل گرفته‌اند. در خصوص مدیریت نواحی روستایی ایران به‌دلیل سابقه طولانی شکل‌گیری روستاها، تاکنون روش‌ها و شیوه‌های متعددی نضج گرفته و در روستاها پیدا شده است مانند: مدیریت خان یا مالک، انجمن‌های ده و عمران دهات، شورای اسلامی، خانه همیار و عمران و غیره؛ اما این نظام‌های مدیریتی در روستاهای ایران طی سال‌های متوالی به لحاظ ماهیت و کارکرد به نقایص و مصائب متعددی دچار بوده‌اند و این کاستی‌ها علاوه بر این‌که روند توسعه روستاها را مختل و یا حتی متوقف نموده است بر تولیدات کشاورزی، روند مهاجرت، ساختار جمعیتی و حتی وضعیت شهرها و غیره اثر داشته و پیامدهای منفی زیادی بر جا گذاشته‌اند. اما سیر تحولات در زمینه مدیریت روستایی ایران، نهایتاً منجر به تصویب قانون "تأسیس دهیاری‌های خودکفا در روستاهای کشور" در سال ۱۳۷۷ شد که در واقع، آخرین تغییر مدیریتی در نواحی روستایی ایران به‌شمار می‌رود. بر اساس این قانون به وزارت کشور اجازه داده شد که برای اداره امور روستا در روستاهای کشور، نهادی غیردولتی به نام دهیاری را تأسیس کند تا سرآغازی برای شکل‌گیری مدیریت عمومی روستاها باشد. غیردولتی بودن نهاد دهیاری از ویژگی‌های بارز این

الگوی مدیریت روستایی جدید است (کوچکیان فرد، ۱۳۸۶: ۱۵). تأسیس دهیاری‌ها در سال ۱۳۸۲ اجرائی شد و با این کار تجربه جدیدی در عرصه مدیریت روستایی ایران شکل گرفت. دهیاران توسط شورای اسلامی روستا و به مدت چهار سال انتخاب شده و زیر نظر شورای اسلامی فعالیت می‌کنند. طبق اساسنامه دهیاری‌ها دارای ۴۸ مورد وظیفه و نقش کارکردی متفاوت هستند که بسیاری از این وظایف، ماهیتاً متکی به مشارکت مردم روستا می‌باشد و برخی از آن‌ها نیز مستقیماً در جهت ترغیب و تشویق مردم به مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و یا روند توسعه روستایی مرتبط است (مواد ۳، ۸ و ۳۷ اساسنامه). از طرف دیگر مشارکت اجتماعی مردم از ضروریات توسعه روستایی به‌شمار می‌رود و برنامه‌ریزی‌های مشارکتی در جوامع روستایی، سبب ارتقای کیفی جوامع روستایی و گرایش به توسعه‌ای خودجوش از درون جامعه می‌گردد. مشارکت روستاییان در طراحی، اجرا و نظارت بر برنامه‌ها و طرح‌های توسعه روستایی، می‌تواند فرایند خلق زیرساخت‌های مورد نیاز در مناطق روستایی را تسهیل و تسریع کند و در عین حال به ایجاد فرصت‌های شغلی و کاهش فقر یاری رساند (کریمی، ۱۳۸۸: ۲۵).

دهیاری‌ها نه تنها بدون مشارکت اجتماعی روستاییان عملاً قادر به ایفای وظایف خود نیستند، بلکه یک وظیفه بنیادی آن‌ها، تلاش برای افزایش مشارکت روستاییان است. بنابراین مشارکت اجتماعی مردم یک مفهوم محوری در ارتباط با عملکرد دهیاری‌ها به‌شمار می‌رود که لازم است مورد توجه قرار گیرد. اکنون حدود یک دهه از راه‌اندازی کامل دهیاری‌ها و فعالیت دهیاران که به‌صورت غیرمستقیم با رأی و مشارکت مردم انتخاب می‌شوند، می‌گذرد. لذا ارزیابی عملکرد دهیاری‌ها در ارتباط با مفهوم محوری مشارکت اجتماعی روستاییان بسیار با اهمیت است (رمضان زاده و صابری، ۱۳۸۶: ۵).

نکته دیگری که در خصوص اهمیت ارزیابی و رصد عملکرد دهیاری‌ها قابل ذکر است این‌که هیچ نهاد و یا سازمانی بدون نظارت و یا ارزیابی مداوم، قادر به اصلاح روندهای ناسالم و یا تقویت عملکردهای مثبت و سازنده نخواهد بود، لذا تثبیت موقعیت سازمانی و تشکیلاتی دهیاری‌ها نیازمند مطالعه و ارزیابی نحوه عملکرد آن‌ها و شناخت میزان موفقیت آن‌ها در وظایف محوله است. بنابراین، سؤال اساسی این پژوهش عبارت است

از: عملکرد دهیاری‌ها در افزایش میزان مشارکت اجتماعی روستاییان چه نقشی داشته است و آیا دیدگاه روستاییان و دهیاران در خصوص این عملکرد تفاوت دارد؟

۳- مبانی نظری

از دهه ۱۹۷۰ میلادی به بعد، رویکردهای مشارکتی در ادبیات توسعه، به‌طور جدی مورد توجه و بحث صاحب‌نظران علوم اجتماعی و توسعه قرار گرفته و بسط این مفهوم در دوران جدید و بویژه ارتباط آن با توسعه، ابعادی نو و گسترده به آن بخشیده و این اندیشه را وارد مباحث توسعه روستایی نیز کرد. کلمه مشارکت معادل اصطلاح participation انگلیسی است. این کلمه از ریشه part به معنی قسمت، جزء و بخش گرفته شده است و به سهم شدن در چیزی و یادگرفتن قسمتی از آن است. گاهی دو اصطلاح partnership و association نیز معادل با اصطلاح مشارکت آورده می‌شود. توسعه خودجوش و درون‌زا حکم می‌کند که در تمامی مراحل توسعه و در شرایط مختلف، مبنای کار بر جلب مشارکت مردم محلی در جهت بسیج منابع و نهادهای سازش مشارکت‌های محلی، با تأکید بر توانمندسازی و ظرفیت‌سازی قرار گیرد. مشارکت مردم باعث می‌شود تا مردم با برنامه‌ها و عناصر جدید احساس بیگانگی نکنند و از سوی دیگر، در طول طراحی و پس از آن در انجام نگهداری طرح‌ها سهمیم باشند، طرح و محصول به‌دست آمده را از خود بدانند و در نگهداری و پویایی آن بیشترین همکاری را داشته باشند. اهمیت مشارکت در سرنوشت جوامع و زندگی بشر به حدی است که تقریباً زندگی انسان‌ها بدون آن ممکن نیست. مشارکت روستاییان در برنامه‌های توسعه روستایی موضوعی است که نقطه آغاز آن به دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی بر می‌گردد. میسرا^۱ در تعریف مشارکت، مفهومی کلی ارائه می‌دهد و می‌گوید: «مشارکت عبارت است از رشد توانایی‌های اساسی بشر از جمله شأن و منزلت انسانی و مسؤول ساختن بشر در باروری نیروی تصمیم‌گیری و عمل، به نحوی که سنجیده و از روی فکر باشد». بحث پیرامون مشارکت همواره با سیاست و حکومت آمیخته است و حاکمان در رشد

و یا عقب‌نشینی فرایند مشارکت در طول تاریخ تأثیر به‌سزایی داشته‌اند. در زمینه لزوم مشارکت نیز شش دلیل زیر مطرح است:

- مشارکت به شعاری جذاب تبدیل شده است.
- مشارکت از لحاظ اقتصادی به پیشنهاد جذابی تبدیل شده است.
- مشارکت به ابزاری برای جمع‌آوری اعانه تبدیل شده است.
- مشارکت اینک ابزاری برای کارایی بیشتر و منبع جدیدی برای سرمایه‌گذاری تلقی می‌شود.

- مشارکت، روستاییان را به افرادی مسئولیت‌پذیر تبدیل می‌کند. در خصوص نمونه مشارکت و طرح آن در ارتباط با فرایند توسعه و به‌خصوص توسعه روستایی نظریات مختلفی از سوی صاحب‌نظران ارائه شده که مشهورترین آنها عبارتند از:

۳-۱- نظریه گاندی

نظریه گاندی برپایه دو اصل اصول و تعلیمات اخلاقی استوار بود: ۱) خود اتکایی روستا و ۲) مشارکت و خود یاری روستایی.

گاندی فکر می‌کرد که بدبختی روستاییان اساساً به‌علت خودپسندی و غرور آنها و نیز به خاطر حرص و طمع حکام آنهاست. در واقع به عقیده گاندی مدینه فاضله باید به وسیله سه عنصر ایجاد شود که در واقع عوامل توسعه روستا نیز هستند: ۱. اعزام خادمان روستایی ۲. ایجاد جمهوری‌های کوچک دهات ۳. تصویر موضع عشق و خودکفا کردن جهت دیگران در روستا.

۳-۲- نظریه ژولیوس نیرره^۱

ژولیوس نیرره رئیس جمهور سابق تانزانیا، در سال ۱۹۶۴ میلادی این کشور را به استقلال رساند و الگوی خاصی را جهت توسعه این کشور پیاده کرد. نیرره بر اساس دیدگاه سوسیالیستی خود، توسعه روستایی بر محور مشارکت را تنها راه حل مشکلات

جهان سوم می‌داند. ریشه فقر جهانی و فقر شهری در روستاها نهفته است و مسأله و مشکل اساسی روستاها نیز نحوه مالکیت زمین است. هدف عمران روستایی، تأمین حداقل نیازهای اساسی است. عمران روستایی یک موضوع سیاسی و وظیفه و کار اصلی دولت است.

۳-۳- نظریه ویتز^۱

ویتز می‌گوید: توسعه ثمره مجموعه‌ای از فعالیت‌ها است که توسط افراد داوطلبی که از امکانات شخصی (اقدامات خصوصی) خویش استفاده می‌کنند و توسط دولت‌ها که به وسیله اعمال قانون (اقدامات دولتی) از امکانات عمومی استفاده می‌کنند آغاز می‌شود. هدف کلی از توسعه روستایی در ممالک در حال توسعه قبل از هر چیز ارتقای پایگاه اجتماعی خود است. جهت جلب مشارکت مردم در سطح محلی دو شرط باید رعایت شود: ۱- سازماندهی کشاورزان در انجمن‌های محلی دهقانی که مورد قبول مردم باشد. ۲- درک و بینش برنامه‌ریزان از نظام ارزشی و روش زندگی مردم.

۳-۴- نظریه عبیدالله خان

عبیدالله خان معتقد است، نابودی فقر و بالا بردن سطح کیفیت زندگی توده‌های فقیر هدف اصلی و اساس توسعه است. به نظر وی بحران کنونی تشدید فقر یک واقعۀ صرفاً ناگوار نیست، بلکه پیامد ناگزیر کنار گذاشتن اکثریت روستاییان از برنامه‌ریزی و فرایندهای توسعه، اجتناب از اصلاحات ساختی و نهادی از جمله اصلاحات ارضی و تأکید بر افزایش تولید است.

۳-۵- نظریه کار دل انگیز شارل فوریه^۲

شارل فوریه از اندیشه‌گران به نام مکتب تعاونی با طرح نظریه کار دل‌انگیز به همکاری و مشارکت نگریسته است. کار مطبوع و دل‌انگیز به‌طور جمعی و به هیأت اجتماع میسر

1. Waits
2. Charles Fourier

است. وی مشارکت را در بطن انسان می‌داند که تجلی آن نیازمند همگرایی افراد جامعه است. بنابراین نظریه کار دل‌انگیز در قالب مکتب رفتارگرایی جای دارد، چرا که رفتار و کردار را عامل بروز تمایل به مشارکت در انسان می‌داند.

۳-۶- نظریه بندورا^۱

یکی دیگر از نظریات مشارکت، نظریه بندورا (۱۹۷۷) و همکارانش است. براساس این نظریه، تقلید از سرمشق، احساس شایستگی را به همراه می‌آورد. نوع پیامدهایی که در پی رفتار مبتنی بر سرمشق می‌آید در یادگیری و بروز رفتار تقلیدی مؤثر می‌افتد. مشارکت، طی دهه‌های اخیر به‌عنوان یک ضرورت عقلانی، اخلاقی و انسانی مهم‌ترین متغیر توسعه بوده و امروزه در سطوح مختلف توسعه و برنامه‌ریزی کمتر طرحی را می‌بینیم که در برنامه‌های خود مشارکت مردمی را در تمام مراحل مورد توجه قرار ندهد. بدین ترتیب، الگو واره جدید مدیریت روستایی یعنی دهیاری باید سمت و سویی مشارکتی داشته باشد و به این نکته مهم توجه کند که دستیابی به توسعه منوط به افزایش ظرفیت‌ها در تمام امور است. جامعه‌ای توسعه یافته تر خواهد بود که بر سرنوشت خود تسلط بیشتری داشته باشد. در غیر این صورت، اگر جامعه‌ای به سطحی از رشد اقتصادی، اجتماعی برسد، اما قدرت اختیار و انتخاب از آن سلب شود، تنها مرحله‌ای از رشد را طی کرده، ولی فاقد توسعه است.

۴- روش‌شناسی

روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش از لحاظ ماهیت و روش ارتباطی، توصیفی - تحلیلی، از لحاظ هدف از نوع کاربردی و از حیث گردآوری اطلاعات پیمایشی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش را تمامی روستاهای شهرستان بیرجند که در شش دهستان واقع شده‌اند و دارای دهیاری می‌باشند، تشکیل می‌دهند و تعداد دهیاری‌های فعال در این شهرستان طبق آمار سال ۱۳۹۰، ۱۳۱ مورد می‌باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰).

در این پژوهش جهت انتخاب نمونه، با مشخص کردن تعداد روستاهای دارای دهیاری در هر دهستان که ۱۳۱ مورد می‌باشد و در نظر گرفتن مقدار ۲۵٪ برای هر دهیاری، تعداد دهیاری‌هایی که به عنوان نمونه انتخاب می‌شوند و باید پرسش‌نامه در بین آن‌ها توزیع شود، ۳۴ مورد خواهد بود. از آن جایی که روستاهای انتخاب شده از نظر پخشایش مکانی، وضعیت استقرار طبیعی و طبقات جمعیتی، معرف کل روستاهای دارای دهیاری است که شامل ۱۶۵۲ خانوار می‌باشد، در مرحله بعدی جهت تعیین حجم نمونه در روستاهای انتخابی از فرمول کوکران استفاده شده است و نهایتاً ۳۱۲ خانوار به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شده‌اند. در این تحقیق پرسش‌نامه محقق‌ساخته مورد استفاده قرار گرفته است. بخش اصلی این پرسش‌نامه و برای هر دو گروه مشترک و شامل ۱۰ سؤال در خصوص نقش و عملکرد دهیاری‌ها در افزایش مشارکت اجتماعی روستاییان است که دارای پاسخ‌های پنج‌گانه طیف لیکرت (از خیلی زیاد تا خیلی کم) بوده و این پاسخ‌ها از ۱ تا ۵ ارزش‌گذاری شده‌اند. به علاوه پرسش‌نامه دهیاران شامل ۱۲ سؤال در خصوص ویژگی‌های فردی و مشخصات روستا و برای روستاییان حاوی ۶ سؤال جمعیت‌شناختی است. روایی این پرسش‌نامه از طریق تأیید گروه متخصصان و پایایی آن نیز از طریق آزمون آلفای کرونباخ به میزان ۰/۸۹ تعیین شده است.

متغیرهای این پژوهش به دو دسته متغیرهای بخش عمومی پرسش‌نامه و متغیرهای بخش سؤالات مربوط به عملکرد دهیاری‌ها قابل تفکیک هستند که شامل ۹ سؤال ویژگی‌های عمومی و ۱۹ گویه به عنوان معرف سنجش عملکرد دهیاری‌ها در حوزه مشارکت اجتماعی روستاییان است.

با توجه به مطالعات مقدماتی صورت گرفته در ارتباط با موضوع تحقیق دو فرضیه زیر مطرح است:

فرضیه اول: بین عملکرد دهیاری‌ها و افزایش مشارکت اجتماعی روستاییان، رابطه معناداری وجود دارد.

$$H_0 : r = 0$$

$$H_1 : r \neq 0$$

فرضیه دوم: بین نظر خانوارهای روستایی و دهیاران در مورد نقش دهیاری در افزایش

مشارکت روستاییان، تفاوت معناداری وجود دارد.

$$H_0 : \mu_1 = \mu_2$$

$$H_1 : \mu_1 \neq \mu_2$$

۵- یافته‌ها

از کل تعداد پرسش‌نامه‌های توزیع شده بین خانوارهای نمونه تحقیق، ۹ مورد به علت مخدوش بودن فاقد اعتبار و صحت آماری بوده است، لذا نتایج ارائه شده از ۳۰۳ پرسش‌نامه که به طور صحیح تکمیل شده استخراج شد. در خصوص دهیاری‌ها نیز کل تعداد ۳۴ پرسش‌نامه جمع‌آوری شده قابل استناد بوده، لذا اطلاعات و آمار مربوطه از آن‌ها استخراج گردیده است. پس از استخراج اطلاعات و آمار مربوطه از پرسش‌نامه‌ها، این اطلاعات به نرم افزار SPSS (win 18) وارد و پس از انجام آزمون‌های آماری لازم، نتایج در دو بخش یافته‌های توصیفی و تحلیلی استخراج گردید.

۵-۱- یافته‌های توصیفی

۵-۱-۱- یافته‌های توصیفی مربوط به پرسش‌نامه خانوارهای روستایی

اهم ویژگی‌های عمومی پرسش‌شوندگان (سرپرستان خانوارهای نمونه تحقیق) عبارتند از: جنسیت اکثریت سرپرستان خانوارهایی که پرسش‌نامه را تکمیل کرده‌اند ۶۴/۷٪ مرد و بقیه آن‌ها، ۳۵/۳٪ زن بوده است. بالاترین درصد از نظر سن مربوط به گروه سنی ۶۰ تا ۴۱ سال با مقدار ۳۵/۳٪ و کمترین درصد نیز مربوط به گروه سنی بالاتر از ۶۰ سال با مقدار ۴/۳٪ بوده است. مجموع درصد جوانان (تا ۳۰ سال) ۳۰/۷٪ بوده است. اکثریت سرپرستان خانوارها ۷۹/۹٪ متأهل بوده‌اند. بیشترین درصد در میان نوع شغل نیز مربوط به کشاورزی با میزان ۴۵/۹٪ و کمترین درصد مربوط به دامداری با میزان ۷/۹٪ بوده است، بالاترین درصد از نظر تحصیلات مربوط به گروه دیپلم و فوق دیپلم به میزان ۳۹/۶٪ و کمترین درصد نیز مربوط به گروه لیسانس و بالاتر به میزان ۵٪ بوده است. بالاترین درصد از نظر تعداد اعضای خانوار مربوط به گروه ۵ - ۳ نفر به میزان ۷۵/۶٪ و کمترین درصد نیز مربوط به خانوارهای بیشتر از ۱۰ نفر به میزان

۰/۳٪ بوده است.

جدول (۱) توزیع گویه های مربوط به عملکرد دهیاری‌ها در افزایش مشارکت اجتماعی

خانوارهای روستایی (از دیدگاه روستاییان)

ردیف	گویه	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب تغییرات
۱	ارتقاء سطح همکاری و تعامل بین ساکنان روستا و سازمان‌ها	۲/۹۲	۰/۶۹۶	۰/۲۳۸
۲	ایجاد زمینه‌های لازم و ترغیب ساکنان به مشارکت در امور سیاسی	۳/۰۵	۰/۷۳۵	۰/۲۴۰
۳	جلب کمک‌های مردمی و افزایش مشارکت آن‌ها	۳/۰۲	۰/۸۱۲	۰/۲۶۸
۴	مدیریت به‌کارگیری ظرفیت مشارکت عمومی در مواقع لازم و بسیج آن‌ها	۳/۲۶	۰/۸۸۸	۰/۲۷۲
۵	فرهنگ‌سازی در زمینه مشارکت مالی در فرایند بهبود وضعیت	۲/۹۹	۰/۸۳۲	۰/۲۷۸
۶	افزایش رغبت و انگیزه در مردم در خصوص مشارکت عمومی	۲/۹۹	۰/۸۵۳	۰/۲۸۵
۷	زمینه‌سازی برای توسعه تشکلهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی	۳/۱۰	۰/۸۹۹	۰/۲۹
۸	آشنا ساختن نوجوانان با فرایند مشارکت عمومی و مزیت‌های آن	۲/۵۲	۰/۷۷۵	۰/۳۰۷
۹	ایجاد زمینه لازم برای مشارکت در فرایند توسعه پایدار روستا	۲/۵۱	۰/۸۳۳	۰/۳۳۱
۱۰	همکاری با شرکت‌های تعاونی و سهامی زراعی	۲/۵۰	۰/۸۵۳	۰/۳۴۱
	شاخص مشارکت اجتماعی روستاییان	۲۸/۸۳	۵/۳۸	۰/۱۶۸

از تعداد ۱۰ گویه مربوط به شاخص افزایش مشارکت اجتماعی روستاییان، بالاترین میانگین به میزان ۳/۶۲ مربوط به گویه «مدیریت به‌کارگیری ظرفیت مشارکت عمومی در مواقع لازم و بسیج عمومی آن‌ها» با ضریب تغییرات ۰/۲۷۲ بوده و پس از آن نیز بالاترین میانگین به میزان ۰/۳۱۰ مربوط به گویه «زمینه‌سازی برای توسعه تشکلهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی مبتنی بر مشارکت جمعی» با ضریب تغییرات ۰/۲۹ می‌باشد که این آمار و ارقام نشان می‌دهد که از نظر خانوارهای روستایی نمونه تحقیق، دهیاری‌ها در حیطه افزایش مشارکت اجتماعی روستاییان، بهترین عملکرد را در بخش‌های مدیریت به‌کارگیری ظرفیت مشارکت عمومی در مواقع لازم و بسیج عمومی

آن‌ها و ایجاد زمینه لازم برای توسعه تشکلهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مبتنی بر مشارکت جمعی داشته‌اند.

کمترین میانگین به میزان $2/50$ مربوط به گویه «همکاری با شرکت‌های تعاونی، سهامی زراعی و غیره» با ضریب تغییرات $0/341$ بوده و پس از آن نیز کمترین میانگین به مقدار $2/51$ با اختلاف بسیار جزئی مربوط به گویه «ایجاد زمینه و بستر لازم برای مشارکت تمامی خانوارهای روستایی در فرایند توسعه پایدار روستا» با ضریب تغییرات $0/331$ می‌باشد که نشان دهنده این مطلب است که از دیدگاه خانوارهای روستایی نمونه تحقیق در حیطه افزایش مشارکت اجتماعی، دهیاری‌ها ضعیف‌ترین عملکرد را در بخش‌های همکاری با شرکت‌های تعاونی، سهامی زراعی و ایجاد زمینه و بستر لازم برای مشارکت تمامی خانوارهای روستایی در فرایند توسعه پایدار روستا داشته‌اند.

در کل 10 گویه مربوط به شاخص افزایش مشارکت اجتماعی روستاییان، میانگین به میزان $28/83$ و ضریب تغییرات هم به میزان $0/186$ می‌باشد که از کل امتیاز قابل کسب، یعنی 50 به دست آمده و نشان می‌دهد از دیدگاه خانوارهای روستایی نمونه تحقیق، عملکرد دهیاری‌ها در این حیطه کمی بهتر از حد متوسط بوده است.

۵-۱-۲- یافته‌های توصیفی مربوط به پرسش‌نامه دهیاران

از کل 34 دهیار فقط یک نفر زن و مابقی مرد بوده‌اند. بیش از نیمی از دهیاران $25/9\%$ در گروه سنی $40 - 31$ سال قرار دارند که نشان می‌دهد بخش قابل توجهی از دهیاران در سن میان‌سالی قرار دارند. کمترین درصد نیز به میزان $8/8\%$ به گروه بیشتر از 50 سال سن تعلق دارد. کل دهیاران (100%) متأهل بوده‌اند. از نظر نوع شغل بالاترین درصد مربوط به افراد فاقد شغل به میزان $67/6\%$ و کمترین درصد نیز مربوط به دهیارانی است که علاوه بر دهیاری، در شغل کشاورزی یا دامداری نیز مشغول هستند ($11/8\%$)؛ که این امر نشان می‌دهد بیش از یک سوم دهیاران، صرفاً به فعالیت خود در دهیاری تمرکز دارند و به شغل دیگری مشغول نیستند. از نظر سابقه فعالیت دهیاری در حدود 47% از روستاها دهیاری بالغ بر 10 سال سابقه فعالیت دارد و در همین تعداد

بین ۵ تا ۱۰ سال و فقط در ۲ روستا (۵/۹٪) عمر دهیاری کمتر از ۵ سال می‌باشد که این امر، نشان دهنده سابقه بالای فعالیت دهیاری‌ها در محدوده مورد مطالعه است. به عبارت دیگر، در بخش قابل توجهی از روستاها از سال‌های آغازین تصویب قانون مربوطه، دهیاری‌ها راه‌اندازی شده‌اند. از نظر سابقه فعالیت در دهیاری، بیشترین درصد مربوط به گروهی از دهیاران است که سابقه کاری ۱ تا ۳ سال (۶۴/۷٪) دارند و کمترین درصد نیز مربوط به گروهی است که سابقه بیشتر از ۵ سال (۸/۸٪) دارند، که این آمار نشان می‌دهد که اکثریت دهیاران روستاهای مورد مطالعه از نظر سابقه فعالیت در دهیاری، بازه زمانی کمی را در دهیاری مشغول خدمت بوده‌اند. از نظر تحصیلات، کمترین درصد مربوط به گروه بالاتر از لیسانس (۲/۹٪) است که فقط یک نفر از دهیاران دارای چنین مدرکی بوده است و بالاترین درصد نیز مربوط به گروه‌های فوق دیپلم (۳۸/۲٪) و لیسانس (۳۸/۲٪) بوده است. از کل ۳۴ روستای مورد تحقیق در ۱۹ مورد (۵۵/۹٪) شغل اکثریت روستاییان کشاورزی بوده است و در هیچ یک از روستاها، شغل اکثریت دامداری یا سایر مشاغل نبوده است.

در اکثریت روستاها تعداد افراد شاغل در دهیاری فقط یک نفر (۷۰/۶٪) بوده است و کمترین درصد نیز مربوط به دهیاری‌هایی بوده است که ۳ نفر (۲/۹٪) شاغل داشته‌اند. هم‌چنین فقط در ۲ روستا تعداد شاغلین در دهیاری بیش از ۳ نفر بوده است.

جدول ۲) توزیع گویه‌های مربوط به عملکرد دهیاری‌ها در افزایش مشارکت اجتماعی

خانوارهای روستایی (از دیدگاه دهیاران)

ردیف	گویه	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب تغییرات
۱	جلب کمک‌های مردمی و افزایش مشارکت آن‌ها	۲/۹۱	۰/۶۶۸	۰/۲۲۹
۲	افزایش رغبت و انگیزه در مردم در خصوص مشارکت عمومی	۲/۸۵	۰/۶۷۵	۰/۲۳۶
۳	زمینه‌سازی برای توسعه تشکلهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی	۲/۶۸	۰/۶۸۴	۰/۲۵۵
۴	ارتقاء سطح همکاری و تعامل بین ساکنان روستا و سازمان‌ها	۲/۵۶	۰/۷۴۶	۰/۲۹۱

۵	مدیریت به کارگیری ظرفیت مشارکت عمومی در مواقع لازم و بسیج آن‌ها	۲/۵۳	۰/۷۸۸	۰/۳۱۱
۶	ایجاد زمینه‌های لازم و ترغیب ساکنان به مشارکت در امور سیاسی	۲/۳۲	۰/۸۴۳	۰/۳۶۳
۷	فرهنگ سازی در زمینه مشارکت مالی در بهبود وضعیت	۲/۰۹	۰/۸۶۶	۰/۴۱۴
۸	همکاری با شرکت‌های تعاونی، سهامی زراعی و غیره	۲/۰۹	۰/۹۶۵	۰/۴۶۱
۹	آشنا ساختن نوجوانان با فرایند مشارکت عمومی و مزیت‌های آن	۲/۲۴	۱/۰۷۵	۰/۴۷۹
۱۰	ایجاد زمینه برای مشارکت در توسعه پایدار روستا	۲/۰۳	۱/۰۰۰	۰/۴۹۲
	شاخص مشارکت اجتماعی روستاییان	۲۴/۵۳	۶/۲۰۰	۰/۲۵۲

در میان ۱۰ گویه مربوط به افزایش مشارکت اجتماعی روستاییان، بالاترین میانگین به میزان ۲/۹۱ مربوط به گویه «جلب کمک‌های مردمی و تلاش برای افزایش مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های عام‌المنفعه» با ضریب تغییرات ۰/۲۲۹ و پس از آن بالاترین میانگین به میزان مربوط به گویه «افزایش رغبت و انگیزه در مردم در خصوص مشارکت عمومی» با ضریب تغییرات ۰/۲۳۶ می‌باشد که این آمار و ارقام نشان می‌دهد، دهیاران نمونه تحقیق اظهار داشته‌اند که دهیاری‌ها در حیطه افزایش مشارکت اجتماعی روستاییان، بهترین عملکرد را در بخش‌های جلب کمک‌های مردمی و تلاش برای افزایش مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های عام‌المنفعه و افزایش رغبت و انگیزه در مردم در خصوص مشارکت عمومی داشته‌اند. کمترین میانگین به میزان ۲/۰۳ مربوط به گویه «ایجاد بستر و زمینه برای مشارکت در توسعه پایدار روستا» با ضریب تغییرات ۰/۴۹۲ و پس از آن هم کمترین میانگین به میزان ۲/۰۹ مشترکاً مربوط به گویه‌های «فرهنگ‌سازی در زمینه مشارکت مالی در بهبود وضعیت روستا» با ضریب تغییرات ۰/۴۱۴ و «همکاری با شرکت‌های تعاونی، سهامی زراعی و غیره در جهت بهبود فعالیت‌های آنان» با ضریب تغییرات ۰/۴۶۱ می‌باشد که این آمار و ارقام نشان می‌دهد از دیدگاه دهیاران نمونه تحقیق در حیطه افزایش مشارکت اجتماعی روستاییان، دهیاری‌ها ضعیف‌ترین عملکرد را در بخش‌های ایجاد بستر و زمینه برای مشارکت در توسعه پایدار روستا، فرهنگ‌سازی در زمینه مشارکت مالی در بهبود وضعیت روستا و همکاری با شرکت‌های تعاونی، سهامی

زراعی و غیره در جهت بهبود فعالیت‌های آنان داشته‌اند. در مجموع ۱۰ گویه مربوط به حیطه افزایش مشارکت اجتماعی روستاییان میانگین به میزان ۲۴/۵۳ و ضریب تغییرات هم به میزان ۰/۲۵۲ از کل امتیاز قابل کسب یعنی ۵۰ به‌دست آمده و نشان می‌دهد که از دیدگاه دهیاران نمونه تحقیق، عملکرد دهیاری‌ها در این حیطه در حد متوسط بوده است.

۵-۲- یافته‌های تحلیلی

این یافته‌ها در واقع شامل آزمون‌های روابط همبستگی بین متغیرها و تفاوت میانگین بین گروه‌ها (خانوارهای روستایی روستا و دهیاران) می‌باشد. لازم به ذکر است که در این پژوهش برای ارزیابی کلی عملکرد دهیاری‌های مربوط به روستاهای نمونه آماری، از داده‌های حاصل از کاربرد عملکردی دهیاری‌های استاندارد استفاده شده است. این کاربرد توسط گروهی از کارشناسان متخصص در وزارت کشور تهیه شده و ابتدا به صورت نمونه برای ارزیابی تعدادی از دهیاری‌ها مورد استفاده قرار گرفته است و اعتبار آن توسط کارشناسان متخصص تأیید گردیده است. در این کاربرد به‌طور کلی ۳۲ معیار در ارتباط با اساس‌نامه وظایف دهیاری‌ها مطرح گردیده و امتیاز شاخص‌ها به صورت چهار طیف (ضعیف، متوسط، خوب و بسیار خوب) و با وزن ضریب بین ۱ تا ۴ مورد محاسبه قرار گرفته که طبق این شاخص‌ها و ضرایب وزن‌دهی نهایتاً امتیازهای هر دهیاری که دامنه آن می‌توانسته بین ۰ تا ۱۰۰ باشد، برای سال ۱۳۹۲ محاسبه شده است. بنابراین در پژوهش حاضر عدد در نظر گرفته شده برای عملکرد کلی هر دهیاری عددی است که طبق این کاربرد امتیازدهی به آن دهیاری تعلق گرفته است.

۵-۲-۱- آزمون همبستگی بین متغیرها

به منظور ارزیابی روابط همبستگی بین متغیرها آزمون همبستگی پیرسون در نرم افزار SPSS انجام شد که نتایج مربوط به آن در جدول ۳ آمده است:

جدول ۳) ماتریس ضریب همبستگی بین متغیرهای تحقیق

متغیر	عملکرد	مشارکت اجتماعی
عملکرد	۱	
مشارکت اجتماعی	-۰/۰۴۱	۱

مطابق جدول، فرض صفر بودن ضریب همبستگی بین عملکرد کلی دهیاری و افزایش مشارکت خانوارهای روستایی رد نشده است. لذا می‌توان نتیجه گرفت که همبستگی بین دو متغیر غیر معنادار می‌باشد. به عبارت دیگر، بین عملکرد کلی و افزایش مشارکت خانوارهای روستایی رابطه معناداری وجود ندارد.

۵-۲-۲- مقایسه شاخص مورد ارزیابی بین دیدگاه خانوارهای روستایی و دیدگاه دهیاران

به منظور مقایسه میانگین دو گروه (یعنی نظر دهیاران و خانوارهای روستایی) در خصوص نقش دهیاری‌ها در افزایش مشارکت روستاییان، بدین ترتیب عمل شده است که ابتدا میانگین مربوط به مشارکت اجتماعی برای هر روستا محاسبه شده، بدین طریق که میانگین نمرات کل پرسش‌نامه‌های هر روستا محاسبه شده و به عنوان عدد مشارکت برای آن روستا در نظر گرفته شده است.

سپس به منظور مقایسه دیدگاه خانوارها با دهیاران آزمون t مستقل با استفاده از نرم افزار آماری SPSS انجام شد که نتایج آن در جدول ۴ آمده است. لازم به ذکر است قبل از انجام این آزمون، آزمون همگنی واریانس لون انجام شد و مشخص گردید که واریانس دو گروه در مورد تمام شاخص‌ها یکسان است؛ لذا نتایج آزمون t در جدول مربوطه با فرض برابری واریانس گروه‌ها ارائه شد.

جدول ۴) نتایج آزمون t مستقل برای مقایسه میانگین نظرات خانوارهای روستایی

و دهیاران در خصوص افزایش مشارکت

متغیر	درجه آزادی	t آماره	Sig	تفاوت میانگین‌ها	تفاوت انحراف معیار
افزایش مشارکت اجتماعی روستاییان	۶۶	۲/۹۰	۰/۲۰۰	۳/۷۵*	۱/۲۸

* تفاوت میانگین‌ها در سطح خطای ۰/۰۱ معنادار است ($p < ۰/۰۱$).

مطابق جدول فوق، آزمون t برای شاخص افزایش مشارکت اجتماعی در سطح خطای ۱ درصد معنادار گردید ($p < ۰/۰۱$). بنابراین فرض H_0 را نمی‌توان در مورد مشارکت اجتماعی تأیید کرد. به عبارت دیگر، نظرات خانوارهای روستایی و دهیاران در مورد نقش دهیاری‌ها در افزایش مشارکت اجتماعی روستاییان با اطمینان بیش از ۹۹ درصد تفاوت وجود دارد.

بنابراین در خصوص دو فرضیه تحقیق می‌توان گفت:
فرضیه اول: بین عملکرد دهیاری‌ها و افزایش مشارکت اجتماعی روستاییان رابطه معناداری وجود دارد.

$$H_0 : r = 0$$

$$H_1 : r \neq 0$$

نتایج آزمون همبستگی نشان داد که فرض صفر بودن ضریب همبستگی بین عملکرد کلی دهیاری و افزایش مشارکت خانوارهای روستایی رد نشده است. به عبارت دیگر، بین عملکرد کلی و افزایش مشارکت خانوارهای روستایی رابطه معناداری وجود ندارد. بنابراین این فرضیه رد می‌شود.

فرضیه دوم: بین نظر خانوارهای روستایی و دهیاران در مورد نقش دهیاری در افزایش مشارکت روستاییان تفاوت معناداری وجود دارد.

$$H_0 : \mu_1 = \mu_2$$

$$H_1 : \mu_1 \neq \mu_2$$

آزمون t برای شاخص افزایش مشارکت اجتماعی در سطح خطای ۱ درصد معنادار گردید ($p < 0/01$). بنابراین فرض H_0 را نمی‌توان در مورد مشارکت اجتماعی تأیید کرد. به عبارت دیگر، بین نظرات خانوارهای روستایی و دهیاران در مورد نقش دهیاری‌ها در افزایش مشارکت اجتماعی روستاییان تفاوت معنادار وجود دارد. بنابراین فرضیه دوم تأیید می‌شود.

نتیجه

مدیریت بهینه روستایی از الزامات جامعه روستایی امروز ایران است. بدین منظور بوده است که نهادی هم‌چون دهیاری که در واقع واسطه‌ای بین مردم و دولت به شمار می‌رود به وجود آمده است و هدف اصلی آن، افزایش مشارکت عمومی، تشریک مساعی، توانمندسازی روستاها برای حفظ جمعیت و به طور کلی بهبود شرایط زیست در محیط‌های روستایی است، تا جامعه روستایی را همپای سایر شهروندان برای دستیابی به اهداف توسعه و رشد جامعه هماهنگ سازد. بنابراین می‌توان گفت که فلسفه وجودی دهیاری‌ها این است که با در پیش گرفتن یک رویکرد اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و شکلی، تصمیمات لازم در مسائل روستایی را با آشنا ساختن مردم با جریان‌های توسعه ارتباطات و اطلاعات در چارچوب توسعه روستایی اتخاذ نماید.

در برنامه‌های جدید توسعه روستایی دو اصل بنیادین، توانمندسازی روستاییان و محیط روستایی و فقرزدایی از روستاها مدنظر قرار گرفته است و در راستای این اهداف است که وظایف و نقش دهیاری‌ها تعریف شده است. در پژوهش حاضر، هدف ارزیابی عملکرد دهیاری‌ها در خصوص افزایش مشارکت اجتماعی روستاییان در روستاهای شهرستان بیرجند بوده و نتایج تحقیق نشان داد که از دیدگاه روستاییان، مدیریت به کارگیری ظرفیت مشارکت عمومی در مواقع لازم و بسیج عمومی آن‌ها و همچنین زمینه‌سازی برای توسعه تشکلهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مبتنی بر مشارکت جمعی، از بالاترین عملکرد و همکاری با شرکت‌های تعاونی و سهامی زراعی و همچنین ایجاد زمینه و بستر لازم برای مشارکت تمامی خانوارهای روستایی در فرایند توسعه

پایدار روستا، از پایین‌ترین عملکرد برخوردار بوده‌اند که باید مورد توجه بیشتری قرار گیرند.

از دیدگاه دهیاران، آنچه به جلب مشارکت و کمک‌های مردمی و تلاش برای افزایش مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های عام‌المنفعه و افزایش رغبت و انگیزه در مردم در خصوص مشارکت عمومی در سطح روستاها مربوط می‌شود بالاترین عملکرد را دارد ولی در قبال این کمک‌های مردمی، هیچ برنامه مدونی برای فرهنگ‌سازی، مشارکت در تشکلهای مردمی، حرکت‌های تعاون‌مدار و تشویق به ایجاد روحیه کار گروهی در روستا در زمره عملکرد دهیاری‌ها نیامده است.

به‌طور کلی در این پژوهش نقش دهیاری‌ها در افزایش مشارکت اجتماعی روستاییان در مجموع ضعیف ارزیابی شد که با یافته‌های حسن وند (۱۳۹۰) در لرستان هم خوانی ندارد. زیرا وی در تحقیق خود نقش دهیاری‌ها در بهبود مشارکت روستاییان را تقریباً خوب ارزیابی کرده است. اما در پژوهشی که توسط مطیعی لنگرودی (۱۳۹۰) با عنوان "ارزشیابی عملکرد دهیاری‌ها از دیدگاه روستاییان؛ مطالعه موردی دهستان بیهق شهرستان سبزوار" انجام شد، وی میزان مشارکت روستاییان قبل از وجود دهیاری و پس از آن را با هم مقایسه کرده و در نهایت نتیجه می‌گیرد که نقش دهیاری‌ها در افزایش مشارکت روستاییان نسبتاً ضعیف و میزان اثرگذاری دهیاری بر این مؤلفه ناکافی بوده است.

پیشنهادهات

نتایج این پژوهش نشان داد که در محدوده مورد مطالعه بین عملکرد دهیاری‌ها و مشارکت‌های اجتماعی روستاییان رابطه آماری معنی‌داری وجود ندارد. با عنایت به اهمیت عامل مشارکت اجتماعی در مباحث توسعه پایدار روستایی، پیشنهاد می‌شود در این خصوص دهیاری‌ها بر مشارکت‌های اجتماعی و تقویت آن در جامعه تأکید ویژه‌ای داشته باشند و این عدم رابطه از عملکرد پایین دهیاری‌ها در این خصوص ناشی می‌شود نه از بی اهمیت بودن این عامل در بخش توسعه روستایی.

تفاوت دیدگاه دهیاران و خانوارهای روستایی در مورد نقش دهیاری‌ها در افزایش مشارکت اجتماعی روستاییان بیانگر آن است که علیرغم فعالیت دهیاران در حیطه این شاخص‌ها، عملکرد دهیاری‌ها در این حیطه برای روستاییان چنان‌که باید و شاید ملموس نبوده است. لذا پیشنهاد می‌گردد که جهت آگاهی خانوارهای روستایی از فعالیت دهیاری‌ها، در این زمینه دهیاران با به‌کارگیری روش‌های متفاوتی از قبیل برگزاری جلسات عمومی، به توجیه روستاییان در مورد فعالیت‌های خود در زمینه‌های مذکور بپردازند تا ضمن این‌که خانوارهای روستایی در جریان این فعالیت‌ها قرار می‌گیرند، اختلاف دیدگاه ایشان با دهیاران کاهش یابد.

منابع

- حسن‌وند، احسان (۱۳۹۰). "تجربه دهیاری‌ها- موانع و کارکردها". *فصلنامه علمی و پژوهشی روستا و توسعه*، سال چهاردهم، ش ۵۴ (تابستان): ۱۳۹-۱۶۴.
- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ سجاسی قیداری، حمدالله؛ عینالی، جمشید (۱۳۸۶). "نگرشی نو به مدیریت روستایی با تأکید بر نهادهای تأثیرگذار". *فصلنامه علمی و پژوهشی روستا و توسعه*، سال دهم، ش ۲ (تابستان): ۱-۳۸.
- رمضان زاده، مهدی؛ صابری، حسن (۱۳۸۶). "ضرورت حفظ سرمایه اجتماعی در روستا". *ماهنامه دهیاری‌ها*، سال پنجم، ش ۲۵ (اسفندماه): ۷۹-۵۵.
- سعیدی، عباس (۱۳۸۳). "برخی الزامات ده گردانی در پرتو مشارکت روستایی". *ماهنامه دهیاری‌ها*، سال دوم، ش ۹ (شهریورماه): ۱۰-۱۶.
- سلیمان پور، محمدرضا؛ فرج‌الله حسینی، جمال (۱۳۸۵). "بررسی رویکرد مشارکتی در مدیریت روستایی"، *ماهنامه جهاد*، سال بیست و ششم، ش ۲۷۴ (دی ماه): ۶۳-۷۸.
- شکوری، علی (۱۳۷۸). "پژوهشی در توسعه و مشارکت در روستاهای برگزیده استان آذربایجان شرقی". *فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی*، سال سی و یکم، ش ۳۷ (اسفندماه): ۸۹-۱۰۴.

- عفتی، محمد (۱۳۸۳). "نگرشی بر الگوها و مشارکت روستاییان بر اساس نظریات توسعه". *فصلنامه توسعه روستایی*، سال یازدهم، ش ۱۶۷ (تابستان): ۲۸-۴۵.
- فیروزآبادی، احمد؛ ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۹۱). "وضعیت رضایت روستاییان و عوامل مرتبط با آن از عملکرد دهیاری‌ها (مطالعه موردی: روستاهای استان قزوین)". *فصلنامه پژوهش‌های روستایی*، سال پانزدهم، ش ۹ (بهار): ۶۱-۹۲.
- کریمی، بهرام (۱۳۸۸). "ارزیابی عملکرد دهیاری‌ها در توسعه روستایی (مطالعه موردی: بخش کندوان شهرستان میانه)". پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران.
- کوچکیان فرد، حسین (۱۳۸۶). "چالش‌های فراروی روابط شورای اسلامی روستا و دهیاری". *ماهنامه دهیاری‌ها*، سال پنجم، ش ۲۲ (تیرماه): ۳۱-۴۶.
- گل شیری اصفهانی، زهرا (۱۳۸۸). "تأثیر انسجام اجتماعی بر مشارکت روستاییان". *فصلنامه علمی پژوهشی روستا و توسعه*، سال دوازدهم، ش ۱ (بهار): ۱۴۷-۱۶۷.
- متقی زاده، محمدحسن (۱۳۸۳). "سازمان‌های غیردولتی نهادی برای سازماندهی مشارکت در جامعه مدنی". تهران: وزارت کشور، دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). *سالنامه آماری استان خراسان جنوبی*. تهران: مرکز آمار ایران.
- مطیعی لنگرودی، حسن (۱۳۹۰). "ارزشیابی عملکرد دهیاری‌ها از دیدگاه روستاییان (مطالعه موردی: دهستان بیبهق شهرستان سبزوار)". *مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*، سال دوازدهم، ش ۱۶ (بهار و تابستان): ۳۵-۵۶.

بررسی معیارشدگی گویش بیرجند در دو قرن گذشته

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۷/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۰/۱۷

حامد نوروزی^۱

چکیده

گویش بیرجند یکی از گویش‌های بسیار کهن فارسی است که برخی از ساخت‌های آن، بازمانده از دوره‌ی میانه است. اما این گویش نیز مانند همه‌ی گویش‌های دیگر، در حال نزدیک شدن به گویش معیار یا معیارشدگی است. پیکره‌ی مورد بررسی ما در این تحقیق تنها آثار برجای مانده از گویش قدیم بیرجند است از جمله نصاب ملاعلی اشرف صبوحی و آن‌چه ایوانف از طریق مصاحبه و تحقیقات میدانی گردآوری کرده است. البته لازم است ذکر شود که پیکره‌ی نگارنده که شامل دو منبع فوق‌الذکر است، پیکره‌ی ناقصی است و نمی‌تواند پاسخ‌گوی همه‌ی پرسش‌های ما باشد. با بررسی‌های انجام شده در این تحقیق روشن می‌شود که همه‌ی سطوح زبانی به یک میزان دچار معیارشدگی نشده‌اند. بر اساس پیکره‌ی مورد بررسی نگارنده، سطح واژگانی زبان دچار بیشترین معیارشدگی و سطح صرفی نیز دچار کمترین معیارشدگی گشته است. سطح نحوی و آوایی گویش بیرجند نیز در میانه‌ی دو سطح پیش‌گفته قرار دارند. هر یک از این سطوح به شرح زیر تحت تأثیر گویش معیار قرار گرفته‌اند: سطح واژگانی: از دو قرن پیش تا امروز بسیاری از واژگان گویش بیرجند که به فراموشی سپرده شده، متروک شده‌اند. سطح نحوی: در این سطح گویش قدیم بیرجند با از دست دادن ویژگی‌های ارگاتیو، کاربرد صفت مفعولی نوع دوم به‌جای ماده‌ی ماضی، کاربرد فعل استمراری به‌جای فعل غیراستمراری، کاربرد شناسه‌ی مفرد برای فاعل جمع و جز آن به‌سوی گویش معیار بسیار نزدیک شده است. سطح آوایی: در سطح آوایی گویش بیرجند قدیم دچار تحولاتی مانند تحول همزه‌ی آغازی به h، تحول e به â و تحول ē به u شده است. سطح صرفی:

در این سطح نیز ویژگی‌هایی نظیر کاربرد ماده‌ی ماضی ماضی جعلی به جای ماده‌ی اصلی و کاربرد "ی" استمراری از بین رفته است. واژگان کلیدی: گویش بیرجند، فارسی معیار، تحول آوایی، تحول صرفی، تحول نحوی.

۱- مقدمه

گویش‌ها، گونه‌ها و لهجه‌های ایرانی^۱ گنجینه‌ای غنی از لغات، اصطلاحات و ساخت‌های صرفی و نحوی کهن هستند که آگاهی‌های بسیار با ارزشی درباره‌ی زبان‌های ایرانی و تاریخ آن‌ها در اختیار ما می‌گذارند. در نگاهی بسیار گذرا می‌توان فرضیه‌ی زیر را برای شکل‌گیری گویش‌ها و گونه‌های زبان‌های ایرانی مطرح کرد: زبان ایرانی باستان (هند و اروپایی) که مادر همه زبان‌ها و گویش‌های ایرانی به‌شمار می‌رود، میان گویشوران ایرانی باستان (اقوام هند و اروپایی) رایج بوده است. در پی مشکلاتی که احتمالاً ناشی از شرایط اقلیمی یا اقتصادی نامناسب بوده است گویشوران ایرانی باستان در حدود هزاره‌ی سوم پیش از میلاد از دشت‌ها و استپ‌های میان جنوب سبیری و شمال دریای خزر مهاجرت کرده و در نقاط مختلف فلات ایران، هند و اروپا پراکنده شدند.^۲ این زبان در طول تاریخ با شرایط جغرافیایی و اجتماعی محیطی که در آن تکلم می‌شد منطبق شد و با توجه به این شرایط، تغییرات گوناگون آوایی، صرفی، نحوی و معنایی در آن به‌وجود آمد. این امر سبب شده است که پس از گذشت دوره باستان و دوره میانه، در دوران جدید انواع زبان‌های ایرانی در گویش‌های ایرانی بروز و ظهور یابند. این گویش‌ها هرکدام نمادی از زبان و فرهنگ گذشته در طول تاریخ و گستره جغرافیایی اقوام ایرانی است. «پژوهش و مطالعه هرکدام از این گویش‌ها و گونه‌های زبانی و بررسی تاریخی پراکندگی آن‌ها، تحول زبان‌شناختی هر کدام و تأثیر و تلفیق آن‌ها با زبان‌ها و فرهنگ‌های بومی و غیر بومی دیگر زبان‌ها آگاهی‌های گرانبهایی به دانش زبان‌شناسی و فرهنگ عمومی می‌دهد» (قریب، ۱۳۸۳: ۲).

۱. درباره‌ی تفاوت این سه اصطلاح ر.ک. به: دبیرمقدم، ۱۳۸۷: ۴۴-۵۰.

۲. برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به: باقری، ۱۳۹۰: ۲۸.

بررسی هم‌زمانی این گونه‌ها و گویش‌ها، یعنی توصیف صورت امروزین گویش‌ها بدون توجه به گذشته‌ی آن‌ها، در حوزه علم گویش‌شناسی و بررسی در زمانی و تاریخی آن‌ها، یعنی مقایسه‌ی صورت امروزین گویش‌ها با صورت یا صورت‌های گذشته‌ی آن‌ها، در حوزه گویش‌شناسی تاریخی قرار دارد که خود زیرشاخه زبان‌شناسی تاریخی است (شیری، ۱۳۸۶: ۱۵۵). با بررسی در زمانی و تاریخی گویش‌های ایرانی، یک نکته‌ی مشترک را می‌توان در مورد همه‌ی آن‌ها بیان کرد و آن این که امروزه گویش‌های ایرانی به شدت تحت تأثیر زبان فارسی معیار (فارسی دری) قرار گرفته‌اند و به همین دلیل با سرعت در حال از بین رفتن هستند. به عبارت دیگر، گویش‌های ایرانی امروز به سرعت در حال معیارسازی^۱ یا معیارشدگی هستند. مهم‌ترین عامل در این امر نیز پیشرفت فناوری و رسانه‌های جمعی است.

البته تضعیف گویش‌های ایرانی و فرایند معیارشدگی آن‌ها به دلیل رشد و همه‌گیر شدن فارسی دری امری نیست که مختص امروز باشد؛ بلکه از آغاز شکل‌گیری و تکوین زبان فارسی دری، گویش‌های ایرانی در معرض تهدید و اضمحلال بوده‌اند. این که زبان فارسی چگونه از جنوب غربی ایران به نواحی شرقی رسیده و به تدریج شکل جدیدی یافته و با نام فارسی دری شناخته شده، جزء ابهامات تاریخی زبان فارسی است که تاکنون نظر قطعی درباره‌ی آن داده نشده است.^۲ اما آنچه مسلم است این است که پس از پیروزی اسلام و روی کارآمدن سلسله‌های ایرانی و توجهی که آن‌ها به زبان فارسی دری نمودند جریانی از تألیف کتب و رسائل مختلف به این زبان که مورد حمایت یک دولت قدرتمند بود، آغاز شد. اولین کتب و رسائل مستقلی که به زبان فارسی دری و به خط عربی وجود دارد نشان‌دهنده گونه ادبی این زبان است که مقارن به قدرت رسیدن سلسله‌های طاهریان، صفاریان و سامانیان در شرق ایران یعنی سرزمین‌های ماوراءالنهر، خراسان و سیستان می‌باشد (ارانسکی، ۱۳۵۸: ۲۶۱). بدین ترتیب زبان فارسی دری از همان زمان موقعیت خود را دست کم به عنوان گونه‌ی نوشتاری زبان، تثبیت و موقعیت گویش‌های محلی را تضعیف کرد.

1. standardization

۲. برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به: صادقی، ۱۳۵۷: ۲۳-۲۴؛ رضایی باغبیدی، ۱۳۸۸: ۱۶۳.

تفاوت گذشته با امروز این است که تضعیف گویش‌های ایرانی تا پیش از رواج رسانه‌های جمعی مانند روزنامه و صدا و سیما بسیار کند و طبیعی بود. اما با رواج و گسترش رسانه‌های جمعی، روند اضمحلال و نابودی گویش‌های ایرانی بسیار سرعت گرفت. با پیشرفت فناوری و گسترش چشمگیر و روزافزون رسانه‌های جمعی، زبان معیار فارسی در همه‌ی نقاط تبدیل به گویش مسلط و غالب می‌شود که همه‌ی گویشوران ناچارند آن را به کار ببرند. علاوه بر این، ضعف‌های فرهنگی، اختلاف‌های قومی، مشکل نظام آموزشی مدارس و دانشگاه‌ها و عواملی از این دست را نیز باید به عواملی افزود که به نابودی گویش‌ها کمک می‌کنند.

۲- گویش بیرجند و روند معیارشدگی آن

گویش بیرجند نیز از قاعده‌ی بالا مستثنی نیست. با بررسی روند تحول این گویش می‌توان به خوبی دریافت که این گویش نیز تا چه حد در معرض خطر نابودی و معیارشدگی قرار دارد. بیرجند که شهریست در خراسان، یعنی شرق ایران کنونی، در منطقه‌ای قرار دارد که مطابق فرضیات تاریخی تأثیر بسزایی در شکل‌گیری و تکوین زبان فارسی دری داشته و به نوعی مهد پرورش این زبان بوده است؛ زیرا «زبان فارسی دری که در اصل ادامه‌ی زبان دولتی و رسمی دستگاه ساسانی بوده است، مقارن استیلای تازیان به‌وسیله‌ی مباحثان دولتی به مشرق و خراسان بزرگ منتقل شده و در زمان نخستین دولت‌های نیمه مستقل ایرانی [طاهریان، صفاریان] که در قرون اولیه‌ی هجری در شرق ایران تأسیس شد، رواج یافت»^۱ (باقری، ۱۳۹۰: ۱۱۱). شاید به همین دلیل باشد که ایوانف (۱۳۹۱: ۶۳) در کتاب خود می‌نویسد: «تفاوت گویش خراسان جنوبی با زبان فارسی ادبی (و با زبان محاوره‌ای طبقات تحصیل کرده) ظاهراً کم‌تر از هر نوع فارسی روستایی است که در مملکت به آن تکلم می‌شود ... این تشابه احتمالاً علل مختلف دارد. گویش خراسان جنوبی شاید از همان گویشی پدید آمده که زبان فارسی ادبی از آن تکامل یافته است. یا این که گویش خراسان جنوبی زبانی ترکیبی

است که از ترکیب گویش‌های محلی تحت تأثیر سازمان نیافته‌ی فارسی محاوره‌ای یعنی زبان محاوره‌ای بازاری شکل گرفته و متحول شده است». اما همین نسبت نزدیک گویش بیرجندی با زبان فارسی معیار نیز گویش بیرجندی را بیش از گویش‌های دیگر در معرض معیارشدگی و نابودی قرار داده است، زیرا گویش بیرجندی تفاوت اصولی و عمده‌ای با زبان فارسی معیار ندارد و در برابر نفوذ آن و تمایل نسبت به آن مقاوت بسیار کمی نشان می‌دهد.

این روند سریع معیارشدگی را بررسی‌های تاریخی گویش‌شناختی هم اثبات می‌کند. یعنی با مقایسه‌ی گویش قدیم و جدید بیرجند، روشن می‌شود که این گویش تا حد زیادی به زبان معیار نزدیک شده است. شاهد این تحول سریع نیز گفته‌ی ایوانف (همان: ۲۰۵) است که حدود ۱۵۰ سال پس از نصاب صبوحی در مورد واژه‌های آن می‌نویسد: «بسیاری از این اصطلاحات [اصطلاحات نصاب صبوحی] اکنون مورد استعمال ندارد و یا محدود به فرهنگ لغات روستاهای دور افتاده‌اند و یک بیرجندی عادی این اصطلاحات را نمی‌فهمد».

اما بی‌تردید همه‌ی سطوح زبانی یک گویش به یک اندازه تحت تأثیر گویش معیار قرار نمی‌گیرد. به عبارت دیگر، بعضی از سطوح زبانی انعطاف بیشتری نسبت به تحولات نشان می‌دهند و بنابراین بیش از سطوح زبانی دیگر در معرض نابودی قرار دارند. به همین دلیل، عناصر زبان هم به یک میزان تحت تأثیر گویش معیار قرار نمی‌گیرند. برای مثال، معمولاً واژگان از عناصر زبانی هستند که به سادگی از زبان معیار یا حتی زبان‌های دیگر وارد گویش می‌شوند، اما دستگاه آوایی گویش به سادگی واژگان تحت تأثیر قرار نمی‌گیرد.

۳- سؤال تحقیق

با توجه به آن چه گفته شد نگارنده در این مقاله به بررسی روند تحول گویش بیرجندی از حدود صد و پنجاه سال پیش تا امروز خواهد پرداخت. خوشبختانه اسناد و مدارکی هرچند اندک نیز وجود دارد که گویش کهن بیرجند در آن‌ها ضبط شده است. بنابراین

با مقایسه‌ی اسناد گویش کهن بیرجند با گویش امروزی آن در صدد هستیم به این سؤالات پاسخ گوئیم: آیا از حدود صد و پنجاه سال قبل تا امروز، گویش بیرجند دچار تحول شده است؟ آیا این تحول به سوی معیارشدگی گویش بیرجند پیش رفته است؟ معیارشدگی گویش بیرجند بیشتر در چه سطوحی از زبان رخ داده است؟

۴- لزوم تحقیق

همان‌گونه که ذکر شد گویش‌های ایرانی امروز در اثر گسترش روزافزون رسانه‌های جمعی، شبکه‌های اینترنتی و ابزارهای ارتباطی از این دست، به سرعت در حال نابودی هستند. گویش بیرجند نیز از همین قاعده پیروی می‌کند. بنابراین آگاهی و مطالعه درباره‌ی چگونگی این فرایند، می‌تواند به حفظ و دست‌کم کند نمودن آن کمک کند. حتی اگر کار زبان‌شناس را تجویز ندانیم، باید گفت تحقیقاتی از این دست، لزوم ضبط و ثبت گویش‌های در حال مرگ را آشکار خواهد کرد. بنابراین لازم است با بررسی‌های تاریخی گویش‌ها روشن کنیم که کدام گویش‌ها بیشتر و کدام گویش‌ها کمتر در معرض خطر قرار دارند. از سوی دیگر، روشن کنیم کدامیک از سطوح زبانی گویش‌ها، و در این مقاله به صورت موردی، کدام سطوح زبانی گویش بیرجند، زودتر دچار تحول و به زبان معیار نزدیک می‌شود. با به دست آوردن این اطلاعات و طبقه‌بندی آن‌ها، نهادهای متولی زبان در کشور، مانند فرهنگستان زبان و ادب فارسی، می‌توانند تصمیم‌های درست‌تر و سریع‌تری برای حفظ و دست‌کم ثبت و ضبط گویش‌های در حال زوال بگیرند.

تمامی این اطلاعات با بررسی‌های تاریخی گویش‌ها ممکن است. با بررسی تاریخی (در زمانی) گویش‌ها می‌توان به این نکته دست یافت که کدام سطح زبانی گویش‌ها، شامل سطح آوایی، صرفی، نحوی و معنایی، بیش‌تر تحت تأثیر زبان معیار قرار می‌گیرد. اما لازمه‌ی این امر در مرحله‌ی نخست، دستیابی به اسنادی است که گویش‌های کهن را در خود حفظ کرده باشند. به عبارت دیگر، نخست باید به منابعی دست یافت که گویش‌های کهن در آن‌ها ثبت شده باشد. متأسفانه این‌گونه منابع در زبان فارسی بسیار اندک هستند. پیش از ادامه‌ی مقاله بحث کوتاهی در زمینه‌ی منابع و اسناد گویش‌شناسی

تاریخی نیز لازم به نظر می‌رسد.

۵- منابع و اسناد گویش کهن بیرجندی

همان‌گونه که پیش از این گفتیم با تکوین و گسترش حوزه‌ی نفوذ زبان فارسی دری، بسیاری از گویش‌ها و لهجه‌های ایرانی بزرگ مانند سغدی و خوارزمی از بین رفته‌اند و از برخی نیز تنها نامی باقی مانده و قطعاً از گویش‌ها و لهجه‌های فراوانی حتی نامی هم نمانده است، زیرا این گویش‌ها به‌عنوان گونه نوشتاری زبان به کار نمی‌رفته و تنها در گفتار از آن‌ها استفاده می‌شده است. بنابراین اسناد مکتوب و به دیگر سخن، "ادبیات" از آن‌ها برجای نمانده است. صادق کیا (۱۳۴۰، مقدمه: چهار) در این باره می‌گوید: «هیچ‌یک از گویش‌های ایرانی ادبیات و سنت ادبی کهن ندارند. ادبیات آن‌ها ترانه‌ها، داستان‌ها، مثل‌ها و چیستان‌های آن‌هاست که زیانگردد است و باید آن‌ها را هاموید (فولکلور)^۱ نامید نه ادبیات. به برخی از آن‌ها زمانی کتاب‌ها نوشته و شعرها سروده شده است، ولی این کار دیرزمانی دنباله نیافته و سنت ادبی پیدا نشده است». «نیاز ایرانیان به یک زبان همگانی رسمی و روایی، سبب شده که گویش‌ها، ادبیات و سنت ادبی پیدا نکنند و واژه‌های دینی و فرهنگی و دولتی ویژه نداشته باشند و پا از سرزمین خود و گفتگوهای روزانه و هاموید فراتر نگذارند» (همان، مقدمه: شش). ناتل خاثری (۱۳۸۶: ۱۴۱) در همین مورد می‌گوید: «بعضی از لهجه‌ها هر یک در زمانی دارای آثار ادبی بوده است ... اما بعدها در مقابل رواج فارسی دری که زبان رسمی و مشترک همه ایرانیان گردیده این لهجه‌ها تنزل کرده و دیگر در نوشتن به کار نرفته است».

با این حال جای بسی خوشبختی و تعجب است که به دلایل مختلف، از برخی از گونه‌ها، گویش‌ها و لهجه‌های زبان فارسی نیز آثار مستقل و نسبتاً کاملی به دست ما رسیده. یکی از گویش‌هایی که خوشبختانه اسناد مختصری از صورت کهن آن‌ها بر جای مانده، گویش بیرجندی است. قدیم‌ترین سندی که از گویش بیرجند برجای مانده، دو

۱. هاموید یا فولکلور (folklore) را کیا در اینجا به معنی ادبیات شفاهی و غیرمکتوب اقوام در نظر گرفته که «به مجموعه‌ی ترانه‌ها، قصه‌ها، اساطیر و ضرب‌المثل‌های رایج در میان یک قوم اطلاق می‌شود که به طور شفاهی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و موضوعات آن برگرفته از فرهنگ قومی است» (داد، ۱۳۸۳: ۲۴).

بیت شعر منسوب به نزاری قهستانی است که بایبوردی آن‌ها را در کتاب خود آورده است (بایبوردی، ۱۳۷۰: ۲۵۰): «چه باژم ژایون که در امر خوی/ مخان دی خُمنکی ژ زل وانبشت/ کس را مجال قربت او نیست جز تو را/ ای ماژند لوچمتکی مشو بیور». این ابیات امروزه قابل خواندن نیستند و بنابراین تلفظ و معنای درست آن‌ها نیز روشن نیست. به علاوه در تعلق آن‌ها به نزاری نیز جای تردید است؛ چرا که رضایی (۱۳۸۱: ۲۳۹) اشاره می‌کند که در «دیوان نزاری قهستانی جز چند واژه که اکثراً در فرهنگ‌های فارسی ضبط شده، اثر دیگری از این گویش دیده نمی‌شود». پس از آن ملاعلی اشرف صبحی در حدود ۲۰۰ سال پیش (حدود ۱۲۱۰-۱۲۱۱ هـ.ق.) از مردم زیروچ، نصابی تنظیم کرده که حدود پانصد واژه‌ی بیرجندی را در آن جمع کرده است (رضایی، ۱۳۴۴: ۲۵-۵۷). سپس حدود ۵۰ سال بعد ایوانف (۱۳۹۱: ۶۹-۱۲۸)، یکی از محققان برجسته‌ی روس، مقداری از افسانه‌ها، اشعار، کارآواها و رباعی‌های بیرجندی را گردآوری کرده است. با مطالعه‌ی این اسناد به گنجینه‌ای از لغات، اصطلاحات و ساخت‌های صرفی و نحوی برمی‌خوریم که مانند هر گویش کهنی، امروزه بسیار دچار تحول شده است. خوشبختانه وجود این اسناد امکان قیاس گویش کهن بیرجند با گویش امروزی بیرجند را فراهم می‌کند. به گفته‌ی رضایی (۱۳۸۱: ۲۳۹) «از مقایسه‌ی لغات قدیم بیرجند با تلفظ و کاربرد همان واژه‌ها در امروز می‌توان تا اندازه‌ای به فرگشت و تحول این گویش پی برد».

۶- روش و پیکره‌ی تحقیق

نگارنده در این مقاله مبنای پژوهش را دو کتاب گویش بیرجند (فرهنگ ملاعلی اشرف صبحی) (رضایی، ۱۳۴۴: ۲۵-۵۷) و فارسی در گویش بیرجند (ایوانف، ۱۳۹۱: ۶۹-۱۲۸) قرار داده است؛ زیرا همان گونه که گفتیم این دو کتاب تنها منابعی است که می‌توان به عنوان پیکره‌ی تحقیق درباره‌ی گویش قدیم بیرجند از آن‌ها استفاده کرد. بنابراین نگارنده در این تحقیق جملات و لغات مضبوط در این دو پیکره را مورد بررسی قرار داده است. از آنجا که این پیکره تنها صورت مکتوب دارد به تلفظ دقیق لغات و جملات دسترسی وجود ندارد و نمی‌توان عوامل زبر زنجیری کلام را به درستی سنجید.

به‌علاوه قطعاً بسیاری از تلفظ‌های گویشی نیز در این پیکره به‌درستی قابل بررسی نیست. بنابراین به ناچار تنها به موارد زبان‌شناختی خواهیم پرداخت که در نوشتار بازتاب می‌یابد.

روش تحقیق نیز بر اساس عدم کاررفت امروزمین لغات یا ساخت‌های صرفی و نحوی است. به‌عبارت دیگر، تنها ساخت‌های صرفی و نحوی، یا واژه‌هایی در این مقاله ذکر شده که امروزه در بیرجند رواج ندارند. بر این مبنا می‌توان تحولات گویش بیرجند از دو قرن پیش تا امروز را بررسی کرد و نشان داد که این گویش در طول دو قرن گذشته کدام لغات، ساخت‌های نحوی و صرفی خود را از دست داده و تا چه حد به فارسی معیار نزدیک شده است. در زمینه‌ی آوانویسی لغات و جملات، از آنجا که در دو کتاب مذکور داده‌های گویشی با خط فارسی (عربی) آوانگاری شده و به همین صورت نیز در اختیار خوانندگان است، نگارنده نیز از همین روش پیروی کرده است. اما ناگفته پیداست که اگر داده‌ها با حروف لاتین، آوانگاری شده بود، بررسی‌های آوایی و حتی صرفی و نحوی به‌صورت دقیق‌تر و با قاطعیت بیشتری انجام می‌پذیرفت. به هر روی، با توجه به پژوهش نگارنده بر روی داده‌های گویشی دو کتاب مذکور، روشن شد که گویش قدیم بیرجند در چهار سطح به سوی معیارشدگی پیش رفته است: ۱. آوایی؛ ۲. نحوی؛ ۳. واژگانی؛ ۴. صرفی. در ادامه‌ی مقاله به بررسی هر یک از این سطوح خواهیم پرداخت.

۶-۱- معیارسازی آوایی

بحث تحولات آوایی در گویش‌های مختلف، بحثی بسیار درازدامن و پیچیده است که خود نیاز به مقالات متعدد دارد. در زمینه‌ی گویش بیرجند و تحولات آوایی آن نیز تاکنون مقالاتی چند نوشته شده است. برای نمونه می‌توان به مقاله‌ی "بررسی تاریخی برخی تحولات آوایی رایج در فارسی خراسان جنوبی" (نوروزی و قربانی جویباری، ۱۳۹۲)، "گویش بیرجندی" (راشد محصل، ۱۳۷۷) و مقدمه‌ی کتاب‌های رضایی (۱۳۴۴؛ ۱۳۷۳؛ ۱۳۸۱) اشاره کرد. در این زمینه پایان‌نامه‌های متعددی نیز نگاشته شده و در حال نگارش است که برای مثال می‌توان از این پایان‌نامه‌ها نام برد:

"بررسی و توصیف دستوری- آوایی گویش آبیز" (ناصری، ۱۳۹۱)، "بررسی و توصیف گویش روستای گزیک از توابع شهرستان بیرجند" (خزاعی‌نژاد، ۱۳۷۴) و "تغییرات ساختوازی، صرفی، نحوی و معنایی در گویش گیو" (دری گیو، ۱۳۹۰) اشاره کرد. اما در این مقاله تنها به این نکته اشاره می‌کنیم که اغلب تحولات آوایی گویش بیرجند در جهت معیارشدگی این گویش بوده است. بدین معنا که در دو قرن گذشته بسیاری از تفاوت‌های آوایی واژگان گویش بیرجند با فارسی معیار از میان رفته و آواهای گویش بیرجند به آواهای فارسی معیار نزدیک شده است. برای نمونه:

۶-۱-۱- تحول همزه‌ی آغازی به *h*

در برخی از گویش‌ها مانند گویش کابل *h* آغازی در واژه‌هایی که دارای *h* آغازی هستند به همزه تبدیل می‌شوند: مانند "همه" < «امه». در گویش بیرجند قدیم نیز مانند گویش کابل تحول *h* آغازی به همزه دیده می‌شود. برای نمونه:

- آمی *ami*^۱ (مکرر) (ایوانف، ۱۳۹۱: ۶۹، ۷۱ - ۷۲، ۷۶، ۸۰، ۱۲۳): همین؛ امچی /
amči (مکرر) (همان: ۷۰ - ۷۱): همچنین؛ آم *am* (همان: ۷۵، ۸۰): هم؛ آم چنی /
amčeni (همان: ۷۷): همچنین؛ آمه *ama* (همان: ۹۲ - ۹۸): همه؛ اگیر *aqir* /
(همان: ۹۹): حقیر؛ ایش کس *iškas* (همان: ۱۰۵): هیچ کس؛ آمش *amaš* (همان: ۱۲۲): همه‌اش و آمو *amu* (همان: ۱۲۵): همان.

اما در گویش بیرجند امروز همه‌ی این واژه‌ها با *h* آغاز می‌شوند و به گونه‌ی فارسی معیار نزدیک شده‌اند.

۶-۱-۲- تحول *e* به *â*

در گویش بیرجند قدیم ماده‌ی ماضی *dâšt* با تحول *e/ê < â* به صورت *dēšt* /
dešt به کار می‌رفته است: ور دِشته *vardešta* (همان: ۷۰): برداشته؛ وِر نَدِشتی /
varnadeštay (همانجا): نداشته است؛ وِر دِشته *vardešta* (همان: ۷۲): برداشت؛

۱. آوانگاری لغات گویشی فرضی است؛ زیرا صورت صوتی این لغات موجود نیست.

دِشْتَه */dešta/* (همان: ۷۵): داشته.

اما در گویش بیرجند امروز این فعل اغلب با *(dāšt) â* (رضایی، ۱۳۷۳: ۲۰۹) و گاهی *a (dāšt)* (همان: ۲۲۵) به کار می‌رود. بنابراین تلفظ آن به گویش فارسی معیار بسیار نزدیک شده است.

۶-۱-۳- تحول *ē* به *u*

یکی از ویژگی‌های گویش قدیم بیرجند این بوده که مصوت *u* در این گویش به *ē* تبدیل می‌شده است؛ مانند:

- خِئِب */xe'b/* (همان: ۸۷): خوب؛ دید */did/* (همان: ۹۰): دود؛ دیر */dir/* (همانجا): دور؛ ری */ri/* (همان: ۹۱): رو؛ ری سیه */risiya/* (همانجا): روسیاه؛ ری‌گشانی */riḡešāni/* (همانجا): رونما؛ روگشونی (روگشایی)؛ سید */sid/* (همانجا): سود؛ سیر */sir/* (همانجا): سور (مهمانی)؛ سیزی */sizi/* (همان: ۹۷): سوز (سوزن) و شی */ši/* (همان: ۹۸): شو (شوهر).

اما امروزه همه‌ی این واژه‌ها با *u* تلفظ می‌شوند که نشان‌دهنده‌ی تأثیر فارسی معیار بر این گویش است. حتی این تأثیر در واژه‌های گویشی بیرجند امروز که در فارسی معیار به کار نمی‌روند نیز دیده می‌شود. برای مثال: خالی */xāli/* (همان: ۸۵) به معنی خال (دایی) که امروزه به صورت "خَالو" */xālu/* به کار می‌رود. دیلار */dilār/* (همانجا) به معنی بانگ سگ و گرگ و شغال که امروزه به صورت "دولار" دیده می‌شود. ریجَن */rija/* (همان: ۹۱): از ابزارهای کشاورزی که امروزه "روجه" */ruja/* تلفظ می‌شود. سیفَه (همانجا) به معنی صَفَه نیز امروزه به صورت سوَفَه به کار می‌رود.

تحولات آوایی دیگری نیز می‌توان ذکر کرد که در آن‌ها نزدیک شدن گویش بیرجند به فارسی معیار از نظر آوایی قابل مشاهده است. اما ذکر همه‌ی این تحولات آوایی، خود مقاله‌ی مستقلی می‌طلبد. برای مثال می‌توان به تحول آوایی $e < a$ (در واژه‌هایی مانند: کردن: $kardan < kerdan$)، تحول $r < l$ (در واژه‌هایی مانند: ضرر: $zalar < zarar$) و تحول $h < x$ (در واژه‌هایی مانند: دَه: $dah < dax$) اشاره کرد.

۶-۲- معیارسازی نحوی

یکی از ویژگی‌های بسیار مهم که موجب تمایز میان زبان‌ها و گویش‌های مختلف می‌شود، نحو زبان است. در گویش قدیم بیرجند نیز ویژگی‌هایی وجود داشت که آن را از فارسی نو معیار متمایز می‌کرد. گاهی نیز این ویژگی‌های نحوی، گویش بیرجند را به زبان فارسی میانه و دوره‌ی تکوین زبان فارسی نو پیوند می‌زد. اما امروزه از این ویژگی‌های نحوی اثری دیده نمی‌شود؛ زیرا نحو زبان فارسی معیار کاملاً جایگزین آن‌ها شده است. برخی از این ویژگی‌ها در ادامه‌ی مقاله بررسی می‌شوند.

۶-۲-۱- ساخت ارگاتیو

فعل ماضی متعدی در پهلوی از نظر نحوی دارای ساختی است که آن را "ارگاتیو"^۱ می‌نامند. مهم‌ترین ویژگی ساخت ارگاتیو مطابقت شناسه‌ها با مفعول به جای عامل^۲ (= فاعل) است.^۳ اما این ویژگی ساخت ارگاتیو به فارسی نو نرسیده و به جای آن نوعی ساخت رواج یافته که در آن فاعل به صورت ضمیر متصل به کار می‌رود و فعل‌ها نیز شناسه ندارند و به صورت یکسان دیده می‌شوند.^۴ بنابراین افعالی بدین صورت شکل می‌گیرد:

خوردیم	-mān xord	۱.ش.ج	خوردم	-m xord	۱.ش.م
خوردید	-tān xord	۲.ش.ج	خوردی	-t xord	۲.ش.م
خوردند	-šān xord	۳.ش.ج	خورد	-š xord	۳.ش.م

این ساخت گرچه بسیار شبیه ساخت ماضی متعدی دوره‌ی میانه است، در عین حال تفاوت‌هایی نیز با آن دارد.^۵ نکته‌ی مهم اینجاست که ساخت بالا به فارسی نو معیار

1. Ergative

2. Agent

۳. در مورد گونه‌های مختلف مطابقت در ساخت ارگاتیو از منظر رده‌شناسی زبان: ر.ک. به

Dabir-Moghaddam, 2012: 31-36 & 68-69

۴. برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به: نوروزی، ۱۳۹۲: ۱۹.

۵. برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به: همان: ۲۳.

نرسیده است، اما در گویش قدیم بیرجند به کار می‌رفته است.^۱ نمونه‌هایی از کاربرد ساخت ارگاتیو در گویش قدیم بیرجند:

- اِشِ که *|eš ke|* (رضایی، ۱۳۴۴: ۶۵): کرد
- اُم بیامه *|om biyāmā|* (همان: ۶۶): آمدم
- اُم نِمادِ *|om nemādā|* (همانجا): نمی‌خواهم
- نگا کو کین کیس که صداش مُکونه؟ *|negā ko kin kis ke sedāš mokonā|* (ایوانف، ۱۳۹۱: ۷۸): نگاه کن که این کیست که صدا می‌کند.
- مشک او رو و شاخ درختش کَ *|maške aw ro va šāxe deraxteš ka|* (همان: ۷۹): مشک آب را بر شاخه‌ی درخت آویزان کرد.
- قَلِفِ اَوَشِ کَرِ ...، آرد ام خمیرش کَه ... *|qalefe aweš kar...ārd am xamireš|* ... *|ka...* (همانجا): دیگ را آب کرد که کَچی بپزد، آرد را هم خمیر کرد که کماج بپزد.
- کماج اُم زر آتَشش کَه *|komāč am zer ātešeš ka|* (همانجا): زیر کماج را نیز آتش روشن کرد.
- راشِ نَمَرَو *|rāš namraw|* (همان: ۸۰): راه نمی‌رفت
- ور خَزَشِ کَ *|var xezaš ke|* (همانجا): برخاست. ایوانف (همان: ۲۲۹) در توضیحات این عبارت می‌نویسد: در اینجا «ش» واضحاً به جای «او» به کار رفته است.
- بعداش به دل نومیدش مَیده *|bād eš ba del nomidaš mayadā|* (همان: ۸۰): بعد با دل نومید گفت

اما امروزه هیچ اثری از این ساخت کهن در گویش بیرجند دیده نمی‌شود. تنها در یکی دو روستای بسیار دور افتاده، نظیر "کُرنُغد" این ساخت هنوز تا حدی رایج است.

۶-۲-۲- کاربرد صفت مفعولی نوع دوم به جای ماده‌ی ماضی

در دوره‌ی میانه دو نوع "صفت مفعولی" وجود داشته است: نوع اول صفت مفعولی،

۱. در مورد انواع ساخت ارگاتیو در گویش بیرجند ر.ک. به: رضایی، ۱۳۷۷: ۲۵۲-۲۸۰.

همان ماده‌ی ماضی است که در ساخت افعال استفاده می‌شود؛ مانند *dīd* (دید: ماضی ساده)، *raft estēm* (رفت ایستم: رفته‌ام: ماضی نقلی)، *raft estād* (رفت ایستاد: رفته بود: ماضی بعید) و غیره. ماده‌ی ماضی در فارسی نو ادامه‌ی همین نوع صفت مفعولی است. نوع دوم صفت مفعولی از ترکیب بن ماضی با پسوند *-ag* شکل می‌گیرد؛ مانند *kard-ag* (کرده)، *nišast-ag* (نشسته)، *nipišt-ag* (نوشته) و غیره. صفت مفعولی فارسی نو ادامه‌ی صفت مفعولی نوع دوم (بن ماضی + *-ag*) است که با حذف *g* انتهای در ابتدا به صورت مختوم به *a* و امروزه با تحول آوایی مختوم به *e* شده است. برای مثال، فارسی میانه: *raftag* < فارسی نو قدیم: *rafta* < فارسی نو امروز: *rafte*. در دوره‌ی میانه، ماده‌ی ماضی (صفت مفعولی نوع اول) و صفت مفعولی نوع دوم از نظر معنایی معادل هم بوده‌اند (راستارگویا، ۱۳۷۹: ۱۲۰).

همان گونه که پیداست هر دو نوع صفت مفعولی دوره‌ی میانه در ساخت افعال فارسی نو معیار نقش داشته‌اند. صفت مفعولی نوع اول (ماده‌ی ماضی فارسی نو) در ساخت افعالی مانند ماضی ساده (رفتم، رفتی) و آینده (خواهم رفت، خواهی رفت) و صفت مفعولی نوع دوم (صفت مفعولی فارسی نو) در ساخت افعالی مانند ماضی نقلی (رفته‌ام، رفته‌ای) و ماضی التزامی (رفته باشم، رفته باشی) به کار رفته است.

اما در گویش قدیم بیرجند ویژگی بسیار جالبی وجود دارد که توضیح قطعی برای آن وجود ندارد. این ویژگی کاربرد صفت مفعولی نوع دوم (صفت مفعولی) در ساخت ماضی ساده است. به عبارت دیگر، در گویش قدیم بیرجند به جای فعل "رفت" فعل "رفته" به کار می‌رود. البته این تنها در صیغه‌ی سوم شخص مفرد ماضی ساده دیده می‌شود. احتمالاً به دلیل نقش و معنای یکسان دو نوع صفت مفعولی در دوره‌ی میانه، صفت مفعولی نوع دوم (صفت مفعولی) توانسته به جای صفت مفعولی نوع اول (ماده‌ی ماضی) به کار رود. کما این که در ماضی نقلی و ماضی التزامی نیز صفت مفعولی نوع دوم (صفت مفعولی) به جای صفت مفعولی نوع اول (ماده‌ی ماضی) به کار رفته است. در ادامه نمونه‌هایی از کاربرد صفت مفعولی به جای ماده‌ی ماضی در گویش قدیم بیرجند نشان داده می‌شود:

- ای رَف، وَرْدِشْتَه گِل پمبه‌ی خو / *i raf var dešta gol pombay xo* (ایوانف، ۱۳۹۱: ۷۰): این رفت، گل پنبه‌ی خود را برداشت.
- به جواهرات هیجِ اِمِتنو نکر، بالا بیومده / *ba javāherât hič emtenow nakar* (همانجا): به جواهرات اعتنا نکرد و بالا آمد.
- برفته اینجه یه اژدها بو / *berafta inje ya eždehâ bu* (همانجا): رفت این‌جا یک اژدها بود.
- او رف دتاریکو گو خو وادی کرده / *u raf datāriku gowe xo vādi kerdā* (همان: ۷۱): او رفت در تاریکی خر خود را پیدا کرد.
- پایین اومده از اسپ. پایین اومده لوی او بنشسته دی دتوی او یک عکس مای افتیده / *pāyin umadā az asp. pāyin umadā lawi ow benšastā. did* (همانجا): از اسب پایین آمد. پایین آمد و لب آب نشست، دید در آب تصویر یک ماه افتاده است.
- هرچه ای طرف بگشته او طرف می‌گشته دید نه امچی شخسه پیدا نیه / *harče* (همانجا): هرچه این طرف را گشت، آن طرف را گشت، دید نه! چنین شخصی پیدا نیست.
- دنبال خو وَرْدِشْتَه بُر / *dombâl xo vardešta bebor* (همان: ۷۲): دنبال خود برداشت و برد.
- از شهر خو روونه شده، سرگذشته رو ور بیابو / *az šāre xo ravunā šedā, sar* (همانجا): از شهر خود روانه شدند و سرگذاشتند رو به بیابان.
- اووخ دختر پادشا بیومده واته / *uvax doxtare pādešâ biyumadā vātā* (همان: ۷۶): آن وقت دختر پادشاه آمد پایین.
- پسر تاجر هم نخاسته که پین سر غذا / *pesare tājer ham naxâstā ke* (همان: ۷۷): پسر تاجر هم برنخواست که بیاید سر غذا.

- دختر ورخاس دست کچله بگرفته، دست پسر تاجرو بگرفته، اینو بیاورده پیش سینی
doxtar varxâs daste kačale begrefta, daste pesare tājero / *begrefta, ino biyâvorda piš sini*
 گرفت، دست پسر تاجر را هم گرفت، این‌ها را آورد پیش سینی.
- همی که نفس نداش وِرداشت و آورد، بیومده پیش پدر خو
hami ke nafas / *nadâš vardšto āvord, biyumadâ piš pedare xo*
 که نفس نداشت، برداشت و آمد پیش پدر خود.
- خود پرتو مکشیده / *xod pertow mekešidâ* (همان: ۸۰): خود را روی زمین انداخت.
- برفته ور سر خونه / *berafta varsar xunâ* (همانجا): رفت سر خانه (روی بام خانه).
- کاجی پخته خورده / *kāči poxta xordâ* (همانجا): کاجی را پخت و خورد.
- ای وخت آقای بز قهر کرده و گفت / *ivaxt âqâye boz qâr kerdâ vo goft*
 (همان: ۸۱): آن وقت آقای بز قهر کرد و گفت.
- ایر سلام کرده / *ir salâm kerdâ* (همان: ۷۰): به او سلام کرد.
- بعد از او که نونو پخته اور پن کرده / *bâd azu ke nunu poxta ur pân* / *kerdâ* (همانجا): بعد از آن که نان‌ها را پخت، آن‌ها را پهن کرد.
 در شواهد بالا روشن است که صفت مفعولی در جایگاه ماده‌ی ماضی قرار گرفته است.
 گاهی صفت مفعولی نوع دوم به جای فعل ماضی بعید نیز به کار می‌رفته:
- آخر که ای دختر لباس نداش. همش بکنده / *âxer ke idoxtar lebâs nadâš* / *hamaš bekandâ* (همان: ۷۲): آخر این دختر لباس نداشت، همه‌اش را کنده بود (درآورده بود).
- دیدن که پُسر کچله اوجا نشسته نشسته / *didan ke poser kačale nešassâ* / *nešassâ* (همان: ۷۷): دیدند که پسر کچل همانجا که نشسته بود، هم‌چنان نشسته است.

اما امروزه در گویش بیرجند صفت مفعولی به صورت بالا به کار نمی رود و کاربردهای آن به فارسی معیار نزدیک شده است.

۶-۲-۳- کاربرد فعل استمراری به جای فعل غیراستمراری

یکی دیگر از ویژگی های قابل توجه گویش قدیم بیرجند که نمی توان توجیه خاصی برای آن یافت، کاربرد فعل استمراری به جای فعل غیراستمراری است. متأسفانه شواهدی که از کاربرد فعل استمراری به جای غیر استمراری در پژوهش های ایوانف دیده می شود، به قدری محدود است که نمی توان بر مبنای آن تجزیه و تحلیل متقنی ارائه داد. تنها می توان گفت این نوع فعل استمراری در زمان های ماضی و مضارع و در وجه اخباری و انشایی دیده می شود. نمونه هایی از کاربرد فعل استمراری به جای غیراستمراری در گویش قدیم بیرجند در ادامه نقل می شود:

- دی که دِ اژدها ته چای می خوابه */di ke de eždehâ tahe čây mixâbə/* (همان: ۷۰): دید که دو اژدها ته چاه خواب هستند.
 - همو که دریچه ر دی لب او نشس، یک کمی او می خورده */hamu ke daryāčar/* */di labe ow nešas, yak kamē ow mexoredə* (همان: ۷۱): همان که دریچه را دید لب آب نشست کمی آب خورد.
 - هرچه ای طرف بگشته او طرف می گشته دید نه امچی شخصه پیدا نیه */harče/* */itaraf begaštə utaraf migaštə di na amči šaxsi peydâ niyə* (همانجا): هرچه این طرف را گشت، آن طرف را گشت، دید نه! چنین شخصی پیدا نیست.
 - خود پرتو مکشیده */xod pertow mekešidə/* (همان: ۸۰): خود را روی زمین انداخت.
 - قلیف اوش کر که کاچی میزه */qalefe aweš kar ke kâči mepazə/* (همانجا): دیگ را آب کرد که کاچی بپزد.
- مانند موارد قبل در این مورد نیز باید گفت امروزه اثری از کاربرد فعل استمراری به

جای غیراستمراری در گویش بیرجند دیده نمی‌شود و در این زمینه هم گویش بیرجند تحت تأثیر فارسی معیار وجه تمایز خود را از دست داده است.

۶-۲-۴- کاربرد شناسه‌ی مفرد برای فاعل جمع

درباره‌ی کاربرد ناهماهنگ شناسه و فاعل که در متون کهن دوره‌ی تکوین دیده می‌شود، اظهار نظرهای مختلفی شده است. بهار (۱۳۷۵، ج ۱: ۳۶۵-۳۶۶) در این مورد می‌نویسد: «ضمایر در عهد سامانیان و غزنویان قدری مشوش است و قاعده‌ی ثابتی ندارد. وی در ادامه در بخش "حذف ضمیر در متکلم مع‌الغیر" یک شاهد از تاریخ سیستان و شاهنامه را ذکر می‌کند: "مرا بایستی که او را زنده بدیدی" و "اگر من نرفتی به مازندران/ به گردن برآورده گرز گران" و آن‌ها را با این شاهد مقایسه می‌کند: "[کاشکی] من طاهر را بدیدی تا خدمتی کردم (تاریخ سیستان)". وی "افراد فعل معطوف به جمع مغایب": شتربانان از پس دیوار کلیسا فرود آمدند ... و برفت (بلعمی)، "حذف ضمیر از فعل معطوف به متکلم وحده": العود احمد برخواندم و روی به اتمام آن آورد (المعجم) و "آوردن ضمیر متکلم مع‌الغیر یا متکلم وحده به جای ضمیر مفرد یا جمع مغایب": حسین دانست و مردمان شارستان که با وی طاقت نداریم، صلح پیش گرفت (تاریخ سیستان) را نیز نمونه‌هایی از بی‌قاعدگی ضمایر می‌داند».

یکی از ویژگی‌های گویش قدیم بیرجند که بی‌شک ریشه در امکانات فارسی میانه و فارسی دوره‌ی تکوین داشته، کاربرد فعل مفرد برای فاعل جمع است. در نمونه‌هایی که ایوانف از گویش قدیم بیرجند جمع‌آوری کرده، شاهد این هستیم که در برخی موارد شناسه‌ی فعل مفرد، اما فاعل جمله دارای شمار جمع است. این عدم انطباق هم در فعل ماضی و هم در فعل مضارع دیده می‌شود. این احتمال وجود دارد که با توجه به وجود ساخت ارگاتیو در گویش بیرجند این ویژگی با ساخت ارگاتیو نیز مرتبط باشد. نمونه‌هایی از کاربرد فعل مفرد برای فاعل جمع در گویش قدیم بیرجند در ادامه نقل می‌شود:

- دی که د اژدها ته چای می‌خواهه / *di ke de eždehâ tahe čây mixâbæ*

- (ایوانف، ۱۳۹۱: ۷۰): دید که دو اژدها ته چاه خواب هستند.
- دو تا کشته شو. بعد اومه /*dotâ koštə šu. bād uma* (همان: ۷۹): دو نفرشان کشته شدند. بعد آمدند.
 - اووخ بچاش دی که پُدر خونه اومه /*uvax bačâš di ke poder xunə uma* (همان: ۷۹): آن وقت بچه‌هایش دیدند که پدر آمد.
 - د تا دختر وری گودال می‌رف /*detâ doxtar vari godâl mirafi* (همان: ۹۱): دو تا دختر از تپه پایین می‌رفتند.
 - دختر و توت ننگه /*doxtaru tut nanga* (همان: ۱۰۲): دخترها همگی بد هستند.

مانند موارد قبل در این مورد نیز باید گفت ویژگی نحوی کاربرد فعل مفرد برای فاعل جمع که در گویش قدیم بیرجند وجود داشته امروزه از بین رفته و تحت تأثیر فارسی معیار برای فاعل جمع، شناسه‌های جمع به کار می‌رود.

۶-۲-۵- تحول هم‌کرد در فعل مرکب

یکی از ویژگی‌هایی که موجب تمایز گویش‌های مختلف می‌شود، کاربرد هم‌کردهای مختلف در افعال مرکب است. برای مثال امروزه در فارسی معیار فعل "شکست" معمولاً هم‌کرد "خوردن/ دادن" می‌گیرد. اما در برخی از گویش‌ها با هم‌کرد "گرفت" به صورت "شکست گرفتن" نیز دیده می‌شود. البته هم‌کرد فعل‌های مرکب در طول زمان نیز تغییر می‌کند. برای مثال در متون کهن فعل مرکب "شکست افتادن" بسیار رایج بوده است، اما امروزه در فارسی معیار این فعل مرکب کاربرد ندارد. به علاوه در برخی از گویش‌های فارسی افعال مرکبی دیده می‌شود که در فارسی معیار به صورت ساده رایج است. برای مثال در گویش افغانی و تاجیکی فعل مرکب "پخته کردن" رایج است، اما در فارسی معیار فعل "پختن" به صورت بسیط رایج است.

یکی از ویژگی‌های گویش قدیم بیرجند نیز تفاوت هم‌کردهای آن با فارسی معیار است. به علاوه در این گویش مانند گویش افغانی گاهی فعل‌های مرکبی به کار می‌رود که در

فارسی به صورت بسیط رایج است. نمونه‌هایی از این افعال مرکب در پی نقل می‌شود.

- فروش کو */furuš ko/* (همان: ۷۶): بفروش
- پخته نمایوم */poxtā nemāyom/* (همان: ۷۷): پختن
- تکون کو */tekun ko/* (همان: ۷۰ و ۷۱): تکان کن (بده)
- پاره د */pārā de/* (همان: ۷۶): پاره ده (از دادن؟ و کردن) (همان: ۲۲۸)
- پر میایه */par miyāyā/* (همان: ۹۲): پر می‌آید (می‌زند)

اما در گویش امروز بیرجند اثری از این افعال مرکب دیده نمی‌شود. بنابراین مانند موارد قبل در این مورد نیز شاهد هستیم که گویش بیرجند افعال مرکب ویژه‌اش را به نفع فارسی معیار رها کرده است.

۶-۲-۶- کاربرد ضمایر متصل به صورت مستقل

امروزه در فارسی معیار ضمایر متصل در نقش مفعولی به صورت آزاد و مستقل در جمله به کار نمی‌روند، بلکه تنها به فعل متصل می‌شوند، مانند: نوشتَمِ ش، گشتِ ش. البته این ضمایر به حرف اضافه مانند: بهِ م گفت، ازِ ش گرفت، یا اسم مانند: کمرش شکست نیز افزوده می‌شوند؛ اما در دو صورت اخیر نقش مفعولی ندارند. اما در متون کهن فارسی نو ضمایر متصل در نقش مفعولی این قابلیت را داشته‌اند که به اجزای دیگر کلام نیز متصل شوند. در دوره‌ی میانه این ضمایر مفعولی به صورت مستقل نیز به کار می‌رفتند. یکی از ویژگی‌های نحوی گویش قدیم بیرجند نیز این بوده است که ضمایر متصل مفعولی آن می‌توانستند به صورت مستقل در جمله به کار روند که بی‌شک این ویژگی از دوره‌ی میانه در گویش بیرجند باقی مانده بوده است. نمونه‌هایی از کاربرد ضمایر متصل مفعولی در ادامه نقل می‌شود:

- اِش ببر */eš bebar/* (رضایی، ۱۳۴۴: ۶۴): این را ببر
- اِش بچیش */eš bečiš/* (همانجا): آن را بچوش.
- اِش بزه */eš beza/* (همانجا): آن را بزن

اما این نوع کاربرد ضمایر متصل در گویش امروز بیرجند دیده نمی‌شود، بلکه در گویش

امروز این شهر ضمائر متصل مانند فارسی نو معیار تنها به افعال افزوده می‌شوند.

۶-۳- معیارسازی واژگانی

یکی از سطوح گویش‌ها که معمولاً بیش از سطوح دیگر تحت تأثیر گویش‌های مجاور و گویش معیار قرار می‌گیرد، سطح واژگانی است. به عبارت دیگر، گویش‌های مختلف معمولاً به سادگی از گویش‌های مجاور خود واژه می‌گیرند. به این فرایند قرض‌گیری واژگانی^۱ می‌گویند. اما پی‌آیند این نوع قرض‌گیری معمولاً متروک شدن و مهجور شدن تعداد زیادی واژه در گویش قرض‌گیرنده است. زیرا تحت تأثیر این فرایند به جای واژگان خود از واژگان گویش دیگر استفاده می‌کند. البته عوامل دیگری نیز در متروک شدن واژگان گویش‌ها و زبان‌های مختلف دخیل هستند، مانند از بین رفتن مشاغل و ابزارهای سنتی، آداب و رسوم کهن و ورود فناوری و فرهنگ مدرن به جوامع قدیمی (باقری، ۱۳۹۰: ۲۰-۲۱). گویش بیرجند نیز از این قاعده مستثنی نیست. بسیاری از واژه‌های گویش قدیم بیرجند در دو قرن گذشته متروک شده و به فراموشی سپرده شده‌اند. در ادامه‌ی مقاله تعدادی از این واژگان نقل می‌شود:

- ساورکش /*sāvarkaš*/ (ایوانف، ۱۳۹۱: ۶۹): گردآورنده‌ی هیزم و گیاهان خشک صحرائی؛ اودنگه /*udanga*/ (همانجا): آن دم که، در آن هنگام که؛ وَهَن /*vahan*/ (همانجا): با هم؛ اشک /*aškē*/ (همانجا): کمی؛ نواچه /*navāčā*/ (همانجا): گلوله، دسته (در مورد پنبه به کار می‌رود؟)؛ هنجقی کردن /*hanjaqi kerdan*/ (همانجا): مدفوع کردن؛ امتنو کردن /*emteno kerdan*/ (همان: ۷۰): اعتنا کردن، توجه نشان دادن؛ جَلَدَکو جَلَدَکو /*jaldaku jaldaku*/ (همانجا): تند تند، سریع؛ تک کر /*tak kar*/ (همانجا): تکان داد؟ دوید؟ وَر رَزینه‌ی اول، رَزینه‌ی دِیم، رَزینه‌ی سِیم، رَزینه‌ی چارم /*var rāzinay avval, rāziney deym, rāziney soyom*/ (همانجا و ۷۱): اولاً، ثانیاً، ثالثاً، رابعاً؛ کَدَه /*kada*/ (همانجا): دیگر؛ از وست /*az vast*/ (همانجا): از بس؛ از وستکه /*az vasteke*/ (همان: ۷۲): از بس که؛ جشت

/ješt/ (همانجا و ۷۱ و ۷۹): زشت؛ نزدوک */nazduk/* (همان: ۷۱ و ۷۲): نزدیک؛
 الا */alâ/* (همانجا): همین‌که؛ پُسر */poser/* (مکرر) (همان: ۷۲ و ۷۵): پسر؛ بَدْهوی
 گشته */badohoy geštâ/* (همان: ۷۵): سرکار رفت؟ (همان: ۱۳۵)؛ آتش پک پَزو
/ošpekpazu/ (همان: ۷۶): آتش پزی و پخت و پز؛ شو */šo/* (همان: ۷۶): بود؛
 آمدن (همانجا): رفتن (از شهر خو روونه شده، سرگذشته رو ور بیابو. اووخت به
 همه جا بیومده بودن. بیومده بودن به یک شهری رسیدن *az šāre xo ravunâ*
šeda, sar gozašta ru var biyābu, uvaxt ba hama jā biyumadâ
budan. biyumadâ budan be yak šāri residan: از شهر خود روانه
 شدند و سرگذاشتند رو به بیابان. آن وقت به همه جا رفته بودند. رفته بودند و به
 یک شهری رسیده بودند)؛ وُخت */voxt/* (همان: ۷۷): وقت؛ سو */so/* (مکرر) (همان:
 ۷۷): سه (۳)؛ کوریک */kurik/* (همانجا): کور، نابینا؛ جُبله خوَنه */joblaxunâ/*
 (همانجا): محل نگهداری پارچه (همان: ۲۲۹)؛ شاخ کردن */šâx kerdan/* (همان:
 ۷۷): شعله‌ور کردن آتش؛ شومیدن */šumidan/* (همان: ۷۸): آشامیدن، نوشیدن؛
 دَخ */dax/* (همان: ۷۹): دَه (۱۰)؛ وِخش بیابو */vaxše biyābu/* (همان: ۹۰):
 وحش بیابان؛ خسته */xastâ/* (همان: ۱۰۸): هسته؛ اشکس داد */eškes dâd/*
 (همان: ۷۹): شکست داد؛ آیر */ayar/* (همانجا): اگر؛ مَیر */mayar/* (همان: ۹۲)
 -۹۳، ۱۰۳ و ۱۰۶): مگر؛ دَیر */diyar/* (همان: ۹۵): دیگر؛ پُدر */poder/* (همان:
 ۷۹): پدر؛ خور پرتو مِکشیده */xor pertow mekešidâ/* (همان: ۸۰): خود را
 روی زمین انداخت؛ آنگ */olang/* (همان: ۸۰): دشت و صحرا؛ الیسکی */aliski/*
 (همان: ۸۰): عریانی، لختی لیسک امروزه در گویش بیرجند تا حدی رواج دارد.
 ایوانف «آ» در آلیسک را برای زیبایی می‌داند (همان: ۲۹)؛ هُلگوک */holguk/*
 (همانجا): آهسته؛ آوا */âvâ/* (همانجا): آقا؛ تَوَال */tavâl/* (همان: ۸۸): تغار؛ چوبی
/čubi/ (همان: ۸۱): نوار حاشیه دوزی؛ هریده */haridâ/* (همان: ۸۸): آرد؛ ملوزه
/maluzâ/ (همان: ۹۳): کوچک؛ سرشور */saršur/* (۹۶): آتش گوشت؛ تهینه /
tahina (همانجا): ته مانده؛ هُقَاب */hoqâb/* (همان: ۹۷): عقاب؛ آمو */amu/*

(همان: ۹۷ و ۱۲۵): ناگهان؛ چُکمال /čokmâl/ (همان: ۹۷): سوت؛ ول /vol/ (همان: ۱۰۲ و ۱۲۳): گل؛ گُمبون /gombun/ (همان: ۱۰۲): کوهان شتر؛ زلورِه /zalurə/ (همان: ۱۰۴، ۱۰۷ و ۱۲۰): دردناک؛ شیوه کردن /šivə kerdan/ (همان: ۱۱۰): به پایین پرتاب کردن؛ شیوه شدن /šivə šedan/ (همان: ۱۲۴): فرو ریختن؛ قرقار /qarqâr/ (همان: ۱۱۱): نوعی نی؛ یو /yu/ (۲بار) (همان: ۱۱۲): اکنون؛ شِستن /šestan/ (همان: ۱۱۴): نشستن؛ فرنگی شدن /farangi/ (همان: ۱۲۶): رنگ پریده شدن؛ تیم /tim/ (همانجا): نوعی کلاه زنانه؛ آزار جگر /âzâr jegar/ (رضایی، ۱۳۴۴: ۶۱): بیماری سل؛ اَعْجَم /âjam/ (همان: ۶۲): مزبله؛ اُرک /ork/ (همان: ۶۵): از ابزارهای کشاورزی؛ بخود وَاذاذالَر /bexod/ (همان: ۶۷): تنبل؛ بَدَرُشُد /bedar šod/ (همانجا): مزبله؛ بُرینا /vadadalar/ (همان: ۶۹): ریخ، اسهال؛ بُلْقَه‌ی پَاو /bolqay pāyo/ (همان: ۶۹): گود عمیق پر آب؛ بَئش در بَئش /be'sh dar be'sh/ (همان: ۷۰): بیشتر؛ پَاتی /pāti/ (همان: ۷۰): کسی که سخنانش سر و ته ندارد؛ پَچَخ /pačax/ (همان: ۷۱): پهن؛ پَنَدَل /pandal/ (همان: ۷۳): اجتناب؛ تربتیب /tarbetib/ (همان: ۷۶): عیار؛ تَنَتَنو /tantenno/ (همان: ۷۸): کسی که از قرائت بهره‌ور نباشد؛ جِرَنُغوز /jorenquz/ (همان: ۸۰): کسی که با یک حرف از پا به در شود؛ چَرخی /čarxi/ (همان: ۸۳): مزبله؛ چَلیم /čelim/ (همانجا): قلیان؛ دَسَتَگردان /dasgardân/ (همان: ۸۸): از ابزارهای بافندگی؛ زُلَفی /zolfi/ (همان: ۹۲): زنجیر در؛ زَیتونی /zaytuni/ (همان: ۹۳): پر رنگ‌تر از آبی؛ سَرچَنگ /sarčeng/ (همان: ۹۴): با سرپنجه‌ی پا به کسی زدن؛ سَرَنگینو /sarangino/ (همان: ۹۵): گیج؛ سُکسُکو /soksoku/ (همانجا): آهسته‌گو؛ سَنگِ آو /sange aw/ (همانجا): فسان؛ سَنگ‌تار /sange tar/ (همانجا): بارش کم؛ شیلَه رو /šilaro/ (همان: ۹۹): باران وافر.

اغلب واژه‌هایی که نقل شد دیگر در گویش بیرجندی رواج ندارند. البته بخش‌هایی از برخی واژه‌ها هنوز در روستاهای دورافتاده به کار می‌رود. برخی از واژه‌ها نیز با نوعی تحول معنایی هنوز به کار می‌روند. برای مثال:

- چِهَرِگی /čehregi/ (همان: ۸۳): به معنای رنگ سرخ بوده و امروزه به معنای رنگ صورتی به کار می‌رود.
- چَپَت /čappat/ (همان: ۸۲): به معنای نعلین بوده و امروزه به معنی چارق به کار می‌رود.
- چَپَات /čappât/ (همان: ۸۲): به معنی سیلی بوده و امروزه به معنی کف پای شتر به کار می‌رود.
- خَرکُوس /xarkos/ (همان: ۸۶): به معنای کسی که بی‌هنجار سخن می‌گوید بوده و امروزه به معنی ابله و احمق است.
- خِشَّست /xeššast/ (همانجا): به معنای صدایی که از سایش پاچه‌های شلوار به یکدیگر برآید بوده و امروزه به معنی صدایی خش‌خش ناگهانی است.
- دِلِ دِلُو /deldelu/ (همان: ۸۹): به معنای کم‌حوصله بوده و امروزه به معنی مردد به کار می‌رود.
- سَرِبَسَر /sarbesar/ (همان: ۹۴): به معنای سراسر، تماماً بوده و امروزه به معنای برابر، مساوی به کار می‌رود.
- سِنُو /senaw/ (همان: ۹۵): به معنای خردل بوده و امروزه به معنی هر چیز ریز و کوچک به کار می‌رود.

۴-۶- معیارسازی صرفی

نسبت به بقیه‌ی سطوح زبانی سطح صرفی از مقاومت بیشتری برخوردار است. به عبارت دیگر، سطح صرفی زبان در مقابل معیارشدگی و تحولات دیگر بیش از سطح واژگانی مقاومت می‌کند، زیرا در این سطح زبان، بیشتر با پسوندها و امکانات صرفی و اشتقاقی زبان سر و کار داریم و از آن‌جا که پسوندها به‌ندرت از زبان یا گویش دیگر قرض گرفته می‌شوند، این سطح زبان کم‌تر دچار تحول می‌شود.

در گویش بیرجندی نیز همین شرایط صادق است. گویش قدیم بیرجند دارای تعداد زیادی پسوند بوده که آن را از نظر اشتقاقی بسیار غنی‌تر از فارسی معیار کرده بود.

بسیاری از این پسوندها (مانند: -وک، در ترسوک؛ -اک، در برّاک؛ -یک، در پختیک) در این گویش هنوز باقی مانده‌اند؛ گرچه نسل جدید در حال فراموش کردن آن‌هاست. اما برخی پسوندهای گویش قدیم بیرجند نیز دچار فراموشی شده و تحت تأثیر فارسی معیار دیگر به کار نمی‌رود. برای نمونه دو مورد از این پسوندها که در گویش قدیم بیرجند رواج داشته و امروزه به کار نمی‌رود در پی نقل می‌شود:

کاربرد ماده‌ی ماضی جعلی به جای ماده‌ی ماضی اصلی

امروزه در فارسی نو از ماده‌ی مضارع "افت-"، ماده‌ی اصلی "افتاد" به کار می‌رود.^۱ اما در گویش قدیم بیرجند به جای این ماده‌ی ماضی اصلی، ماده‌ی ماضی جعلی "افتید" به کار می‌رفته که از ماده‌ی مضارع و پسوند "-ید" ساخته شده است:

- افتید */oftid/* (مکرر) (همان: ۷۰ - ۷۱، ۷۷، ۱۰۵ و ۱۲۰): افتاد.

اما امروزه در گویش بیرجند تحت تأثیر گویش فارسی معیار ماده‌ی ماضی اصلی "افتاد" رواج یافته است.

"ی" استمراری در متون قدیم فارسی به فعل ماضی می‌پیوسته و از آن فعلی می‌ساخته که بر انجام یافتن کاری به طور عادت در گذشته دلالت می‌کرده است. این نوع ماضی را خانلری ماضی پیاپی نامیده است (ابوالقاسمی، ۱۳۸۱: ۲۴۴). لازار کاربرد این پسوند را مختص زمان ماضی نمی‌داند و می‌نویسد: در متون قرن چهار و پنج این پسوند بسیار رایج است و تنها به ماضی نمی‌چسبید، بلکه به مضارع نیز ملحق می‌شود و حتی با زمان‌های کامل (ماضی بعید و ماضی نقلی و ماضی التزامی) و فعل پسوندی -م، -ی، -ست و جز آن نیز به کار می‌رود (Lazard, 1963: 328). این پسوند در فارسی معیار امروزه جای خود را کلاً به پیشوند "می" داده است. اما در گویش قدیم بیرجند پسوند "ی" پسوندی رایج بوده است. در نمونه‌های ایوانف این پسوند تنها به فعل مضارع به کار رفته است:

- چشون شتر دور بیندی */čašune šotor dur binandi/* (ایوانف، ۱۳۹۱: ۸۷):
چشمان شتر دور را می‌بینند.

۱. برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به: منصوری، ۱۳۸۴: ۳۳.

- دندون شتر خار کنندى / *dandune šotor xâr kanandi* (همانجا): دندان‌های شتر خار را می‌کند
 امروزه در گویش بیرجند نیز این پسوند به کار نمی‌رود و تحت تأثیر فرایند معیارشدگی، جای خود را به "می" داده است.

نتیجه

با توجه به آنچه در مقاله آمد، روشن است که گویش بیرجند نیز مانند همه‌ی گویش‌های ایرانی دیگر به سرعت در حال معیارشدگی است و در نتیجه رو به نابودی می‌رود. اما تفاوتی که گویش بیرجند با بقیه‌ی گویش‌های ایرانی دارد این است که گویش بیرجند از نظر آوایی، صرفی و نحوی به فارسی معیار بسیار نزدیک است. تفاوت گویش بیرجند با زبان فارسی ادبی (و با زبان محاوره‌ای طبقات تحصیل کرده) ظاهراً کم‌تر از هر نوع فارسی گویشی دیگر است. مطابق نظریه‌ی ایوانف، گویش خراسان جنوبی از همان گویشی پدید آمده که زبان فارسی ادبی از آن تکامل یافته است. یا این که گویش خراسان جنوبی زبانی ترکیبی است که از ترکیب گویش‌های محلی تحت تأثیر سازمان نیافته‌ی فارسی محاوره‌ای، یعنی زبان محاوره‌ای بازاری شکل گرفته و متحول شده است. به هر حال، این گویش نیز مانند گویش‌های دیگر ایرانی به سرعت به سوی معیارشدگی پیش می‌رود. اما معیارشدگی گویش بیرجند در همه‌ی سطوح یکسان نیست؛ بلکه این معیارشدگی را می‌توان در سطوح زیر مشاهده کرد: واژگانی، نحوی، آوایی و صرفی. این نتیجه‌گیری براساس پیکره‌ی مورد بررسی نگارنده انجام شده که پیکره‌ای ناقص است؛ زیرا فرهنگ ملاعلی اشرف صبحی تنها شامل واژگان و تعدادی صرف فعل است. پیکره‌ی گردآوری شده‌ی ایوانف نیز بی‌تردید کم حجم‌تر از آن است که همه‌ی ویژگی‌های گویش قدیم بیرجند را در خود داشته باشد؛ به همین دلیل احتمال دارد که در صورت کامل‌تر بودن پیکره، نتیجه دیگری به دست می‌آمد. از این‌رو، در این بخش از مرتب کردن سطوح زبانی بر اساس بسامد تحولات خودداری شده است. اما بی‌تردید می‌توان گفت از میان سطوح زبانی و گویشی، واژگان بیش از

همه در معرض معیارشدگی قرار دارند. زیرا از دو قرن پیش تا امروز بسیاری از واژگان گویش بیرجند به فراموشی سپرده شده و متروک شده‌اند. از سوی دیگر، سطح صرفی کم‌ترین تمایل را نسبت به گویش معیار از خود نشان می‌دهد. ولی حتی در این سطح نیز پسوندها و پیشوندهای زیادی در معرض فراموشی قرار دارند و تحولات عمده‌یی در حال وقوع است، زیرا این گویش ویژگی‌هایی نظیر کاربرد ماده‌ی ماضی جعلی به‌جای ماده‌ی ماضی اصلی و کاربرد "ی" استمراری را از دست داده است. در میانه‌ی این بردار نیز سطح نحوی و سطح آوایی گویش بیرجندی قرار دارد. در سطح نحوی، گویش بیرجند با از دست دادن ویژگی‌های ارگاتیو، کاربرد صفت مفعولی نوع دوم به‌جای ماده‌ی ماضی، کاربرد فعل استمراری به جای فعل غیراستمراری، کاربرد شناسه‌ی مفرد برای فاعل جمع و جز آن به‌سوی گویش معیار بسیار نزدیک شده است. در این سطح آوایی نیز تحولاتی مانند تحول همزه‌ی آغازی به h ، تحول e به $\hat{a}$ و تحول $\bar{e}$ به u رخ داده و گویش بیرجند را به گویش معیار نزدیک کرده است.

منابع

- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۸۱). *دستور تاریخی زبان فارسی*. تهران: سازمان تهیه و تدوین کتب علوم‌انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- ارانسکی، یوسف میخائیلوویچ (۱۳۵۸). *مقدمه فقه‌اللغه / ایرانی*. ترجمه کریم کشاورز. تهران: پیام.
- ایوانف، ولادیمیر الکسی ویچ (۱۳۹۱). *فارسی در گویش بیرجند*. ترجمه محمود رفیعی. تهران: هیرمند.
- باقری، مهری (۱۳۹۰). *تاریخ زبان فارسی*. تهران: قطره.
- بایبوردی، چنگیز (۱۳۷۰). *زندگی و آثار نزاری*. ترجمه مهناز صدری. به اهتمام محمود رفیعی. تهران: علمی.
- بهار، محمدتقی (۱۳۷۵). *سبک‌شناسی*. تهران: امیرکبیر.
- خزاعی نژاد، ماهرخ (۱۳۷۴). "بررسی و توصیف گویش روستای گزیک از توابع

- شهرستان بیرجند". پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- داد، سیما (۱۳۸۳). فرهنگ/اصطلاحات/دبی. تهران: مروارید.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۸۷). "زبان، گونه، گویش و لهجه: کاربردهای بومی و جهانی". ادب پژوهی، سال دوم، ش ۵ (تابستان و پاییز): ۱۷-۵۹.
- دری گیو، مرجان (۱۳۹۰). "تغییرات ساخت‌واژی، صرفی، نحوی و معنایی در گویش گیو". پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند.
- راستارگویوا، و. س. (۱۳۷۹). دستور زبان فارسی میانه. ترجمه ولی‌الله شادان. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- راشد محصل، محمدتقی (۱۳۷۷). "گویش بیرجندی". جهان کتاب، سال سوم، ش ۱۹ و ۲۰ (آبان): ۴۹-۷۲.
- رضایی باغبیدی، حسن (۱۳۸۸). تاریخ زبان‌های ایران. تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- رضایی، جمال (۱۳۴۴). گویش بیرجند (بخش نخست: فرهنگ ملاعلی اشرف صبوچی). تهران: دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳۷۳). واژه‌نامه‌ی گویش بیرجند. تهران: هیرمند.
- _____ (۱۳۸۰). بررسی گویش بیرجند. تهران: هیرمند.
- _____ (۱۳۸۱). بیرجندنامه. تهران: هیرمند.
- شیر، علی اکبر (۱۳۸۶). درآمدی بر گویش‌شناسی. تهران: مازیار.
- صادقی، علی اشرف (۱۳۵۷). تکوین زبان فارسی. تهران: دانشگاه آزاد ایران.
- صدیقیان، مهین‌دخت (۱۳۸۳). ویژگی‌های نحوی زبان فارسی در نثر قرن پنجم و ششم. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- قریب، بدرالزمان (۱۳۸۳). "سرمقاله". مجله گویش‌شناسی، ضمیمه‌نامه فرهنگستان، ج اول، ش دوم، (بهمن): ۲-۵.

- کیا، صادق (۱۳۴۰). *راهنمای گردآوری گویش‌ها*. تهران: اداره فرهنگ عامه.
- منصوری، یدالله (۱۳۸۴). *بررسی ریشه‌شناختی فعل‌های زبان پهلوی (فارسی میانه زردشتی)*. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۸۶). *زبان‌شناسی و زبان فارسی*. تهران: توس.
- ناصحی، احسان (۱۳۹۲). "بررسی و توصیف دستوری- آوایی گویش آبیز". پایان نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند.
- نوروزی، حامد (۱۳۹۲). "تحول ساخت‌کنایی در فارسی نو". *مجله دستور، ویژه‌نامه‌ی نامه‌ی فرهنگستان*، سال سوم، ش ۸ (زمستان): ۱۷-۶۷.
- نوروزی، حامد؛ قربانی جویباری، کلثوم (۱۳۹۲). "بررسی تاریخی برخی تحولات آوایی رایج در فارسی خراسان جنوبی". *فصلنامه مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان*، سال هفتم، ش ۳ (بهار): ۱۴۱-۱۷۲.
- Dabir-Moghaddam, M. (2012). "Linguistic Typology: An Iranian Perspective". *Journal of Universal Language*, Vol. 13, - No. 1: 31-70.
- Lazard, G. (1963). *La Langue des Plus Anciens Monuments de La Prose Persane*. paris: librairie c. klincksieck.

بررسی علل مهاجرت خاندان موسی‌الکاظم (ع)

به ایران و خراسان و آثار و برکات آن

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱/۲۵

محمدصادق واحدی فرد^۱

فاطمه گلی^۲

چکیده

یکی از قطب‌های فرهنگی و معنوی که همواره در درازنای سده‌های اسلامی برای مردم ایران به عنوان نماد دلدادگی به اهل بیت (ع) مورد توجه شیعیان قرار گرفته مقبره‌های فرزندان و نوادگان امامان تشیع است. ایران به‌عنوان پناهگاه نسبتاً امن برای شیعیان و بستری مناسب برای ترویج، رشد و اعتلای شیعه بوده است. فرزندان امام موسی‌الکاظم (ع) یکی از پرشمارترین مهاجران به سرزمین‌های ایران در دوره حاکمیت عباسیان است. این مقاله بر آن است تا با بررسی تحلیلی منابع تاریخی، به علل مهاجرت اولاد این حضرت و آثار و برکات آن بپردازد. بررسی علل مهاجرت سادات موسوی به ایران تا اندازه‌ای حکایت‌کننده وضعیت دوره سخت امام (ع) و آشکارسازی اوضاع زمانه آن حضرت است، و از طرفی تحولات دستگاه عباسیان در رویکردشان به اهل‌بیت را نشان می‌دهد. نگارندگان می‌کوشند در پی بررسی علل مهاجرت، میزان موفقیت این مهاجران در دستیابی به اهدافشان را بنمایانند و بخش اندکی از اوضاع اجتماعی، فرهنگی و مذهبی ایران آن دوران را تبیین نمایند. از بررسی شواهد ارائه شده در این نوشتار می‌توان دریافت که از جمله علل مهاجرت خاندان موسی‌الکاظم (ع) به ایران، محبوبیت ایشان در میان مردم و دور بودن این دیار علی‌الخصوص خراسان از مرکز خلافت، ظلم و ستم‌های خلفای عباسی در حق ایشان و ... بوده است که حضور آنان باعث گسترش تشیع و حوزه

های علمیه و تربیت عالمان بسیاری در ایران شد. وازگان کلیدی: خاندان موسی الکاظم (ع)، مهاجرت شیعیان، ایران، حاکمیت عباسی، خراسان

مقدمه

در پی انقلابات و جنگ‌های خونینی که بر اثر بیدادگری‌ها و بدرفتاری‌های بنی امیه در جای جای کشورهای اسلامی ادامه داشت، دعوتی نیز به نام اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم در ناحیه خراسان پیدا شد. این نهضت و انقلاب، اگر چه از تبلیغات عمیق شیعه سرچشمه می‌گرفت، اما بنا به دستور مستقیم یا اشاره پیشوایان شیعه نبود. بالاخره عباسیان به نام اهل بیت علیهم‌السلام خلافت را به دست گرفتند و در آغاز کار به علویان روی خوش نشان دادند و حتی به نام انتقام خون شهدای علویان، بنی‌امیه را قتل عام کردند. اما دیری نگذشت که شیوه ظالمانه بنی‌امیه را پیش گرفتند (طباطبایی، ۱۳۶۱: ۲۷۲ - ۲۷۶).

فشار سیاسی عباسیان از دوره‌ای آغاز شد که پیش از آن امام باقر و امام صادق علیهم السلام با تربیت شاگردان فراوان، بنیه علمی و حدیثی شیعه را تقویت کرده بودند و حرکت عظیمی را در میان شیعه به وجود آورده بودند. طبعاً عباسیان نمی‌توانستند تشکلی به نام شیعه را با رهبری امام کاظم (ع) بپذیرند. این مهم‌ترین عاملی بود که آنان را وادار کرد تا امام (ع) و علویان را تحت فشار قرار دهند (جعفریان، ۱۳۸۷: ۳۸۴ - ۳۸۵).

به همین دلیل، مهاجران موسوی مجبور شدند به پیروی از جد بزرگوارشان پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم و پیروانشان که به دلایل سیاسی - اجتماعی از مکه به مدینه هجرت نمودند، از موطن عربی خود، به مناطقی که از مرکز حکومت دور بود، مهاجرت کنند و یا مخفیانه به زندگی خود ادامه دهند (حر، ۱۳۸۶: ۱۵۰). همان‌گونه که در قرآن کریم به آن اشاره شده است: «... فالذین هاجروا و اخرجوا من دیارهم و اودوا فی سبیلی و قاتلوا و قتلوا لاکفرن عنهم سیئاتهم و لادخلنهم جنات تجری من

تحتهاالانهار ثوبا من عندالله» (قرآن، آل عمران: ۱۹۵) ... لذا کسانی که در راه خدا هجرت کردند و از خانه‌های خود بیرون رانده شدند و در راه من آزار دیدند و جنگ کردند و کشته شدند، به یقین گناهانشان را می‌بخشم و آن‌ها را در باغ‌های بهشتی، که از پای درختانش نهرها جاری است، وارد می‌کنم. این پاداشی است از طرف خداوند و بهترین پاداش‌ها نزد خداست».

این مقاله بر آن است تا با بررسی تحلیلی منابع تاریخی، به علل مهاجرت خاندان موسی‌الکاظم (ع) به ایران در زمان خلفای اول عباسی بپردازد. در واقع، این سؤال به ذهن متبادر می‌شود که چرا تعداد فراوانی امام‌زاده منسوب به فرزندان امام موسی‌کاظم (ع) در شهرهای مختلف ایران، از جمله خراسان، فارس، قم، کاشان، اصفهان و ... وجود دارد و علت این مهاجرت‌ها چه بوده است. انگیزه این پرسش سبب شد تا نگارندگان پیشینه موضوع را بیشتر واری واری نمایند:

در پژوهشی با عنوان بازکاوی شخصیت حسین بن موسی‌الکاظم (ع) در تاریخ تشیع که توسط عرفانیان و حسینی (۱۳۹۳) انجام شده است، به آثار و برکات هجرت فرزندان موسی بن جعفر (ع) به ایران اشاره شده است. در این مقاله آمده است هجرت ایشان گونه و مجاهدانه حضرت حسین بن موسی (ع) به همراه برادران خود به خصوص حضرت شاهچراغ را می‌توان نقطه عطف بزرگی در تاریخ اسلام و ایران دانست که این هجرت موجب گسترش تشیع و هم‌چنین انسجام و وحدت جامعه مسلمین شد...

در کتابی با عنوان "مهاجران موسوی؛ بررسی علمی زندگانی فرزندان و نوادگان حضرت امام موسی (ع) و علل مهاجرت آن‌ها به ایران" که توسط عرفان‌منش (۱۳۹۱) به رشته تحریر در آمده است، و در آن بر اساس مستندات روشمند تاریخی به بررسی زندگانی فرزندان و نوادگان امام موسی‌الکاظم (ع) پرداخته است. از موضوعاتی که در این اثر مورد بررسی قرار گرفته، بحث درباره علل اختلاف در تعداد و اسامی فرزندان امام موسی‌الکاظم (ع) و تعدد مزارات و مراقب منسوب به فرزندان بلافصل ایشان در ایران، هم‌چنین نحوه مهاجرت به ایران، شهادت، نسب و مدفن آنان را به دور از پندارهای غلط و برخی جعلیات تاریخی که با افسانه‌سازی و داستان‌پردازی آمیخته است، باز نماید و سلسله

انساب امامزادگان عالی قدر را تا آن جا که مورد تأیید نسب شناسان و منابع معتبر تاریخی می باشد، معرفی نماید. با وجود این نگارنده در صدد ارائه جمع بندی منسجمی از اقوال مطرح می باشد...

مختصری از شرح حال امام موسی بن جعفر (ع) و فرزندان ایشان

امام موسی بن جعفر (ع) در سال ۱۲۸ هجری قمری پا به عرصه گیتی نهاد. با منصور، مهدی، هادی و هارون از خلفای عباسی معاصر بود و در عهد بسیار تاریک و دشوار، با تقیه سخت زندگی می کرد. هارون امام را از مدینه به بصره و از بصره به بغداد برد و سال ها از زندانی به زندانی دیگر منتقل کرد (طباطبایی، ۱۳۶۱: ۱۴۱-۱۴۲).

امام شخصاً بر امور اجرایی و تحولات امت اسلامی نظارت داشت تا آن جا که جعفر بن محمد بن اشعث یکی از وزرای هارون از پیروان امام محسوب می شد. ایشان نیز یکی از امامانی بود (مدرسی، ۱۳۶۹: ۱۸۳، ۱۹۳) که به شهادت رسید. در این باره روایتی که بیش از همه شهرت دارد، مسموم ساختن امام است. تاریخ شهادت امام بنا به نقل شیخ صدوق ۲۵ رجب ۱۸۳ ق. بنا به نقل شیخ مفید ۲۴ رجب و در نقل مستوفی، روز جمعه ۱۴ صفر بوده است (جعفریان، ۱۳۸۷: ۴۰۵).

در منتهی الآمال در مورد تعداد فرزندان و اولاد ایشان آمده است: «بدان که در عدد اولاد حضرت موسی بن جعفر (ع) اختلاف است: ابن شهر آشوب گفته اولاد آن حضرت فقط سی نفر است، و صاحب عمدة الطالب گفته که از برای آن حضرت شصت اولاد بوده، سی و هفت دختر و بیست و سه پسر و شیخ مفید (ره) فرموده که آن ها سی و هفت نفر می باشند، هجده تن ذکور و نوزده تن اناث و اسامی ایشان بدین طریق است:

حضرت علی بن موسی الرضا (ع)، ابراهیم، عباس، قاسم، اسماعیل، جعفر، هارون، حسن، احمد، محمد، حمزه، عبدالله، اسحق، عبیدالله، زید، حسین، فضل، سلیمان، فاطمه کبری، فاطمه صغری، رقیه، حکیمه و ام ابیها، رقیه صغری، کلثوم، ام جعفر، لبانه، زینب، خدیجه، علیه، آمنه، حسنه، بریهه، عائشه (عباسه)، ام سلمه، میمونه و ام کلثوم» (شیخ قمی، ۱۳۸۰ ق.، ج ۲: ۲۲۳).

برخی از ایشان به ایران و از جمله خراسان مهاجرت کردند که در ذیل به بررسی وقایع آنان پرداخته می‌شود:

علی بن موسی‌الرضا (ع)

بنا به گفته شیخ صدوق تولد آن حضرت در روز پنج‌شنبه یازدهم ربیع الاول سال ۱۵۳ق. در شهر مدینه است. مادر گرامی آن حضرت زنی خردمند و عفیف و ایرانی تبار به نام نجمه و یا خیزران بود که کنیه‌اش ام‌البنین است (شیخ صدوق، بی‌تا، ج ۱: ۱۷ و ۱۸). برخی از القاب امام رضا (ع) عبارتند از: رضا، صابر، زکی، ولی (عرفان‌منش، ۱۳۹۱: ۳۸۹). روی انگشتی آن حضرت عبارت «ماشاءالله و لا حول و لا قوة الا بالله» نقش بسته بود (جعفریان، ۱۳۸۷: ۴۲۶). بنا بر قول معتبر آن حضرت دو فرزند یکی دختر و دیگری پسر داشته‌اند و یا اگر ایشان دارای فرزندی بوده‌اند در زمان حیات امام (ع) رحلت کرده‌اند و از آن‌ها به جز حضرت جواد (ع) نسلی باقی نمانده است (عرفان‌منش، ۱۳۹۱: ۳۹۲). در مورد حوادث سیاسی دوران امام رضا (ع)، در صفحات بعدی به تفصیل توضیحاتی آمده است.

احمد بن موسی (ع)

متأسفانه در منابع، زمان دقیقی برای قیام احمد بن موسی ثبت نشده و طبق گزارشات تاریخی دو مقطع کاملاً متفاوت بیان شده؛ بنا به قول اول بین سال‌های ۲۰۱ تا ۲۰۳ق. یعنی از زمان پذیرش ولایتعهدی تا قبل از صفر ۲۰۳ق. که شهادت امام رضا (ع) است و قول دوم بین سال‌های ۲۰۳ تا ۲۱۸ محسوب می‌شود، یعنی بعد از شهادت امام رضا (ع) تا سال ۲۱۸ که تاریخ وفات مأمون خلیفه عباسی است (همان: ۱۱۳).

به نظر می‌رسد قیام احمد بن موسی زمانی آغاز شد که وی از تغییر سیاست‌های ظاهری مأمون نسبت به امام و علویان آگاه شد. زمانی که مأمون دریافت طرح ولایتعهدی علی بن موسی همانند تیغ دو دم است که یک دم آن ضربه‌گیر برای خنثی کردن قیام علویان و دم دیگر آن ضربه‌زننده است و اساس خلافت عباسیان را بر هم می‌زند. در

نتیجه، او به‌رغم کیاستی که داشت هنگامی که متوجه شد اهداف او در این ماجرا با شکست مواجه شده، تصمیم گرفت مواضع خود را به‌تدریج تغییر دهد. اولین نشانه این تغییر قتل فضل بن سهل - که با سیاست‌های جاه‌طلبانه خود کوشیده بود او را از حوادث بغداد دور سازد - در حمام سرخس بود. مأمون از بیم افشای سیاست نوین خود دستور داد مجریان قتل را که از غلامان و خدم و حشم خودش بودند، گردن زدند. گام بعدی مسموم و به شهادت رساندن امام رضا (ع) بود. طبقاً این تحولات سبب خشنودی و خرسندی عباسیان بغداد شد. از این‌رو، احمد بن موسی برای حمایت و یاری امام قیام خود را آغاز کرد و از راه بصره، اهواز (سوق الاهواز) و فارس عازم خراسان شد، که این حرکت ایشان باعث وحشت مأمون گردید. مخصوصاً هنگامی که اطلاع یافت کاروان احمد بن موسی (ع) از هر دیاری که می‌گذرد، جمع کثیری از شیعیان و علویان به آن می‌پیوندند. بنابراین دستور داد از عزیمت کاروان جلوگیری کنند و برادران امام (ع) را به قتل برسانند. در نزدیکی شیراز خبر شهادت امام رضا (ع) منتشر شد (همان: ۱۱۶-۱۱۷).

احمد بن موسی (ع) در دو فرسنگی شیراز با قتلغ خان از حکام و عمال مأمون روبه‌رو شد. در این نبرد عده‌ای از امامزادگان و اصحاب احمد بن موسی مجروح و تعدادی قریب به ۳۰۰ نفر به شهادت رسیدند و عده‌ای که در اطراف پراکنده شدند، در شهرهای فارس متفرق شدند. احمد بن موسی نیز مدتی به زندگی مخفیانه روی آورد که پس از مدتی شناسایی شد و پس از پایداری شجاعانه در برابر دشمن، به شهادت رسید. بدن مطهرش در شیراز که هم‌اکنون مرقد و بارگاه اوست مدفون شد (همان: ۱۱۴-۱۱۵، ۱۳۲-۱۳۷).

حمزه بن موسی (ع)

ایشان به همراه برادرش امام رضا (ع) به خراسان سفر کرد، و همواره در انجام اوامر و فرامین امام (ع) کوشا و در خدمت ایشان بوده است. هنگامی که به "سوسعد" یکی از روستاهای "ترتسبتر" رسیدند، گروهی از پیروان مأمون او را دیدند و به قتل رساندند

۱. احتمالاً تستر، همان شوشتر باشد که از شهرهای خوزستان و به بستان که مدفن وی در آن‌جا است نزدیک است.

و آرامگاهش در بستان می‌باشد. از او دو پسر به نام‌های علی و ابومحمد قاسم که نسب سادات صفویه به او می‌رسد، باقی ماند. هم‌چنین بقعه‌هایی منسوب به وی در ری، نزدیک قبر حضرت عبدالعظیم (ع) و قم وجود دارد (شریف قریشی، ۱۳۶۹: ۴۸۰).

زید بن موسی (ع)

تمام نویسندگان در شرح حال زید می‌نویسند که او به همراه ابوالسرایا قیام کرد و از طرف او، والی بصره شد. هنگامی که زید در بصره شورش کرد، مأمون حسن بن سهل را برای سرکوبی شورش او فرستاد که حسن او را دستگیر کرد و به مرو فرستاد و مأمون نیز به احترام امام رضا (ع) او را بخشید (همان: ۴۸۱، ۴۸۳). بنا به گفته شیخ قمی (۱۳۸۰ق، ج ۲: ۲۴۱) او را زیدالنار می‌نامیدند، زیرا در زمان ابوالسرایا که طالبیین خروج کردند، زید به بصره رفت و خانه‌های بنی عباس را در بصره به آتش کشید. این کار زید بر حضرت رضا (ع) گران آمد و او را توبیخ و نکوهش بسیار فرمود.

در مورد تاریخ وفات زید بین مورخان اختلاف نظر وجود دارد. بعضی گفته‌اند که او در زمان مأمون و توسط او مسموم شد و از دنیا رفت و بعضی گفته‌اند که او تا آخر حکومت متوکل زنده بود و در سامرا از دنیا رفت و برخی از مورخان گفته‌اند که او در زمان مستعین از دنیا رفته است. اما طبق نوشته شریف قریشی قبر زید بنا به قول اول در "صلهد" یکی از روستاهای اصفهان است، (شریف قریشی، ۱۳۶۹: ۴۸۵) هم‌چنین بر اساس نوشته آیتی (۱۳۷۱: ۱۲۹) بقعه‌ای به نام او در روستای آفریز شهرستان قاین وجود دارد.

فاطمه بنت موسی علیهاالسلام

فاطمه معصومه سلام‌الله علیها، دختر امام موسی‌الکاظم (ع)، از بانوان دانشمند و راوی حدیث بود، وی در دهم ربیع‌الثانی سال ۲۰۱ق. که حضرت علی بن موسی الرضا (ع) به مرو عزیمت کردند جهت دیدار برادرش وارد ایران شد. در برخی از منابع نقل شده که امام رضا (ع) نامه‌ای خطاب به حضرت معصومه علیهاالسلام نوشته و به مدینه ارسال

نمود. حضرت معصومه به محض دریافت نامه و اطلاع از مضمون آن، راهی سفری طولانی از مدینه به سوی مرو شدند. ایشان به همراه کاروانی که از مدینه به سمت مرو در حرکت بود و بنا به گفته شیخ مفید به طور ناشناس سفر خود را آغاز کردند (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۲۴۶؛ عرفان‌منش، ۱۳۹۱: ۵۳۲ - ۵۴۱).

حضرت معصومه سلام‌الله علیها، ابتدا وارد ساوه شد و چون در این دیار بیمار شد پرسید: از این مکان تا به قم چقدر مسافت است؟ عرض کردند ده فرسنگ راه است. وی فرمان داد که او را از ساوه به جانب قم حرکت دهند. ایشان پس از عبور از شهر ساوه ابتدا وارد آوه شده و از آن‌جا به قم مشرف شدند. به گفته مؤلف تاریخ قم، هنگامی که خبر ورود حضرت فاطمه معصومه سلام‌الله علیها به گوش اهالی قم رسید، بزرگان قم و در رأس آن‌ها موسی بن خزرج بن سعد اشعری به استقبال حضرت معصومه سلام‌الله علیها شتافتند و او را به قم آوردند. سرانجام آن حضرت در خانه وی اقامت کرد تا هفده روز بعد که در اثر بیماری به جوار حق پیوست (عرفان‌منش، ۱۳۹۱: ۵۷۱، ۵۷۵). هم اکنون بارگاه ملکوتی مرقد مطهر حضرت معصومه علیها‌السلام در محله بابلان قم - که ایشان را در آن‌جا دفن کرده بودند - همواره مرکز شیفتگان رسالت و زائران بسیار از نقاط مختلف کشور و خارج از کشور می‌باشد.

«از سخنان امام کاظم (ع) است: قم عش آل محمد و مأوی شیعتهم؛ قم آشیانه آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم و پناهگاه شیعیان آل محمد است» (شیخ قمی، ۱۳۷۶، ج ۲: ۴۴۶؛ محمدی اشتهاردی، ۱۳۷۷: ۶۶۸ - ۶۶۹).

گزارش‌های معتبر چندانی از هجرت سایر دختران امام موسی کاظم (ع) در دست نیست. با این وجود در ایران مزارهای زیادی منسوب به آن‌ها وجود دارد. به عنوان مثال: مزار آمنه‌خاتون در قزوین، مزار بی‌بی حکیمه در شهرکرد، آرامگاه خدیجه‌خاتون در هفت تن قم، بقعه رقیه‌خاتون در لنج‌رود، مزار زینب‌خاتون در قهستان، مزار زبیده‌خاتون در همدان، آرامگاه سکینه‌خاتون در قزوین، مزار فاطمه‌خاتون در یزد و ... هم‌چنین از اسامی دختران منسوب به آن حضرت سخن به میان آمده که هیچ‌کدام از علمای انساب چنین فرزندی را برای آن حضرت قایل نشده‌اند (عرفان‌منش، ۱۳۹۱: ۴۹).

نقش خلفای عباسی در مهاجرت خاندان امام موسی‌الکاظم (ع) به ایران عصر ابوجعفر منصور

ابوجعفر منصور عبدالله بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب اساس حکومت خود را بر پیکر خویشان و بزرگان قوم و کسانی که با زور و قدرت و به نیروی شمشیر، خاندان عباسی را به قدرت رسانده بودند استوار کرد (ابراهیم حسن، ۱۳۶۶: ۵۰). منصور مردی ستمگر و خون‌ریز و سنگدل بود (پیشوایی، ۱۳۹۱: ۴۰۲). او برای تثبیت حکومت خود از هیچ کاری دریغ نکرد و هر کس که بنای مخالفت با او را داشت، سرکوب کرده یا به قتل می‌رساند (حیدری‌آقایی و دیگران، ۱۳۸۵: ۲۶۰). به‌طوری که بعد از مرگش محلی مملو از جنازه‌های علویان پیدا شد که در میان آنان پیر و جوان و کودک به چشم می‌خورد که نام هر کدام به گوششان آویزان بود. این نمونه‌ای از ددمنشی این پادشاه عباسی بود (حسینیان، ۱۳۹۰: ۱۴۸).

امام کاظم (ع) در طول دوران ده ساله آغازین امامتش که با منصور معاصر بود، بیشتر به برگزاری جلسات علمی و پرسش و پاسخ برای شیعیان مبادرت ورزید؛ زیرا پس از دوران منصور و مهدی عباسی، ایشان در حبس و مورد فشار و آزار حکومت عباسی قرار داشت و طبعاً فرصتی برای برگزاری این‌گونه جلسات و فعالیت‌ها نبود (حیدری‌آقایی و دیگران، ۱۳۸۵: ۲۶۰).

عصر ابوعبدالله مهدی

ابوعبدالله محمد ملقب به المهدی بنا بر وصیت پدر در سال ۱۵۸ ق. به خلافت رسید (خضری، ۱۳۷۸: ۴۴). او ابتدای کارش را با اعمال شایسته‌ای چون آزاد کردن همگان از زندان، بازگرداندن اموال ضبط شده توسط پدرش به صاحبان آن‌ها و تقسیم بیت‌المال بین مردم آغاز کرد (یعقوبی، ۱۳۵۶: ۳۹۴) ولی چیزی نگذشت که با روی آوردن به خوشگذرانی و زیاده‌روی در آن، بی‌لیاقتی خود را به اثبات رساند و بر مردم و علویان بسیار سخت گرفت (حیدری‌آقایی و دیگران، ۱۳۸۵: ۲۶۱).

مهدی نیز مثل منصور از هرگونه سخت‌گیری و فشار نسبت به بنی‌هاشم فروگذاری

نمی‌کرد و حتی گاهی بیش از منصور خشونت نشان می‌داد. مهدی که همواره علویان را برای حکومت خود خطرناک می‌دانست، در صدد کوبیدن هر جنبشی بود که از طرف آنان رهبری می‌شد (پیشوایی، ۱۳۹۱: ۴۳۸). مهدی نخستین کسی بود که امام کاظم (ع) را به بغداد فراخواند و به زندان سپرد، ولی چندی بعد به دنبال یک رؤیا ایشان را آزاد کرد (خطیب بغدادی، بی‌تا، ج ۱۳: ۳۱؛ حیدری‌آقایی و دیگران، ۱۳۸۵: ۲۶۱).

عصر هادی عباسی

پس از مهدی پسرش موسی بن محمد هادی جانشین وی شد. موسی سنگدل، تندخوی، سرسخت و در عین حال ادیب و ادب دوست و نیرومند و دلیر و بخشنده بود (مسعودی، ۱۳۴۴: ۳۲۹-۳۳۰). مدت کوتاه خلافت او در تاریخ اسلام به عنوان یک سال بحرانی و تاریک و پر تنش و غم‌انگیز معرفی شده است. عاملی که بیش از هر چیز به نارضایتی و خشم مردم دامن می‌زد، سختگیری‌های هادی نسبت به بنی‌هاشم و فرزندان علی (ع) بود. او از آغاز خلافت، سادات و علویان را زیر فشار طاقت‌فرسا قرار داد (پیشوایی، ۱۳۹۱: ۴۴۰، ۴۴۲) و شکنجه‌های روحی و جسمی و تحقیر علویان در زمان او به اوج خود رسید (عرفان‌منش، ۱۳۹۱: ۴۰۱). هادی حق علویان را که از زمان خلافت مهدی از بیت‌المال پرداخت می‌شد، قطع کرد و با تعقیب مدام آنان، رعب و وحشت شدیدی در میان آنان به وجود آورد و دستور داد آنان را در مناطق مختلف بازداشت نموده، روانه بغداد کردند (پیشوایی، ۱۳۹۱: ۴۴۲).

در آغاز خلافت هادی، علویان منطقه حجاز به پیشوایی حسین بن علی بن حسن بن حسن بن علی (ع) قیام کردند. حسین در ذی‌القعدة ۱۶۹ق. در مدینه مردم را به امامت خود فرا خواند. بنا به گفته یعقوبی، زمینه‌ساز اصلی قیام حسین همان‌طور که گفته شد ظلم و تعدی هادی بر علویان و قطع مستمری آنان بود؛ (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲: ۴۰۴) اما به گفته گروهی دیگر، حسین مدت‌ها پیش از آن در صدد به دست آوردن خلافت بود؛ زیرا آن را حق خاندان علوی می‌دانست، تا آن‌که هادی زمینه این کار را فراهم ساخت. وی در مدت ۱۱ روز مدینه را به متصرف شد، زندانیان را آزاد کرد و عاملان عباسی را به زندان

افکند؛ آن‌گاه به سوی مکه رفت و در شش میلی آن‌جا در محلی به نام فح با سپاه عظیم عباسی روبه‌رو شد. با آن‌که حسین و یارانش در نبرد سخت پایداری کردند، نیروهایشان در هم شکست و سرانجام حسین و گروه بسیاری از پیروانش به قتل رسیدند. علویان این فاجعه را پس از واقعه هولناک کربلا غمناک‌ترین حادثه تاریخ به شمار آورده‌اند و در سوگ شهیدان آن قیام، مرثیه‌ها سرودند (خضری، ۱۳۷۸: ۵۱).

عصر هارون الرشید

پس از هادی، هارون الرشید پسر مهدی در سال ۱۷۰ ق. به خلافت رسید. مدت حکومت او ۲۳ سال و ۶ ماه و بنا به روایتی ۲۳ سال و دو ماه بود (مسعودی، ۱۳۴۴: ۳۴۱). هارون در آغاز حکومتش خواست سیاست خشن هادی را در برابر علویان با همراهی ایشان جبران کند، از این‌رو، با علویان ملایمت و همدردی نشان داد و به آنان امان داد، از علویان ساکن در بغداد رفع مانع کرد، آنان را به جز عباس بن حسن بن عبدالله به مدینه باز گرداند و استاندار مدینه را که ایشان را شکنجه داده بود، برکنار کرد. اما علویان از اعتقاد راسخ خود مبنی بر این‌که خلافت حق ایشان است برنگشتند و برای رسیدن به آن از مبارزه دست برنداشتند. از این‌رو، صلح و صفا میان دو طرف عباسی و علوی ادامه نیافت و درگیری سختی میان ایشان آغاز شد (طوقش، ۱۳۸۳: ۸۹). هارون چنان کینه شیعیان و بویژه طالبیان را به دل گرفته بود که وجود آن‌ها را تحمل نمی‌کرد و به‌همین دلیل، سوگند خورده بود که خاندان و فرزندان ابوطالب پس از موسی (ع) و شیعیانشان را خواهد کشت (اصفهانی، ۱۴۰۷ق: ۲۲۵؛ حیدری‌آقایی و دیگران، ۱۳۸۵: ۲۶۲).

او از کودکی شیعیان را دشمن خود می‌دانست، از همین رو، شیعیان نیز از خلافت او بیمناک بودند. هارون به‌قدری در دشمنی با آل علی (ع) شهرت یافت که شاعران برای تقرب به او آل علی (ع) را هجو می‌کردند (زیدان، ۱۳۶۹، ج ۴: ۷۰۹). هارون که از یکسو از توجه شیعیان به امام کاظم (ع) در خشم بود (حیدری‌آقایی و دیگران، ۱۳۸۵: ۲۶۲) و به موقعیت اجتماعی امام حسادت می‌ورزید و احساس خطر

می‌کرد (مطهری، ۱۳۷۸: ۱۵۴) و از سوی دیگر، فرستادن هدایا، خمس و زکات و موارد دیگر را برای آن حضرت تحمل نمی‌کرد و تصور می‌کرد این توجه به امام کاظم (ع)، زمینه‌ساز سقوط حکومتش خواهد بود، تصمیم بر دستگیری و حبس امام گرفت و آن حضرت را به شهادت رساند (حیدری‌آقایی و دیگران، ۱۳۸۵: ۲۶۲). این در حالی بود که امام هیچ در مقام قیام نبود و کوچک‌ترین اقدامی برای آن که انقلابی به پا کند نکرده بود، اما عباسیان تشخیص می‌دادند که ائمه انقلاب معنوی و عقیدتی به پا کرده اند (مطهری، ۱۳۷۸: ۱۵۴).

شورش‌ها و نهضت‌های فراوانی در خراسان انجام می‌شد، که از جمله بزرگ‌ترین این شورش‌ها، طغیان رافع بن لیث بن نصر بن سیار در شمال خراسان بود. هارون از طرف این ناحیه احساس خطر کرد و خود با همه کراهتی که برای آمدن به این سرزمین داشت، به‌ناچار به جنگ ایرانیان بویژه خراسانیان آمد، اما در سال ۱۹۳ هجری در نوقان طوس بر اثر بیماری مرد و فرزندش مأمون داعیه خلافت سر داد (مشهدی محمد، ۱۳۸۳: ۴، ۵).

عصر محمد امین

ابوموسی محمد ملقب به امین در سال ۱۹۳ ق. پس از مرگ هارون به خلافت رسید. او بیش از چهار سال حکومت نکرد. به گفته سیوطی وی لیاقت خلافت را نداشت، زیرا جوانی مسرف و خودپسند و بی‌سیاست بود (سیوطی، ۱۹۵۲ م: ۳۵۵). از این‌رو، در همان آغاز فرمانرواییش زمینه‌های آشوب و فتنه به‌وجود آمد (خضری، ۱۳۷۸: ۶۴). در دوران حکومت امین و سال‌هایی که بین مرگ هارون و حکومت مأمون فاصله افتاد، در تاریخ برخوردی میان امام و مأموران حکومت عباسی، ذکری به میان نیامده است. پیداست که دستگاه خلافت بنی عباس در این سال‌های کوتاه، گرفتار اختلافات داخلی و مناقشات امین و مأمون (پیشوایی، ۱۳۹۱: ۴۹۹) که با کمک و همراهی طاهربن حسین (ذوالیمینین)، هرثمه بن اعین و فضل بن سهل (ذوالریاستین) با پیروزی مأمون خاتمه یافت، (عرفان‌منش، ۱۳۹۱: ۴۰۷)، بوده است. در نتیجه، فرصتی برای ایذاء و آزار علویان

عموماً و امام رضا (ع) خصوصاً، یافت نشد (پیشواپی، ۱۳۹۱: ۴۹۹).

عصر عبدالله مأمون

دوران خلافت ابوالعباس عبدالله مأمون به مدت ۲ سال از ۱۹۸ تا ۲۱۸ ق. ادامه یافت. مأمون در سال ۱۸۳ ق. بر خراسان که بخش شرقی قلمرو عباسی بود، حکومت کرد و سرانجام پس از کشته شدن امین، در سال ۱۹۸ ق. به‌عنوان هفتمین خلیفه عباسی زمامداری خود را آغاز کرد. او بر خلاف برادرش زیرک و با هوش و در میان خلفای عباسی میانه‌روترین بود. به‌دلیل علاقه زیاد به مجلس آزاد و ترویج علم، موجب توسعه علم و معارف در عصر خود شد. گرایش به تشیع و دوستی با اهل بیت، از دوران کودکی و تحت تأثیر مربی شیعه‌اش در او پرورش یافت. اما سرانجام مأمون، چون حکومتش را در خطر دید، بار دیگر به شیوه پدران‌ش متوسل شد و با طرح توطئه پنهانی قتل امام رضا (ع) به افسانه شیعه بودنش پایان داد (عرفان‌منش، ۱۳۹۱: ۴۰۷-۴۰۹).

ماهیت ولایتعهدی امام رضا (ع)

جریان مطرح نمودن ولایتعهدی امام رضا (ع)، یکی از مهم‌ترین شگردهای مأمون، به پیشنهاد وزیرش فضل بن سهل بود (ابن طباطبای، ۱۳۶۰: ۳۰۰). تا بدین ترتیب از مشکلاتش رهایی یابد. مهم‌ترین انگیزه مأمون از این کار، وفای به عهد بود. چون مأمون با خدای خود عهد کرده بود که هرگاه بر امین پیروز شود (حر، ۱۳۸۶: ۱۰۷)، خلافت را به کسی بسپارد که صلاحیت آن را داشته باشد، تا حکومتش مشروعیت یابد و عاقبت کسی را که از حیث صلاحیت و فضل و ورع و دین برتر از علی‌بن‌موسی‌الرضا (ع) باشد، نیافت (ابن طباطبای، ۱۳۶۰: ۳۰۰).

مأمون در ابتدا از امام به‌صورت محرمانه دعوت کرد، اما امام مخالفت ورزید، ولی از سوی مأمون تأکید فراوان صورت گرفت، تا این‌که رجاء بن ضحاک و یاسر خادم از سوی مأمون مأموریت یافتند، تا علی بن موسی‌الرضا (ع) را از مدینه به مرو آورند رجاء بن ضحاک و یاسر خادم نامه مأمون را به امام تسلیم کردند، امام سکوت اختیار کرد و با آن‌ها سخنی

نگفت و با اکراه، نامه را خواند و به ناچار پیشنهاد مأمون را پذیرفت و آماده سفر شد (مسعودی، ۱۳۴۴: ۴۴۱). در اولین گام قبل از آغاز سفر به سوی مرو، امام دست به اقداماتی زد تا ماهیت پذیرش ولایتعهدی را آشکار سازد؛ مانند صحنه دردناک وداع با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، جد بزرگوارشان و تعیین جانشین بعد از خود و کیفیت وداع با اهل بیتشان (عرفان منش، ۱۳۹۱: ۴۱۲).

ذکر حدیث سلسله‌الذهب در نیشابور

مهمترین و معتبرترین گزارشی که از توقف حضرت رضا (ع) در نیشابور یاد کرده است، روایت عبدالسلام بن صالح ابوصلت هروی^۱ است که حدیث مشهور و معروف سلسله‌الذهب را از امام رضا (ع) در نیشابور نقل می‌کند. بنا به این روایت، امام رضا (ع) فرمود: «از پدرم موسی بن جعفر (ع) شنیدم که به نقل از پدران بزرگوار^۲ خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و آن جناب از جبرئیل نقل کرد که گفت: از خداوند عزوجل شنیدم: "لااله الا الله" قلعه من است، پس هرکس داخل شود در قلعه من ایمن است از عذاب من. ولی با شروط لااله الا الله، و من (ولایت حضرت علی بن موسی) از شروط لااله الا الله هستم. هم‌چنین شیخ صدوق می‌افزاید: از شروط لااله الا الله اقرار کردن از برای حضرت رضا (ع) است به این که اوست امام بر بندگان از جانب خدای عزوجل و واجب است اطاعت ایشان» (شیخ صدوق، بی تا، ج ۲: ۳۷۵؛ عرفان منش، ۱۳۹۱: ۴۵۷). اجتماع راویان به این تعداد در مکان معین برای ثبت روایت، حکایت از مسائلی دارد و خود سبب همگرایی و تقویت روحیه و نشاط طرفداران و دوستداران امام شیعیان شد که از عوامل مهم ترویج و انتشار شیعه گردید.

ورود امام رضا (ع) به مرو

مهم‌ترین ماجرای که در مرو صورت گرفت، پذیرش ولایتعهدی امام بود که پس از آن، مأمون به نام حضرت رضا (ع) سکه زد و نام او را در خطبه‌ها آورد. پذیرش ولایتعهدی

۱. در برخی این گزارش به نقل از «احمد بن عامر طایبی» آمده است.

۲. در عیون الاخبار الرضا (ع) اثر شیخ صدوق، به ترتیب نام سلسله راویان آمده است.

چنان‌که در متن پیمان‌نامه ولایتعهدی آمده، با فشار و تهدیدهای مأمون بود که امام ناچار به پذیرش آن شد و تصمیم گرفت تا حکومت عباسی را از درون متلاشی کند، ولی اقدامات آن حضرت سرانجام مأمون را به وحشت انداخت و وی تصمیم به کشتن امام گرفت^۱ (عرفان‌منش، ۱۳۹۱: ۴۷۴-۴۷۵). نحوه شهادت امام آن‌گونه که مشهور است توسط مأمون طراحی شد. او امام را با انگور زهرآلود مسموم و به شهادت رساند، این ماجرا با اختلاف در منابع تاریخی آمده است (شیخ صدوق، بی‌تا، ج ۲: ۴۸۷؛ مقدس اردبیلی، بی‌تا، ۶۵۸ به بعد؛ عرفان‌منش، ۱۳۹۱: ۴۹۹-۴۹۸). مأمون شش یا هفت نفر از فرزندان امام کاظم (ع) را به شهادت رساند، زیرا آن‌ها به خونخواهی برادرشان به اعتراض برخاسته بودند (محمدی اشتیاردی، ۱۳۷۷: ۶۶۸-۶۶۹). اکنون مرقد مطهر آن حضرت در مشهد مقدس زیارتگاه شیعیان و شیفتگان آن حضرت از ایران و جهان است. فرزندان امام کاظم (ع) سرزمین‌های دور از مرکز خلافت (بغداد) را برای در امان ماندن محل مهاجرت خود برگزیدند، اما وقوع قتل امام رضا (ع) و تعقیب فرزندان آنان، خراسان را نیز برای آنان ناامن ساخت و مجبور به گریز به نواحی شرقی‌تر شدند.

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت، کشتن علویان که از زمان منصور آغاز شده بود، می‌توانست نتایج ناگواری برای عباسیان در پی داشته باشد. این جنایات که به‌عنوان برخورد ظالمانه با ابناء رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله و سلم تلقی می‌شد، می‌توانست محبوبیت زیادی برای علویان به‌وجود آورد. به همین دلیل، بیشترین وحشت عباسیان از علویان بود. زیرا آنان تنها گروهی بودند که امکان جانشینی آنان برابر عباسیان وجود داشت. این قیام‌ها و مخالفت‌ها در تمام مدت منصور، مهدی، هادی و هارون ادامه داشت. نخستین کسی که با توجه به این واقعیت، کوشید تا خلأ موجود میان عباسیان و علویان را از بین ببرد، مأمون بود. او در پی امام رضا (ع) فرستاد تا با جذب ایشان به دستگاه خلافت عباسی، علوی‌ها را از مردم جدا کند و به عباسیان پیوند دهد و بدین ترتیب بتواند ریشه این قیام‌ها را از بیخ و بن برکند. اما همان‌طور که گفته شد آن سیاست ناکام ماند (جعفریان، ۱۳۹۱: ۱۷۲-۱۷۳)، زیرا حضور امام رضا (ع) در خراسان، باعث

احوص با دهقانان کوفه موجب مهاجرتشان شد. در روایتی دیگر کشته شدن محمد بن سائب بن مالک اشعری به دست حجاج، علت کوچ ایشان دانسته شده است. اسکان اشعریان در قم، به رشد سریع نفرات و توان سیاسی- اجتماعی ایشان انجامید. اطلاع دقیقی از زمان شیعه شدنشان در دست نیست، اما روشن است که مالک بن عامر یکی از یاران حضرت علی (ع) در جنگ صفین بوده است (حسینیان مقدم و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۶۷-۱۶۹).

در روایتی امام صادق (ع) قم را ملجأ و پناه شیعیان برشمرده‌اند (جعفریان، ۱۳۹۱: ۱۸۸). هم‌چنین از امام صادق (ع) نقل شده است: که خدای را حرمی است و آن مکه است، رسول خدا را حرمی است و آن مدینه است و امیرالمؤمنین را حرمی است و آن کوفه است و ما را حرمی است و آن شهر قم است، زود باشد که به شهر قم زنی را از فرزندان من به نام فاطمه سلام‌الله‌علیه دفن کنند که هر که زیارت او را دریابد، وارد بهشت شود. قم شهری است که حضرت علی (ع) در زمان فتنه و آشوب، آن را شهری امن و بهترین و سلامت‌ترین شهرها بعد از خراسان، جرجان، طبرستان و سیستان معرفی کرده‌اند (قمی، ۱۳۶۱: ۹۰، ۱۱۵).

دوری قم از مرکز خلافت و نیز رواج تشیع در آن، این شهر را به پناهگاهی امن برای سادات و شیعیان تبدیل کرده بود (جعفریان، ۱۳۹۱: ۱۸۸). اولین کس از سادات حسینی که به قم آمده است ابوالحسن الحسین بن الحسین بن جعفر بن محمد بن اسماعیل بن جعفر صادق (ع) بود. دیگر از سادات حسینی، سادات رضائیه از فرزندان امام رضا (ع) موسی بن محمد بن علی بن موسی الرضا (ع) صاحب رضائیه [است]، ابوعلی الحسین بن محمد بن نصر بن سالم می‌گوید که اول کسی که از سادات رضویه در سال ۲۵۶ ق. از کوفه به قم آمد ابوجعفر موسی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر (ع) بود (قمی، ۱۳۶۱: ۲۱۱، ۲۱۵).

قم پس از اشباع از ساکنین شیعه به شهرهای اطراف قم که در تأثیر شعاع این شهر بود گسترش یافت (جعفریان، ۱۳۹۱: ۲۰۷ - ۲۰۸).

کاشان

نام کاشان در منابع تاریخی در کنار نام قم آمده است و از لحاظ حوزه حکومتی نیز در قرون نخست هجری تابع این شهر بوده است. به این ترتیب، باید تشیع کاشان را با تشیع قم در پیوند دانست. اصولاً در منابعی که اشاره به مذهب مردم کاشان دارند، آمده است که آنها مانند مردم قم، شیعه مذهب بوده‌اند. از جمله جیهانی بعد از اشاره به تشیع قم، درباره مردم کاشان می‌نویسد: «ایشان هم شیعه‌مذهبند» (جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۴۳؛ جعفریان، ۱۳۹۱: ۲۱۰).

بعد از قم باید از ری و کاشان یاد کرد که هنوز مقابر علویان در آن‌ها زیاد است. یک نمونه آمدن موسی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر (ع) است که به موسی مبرقع شهرت دارد و در سال ۲۵۶ ق. به قم آمده است و به‌دنبال او، خواهران وی زینب و ام محمد و میمونه دختران محمد بن علی در پی او از کوفه به قم آمده و به عقب ایشان برپه دختر موسی بن جعفر (ع) آمده است. موسی مبرقع در سال ۲۹۶ ق. وفات یافت (جعفریان، ۱۳۹۱: ۲۱۴).

در کاشان شمار زیادی امامزاده منسوب به فرزندان امام کاظم (ع) وجود دارد که اگر چه بی واسطگی آن‌ها با امام محل تردید است، اما بدون تردید، نباید نسبت آن‌ها با امام فاصله‌چندانی داشته باشد. از جمله آن‌ها بقعه عطابخش، که او را از فرزندان امام کاظم (ع) دانسته‌اند، بقعه هارون بن موسی بن جعفر (ع)، بقعه احمد بن موسی بن جعفر (ع)، مقبره سلیمان بن موسی بن جعفر (ع)، بقعه طاهر و منصور فرزندان امام کاظم (ع)، مقبره حسن بن موسی بن جعفر (ع)، از جمله این امامزاده‌ها است (همان: ۲۱۶).

خراسان

یاقوت حموی (۱۳۸۳: ۷۰) در مورد وجه تسمیه خراسان آورده است: «(خُ) سرزمین گسترده‌ای است ... گویند: خُر در فارسی دری نام آفتاب باشد و "آسان" به معنی جایگاه است. نیز گویند: "خراسان" به معنی آسان خُر باشد، زیرا که خُر فعل امر از خوردن و آسان به معنی ساده است ...»

هم‌چنین می‌نویسد: «بلاذری گوید: خراسان چهار بخش است: نخستین آن‌ها ایران‌شهر که نیشابور و کوهستان و طبسین و هرات و پوشنگ و باذغیس و طوس که طابران نام دارد، می‌باشد. بخش دوم مرو شاه‌جهان، سرخس، نسا، ابیورد، مروروذ، طالقان، خوارزم و آمل است و این دو در کنار رود جیحون باشند. بخش سوم که در باختررود است و هشت فرسنگ از رود دور است، فاریاب و جوزجان و طخارستان بالا و خست و اندرآبه و بامیان و بغلان و والک باشد ... و روستاهای بیل و بدخشان که راه آمدوشد مردم به تبت است و اندرآبه راه آمدوشد مردم به سوی کابل و ترمذ است که در خاور بلخ و چغانیان و طخارستان پایین و خُلم و سمنگان است. بخش چهارم فرارود: بخارا، چاچ، طراربند، سغد که همان کش و نسف و اشروسنه و سنام است که دژ مقنع بود و فرغانه و سمرقند باشد» (همان: ۲۷۵).

خراسان در سال ۲۹ ق. در زمان خلافت عثمان، و به رهبری عبدالله بن عامر، به تصرف مسلمانان درآمد. به همراه فتوحات مسلمانان، جمعیت زیادی از اعراب به این مناطق روی آوردند. در فتح خراسان نیز عده‌ای از صحابه پیامبر صلی‌الله علیه و آله و سلم به این خطه آمدند و برای همیشه در آن‌جا ماندند (حر، ۱۳۸۶: ۶۱، ۱۴۹). به‌دلیل حضور قابل توجه قبایل عرب در ولایت بست در نیشابور، این ولایت را "عربستان خراسان" می‌نامیدند (حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: ۲۱۶؛ حسینیان‌مقدم و دیگران، ۱۳۸۵: ۲۳۷).

خراسان در زمان حکومت امویان به‌دلیل دور بودن از مرکز خلافت، به پایگاهی امن برای مخالفان سیاسی مبدل شده بود (حر، ۱۳۸۶: ۶۱). سرکوب و کشتار قیام‌ها توسط بنی‌امیه ادامه داشت تا این‌که ابومسلم خراسانی، خلافت بنی‌امیه را در خراسان برچید و بنی‌عباس را روی کار آورد. به این ترتیب، تکیه عباسیان بر سپاه خراسان بود و همه امور سیاسی و اداری آنان به تقلید از ایرانیان سازماندهی می‌شد. سرانجام ابومسلم توسط منصور دوانیقی به طرز ناجوانمردانه و خدعه‌آمیز، قطعه قطعه شد، که این کار بنی‌عباس، روح خبیث آنان را به تصویر می‌کشد (مشهدی محمد، ۱۳۸۳: ۴).

طی قرون نخست هجری، در خراسان از همه مذاهب و طوایف حضور داشتند. روایات بسیاری از حضور شیعیانی از اصحاب ائمه علیهم‌السلام در خراسان به‌خصوص در

شهرهایی چون نیشابور و مرو وجود دارد (جعفریان، ۱۳۹۱: ۲۶۹). سادات و شیعیان در غالب قیام‌ها و تحرکات سیاسی و اجتماعی منطقه شرکت می‌کردند (حسینیان‌مقدم و دیگران، ۱۳۸۵: ۲۵۱).

بیهق، معرب واژه "بیهه" به معنای بهترین است (بیهقی، ۱۳۵۶: ۳۳). که بنا به نوشته جغرافی‌نویسان، به بخشی از نواحی نیشابور گفته شده است. بیهق دارای ۳۲۱ آبادی بوده که از مناطق مشهور آن می‌توان به سبزوار، خسروجرد (خسروگرد)، باشتین، مزینان و فریومد اشاره کرد (حسینیان‌مقدم و دیگران، ۱۳۸۵: ۲۳۶). سادات منطقه بیهق، عمدتاً از نیشابور، ری و طبرستان به این ناحیه آمده‌اند. یکی از مهم‌ترین ایشان، خاندان زباره اند که نسبتشان به امام زین‌العابدین (ع) می‌رسد (همان: ۲۳۹). عریضیان از نوادگان امام صادق (ع) بودند که در بیهق اسکان یافتند (بیهقی، ۱۳۵۶: ۶۱). خاندان حسنی از نوادگان زید بن حسن هستند. سادات بروغن از اعقاب امام موسی‌کاظم (ع) بودند. برخی منابع از حضور محمد بن جعفر بن موسی و جعفرطیار و عباس بن علی علیهم‌السلام نیز در این منطقه یاد کرده‌اند. حضور سادات موجب گسترش تشیع در این منطقه شد (حسینیان‌مقدم و دیگران، ۱۳۸۵: ۲۴۳، ۲۴۶).

اوضاع اجتماعی و فرهنگی خراسان

از ابتدای فتوحات اعراب در خراسان تا اواخر قرن اول هجری، حدود دویست هزار خانوار عرب در این منطقه ساکن شده بودند که با ورود این مهاجران، ترکیب نظام اجتماعی این حوزه که بر اساس فئودالیسم بود، ابتدا دگرگون و سپس به وضع سابق تثبیت شد (رئیس‌السادات، ۱۳۸۰: ۱۵۸).

بدون شک سفر علی بن موسی‌الرضا (ع) به خراسان یکی از بزرگ‌ترین حوادثی است که تاریخ ایران‌زمین به خود دیده است. اصولاً حوادث روزگار امامت امام رضا (ع) یکی از رویدادهای حائز اهمیت فراوان در تاریخ اسلام و تاریخ تشیع بوده است (حر، ۱۳۸۶: ۵). خراسان از قرن دوم هجری به بعد از مراکز تشیع در ایران محسوب می‌شده و بویژه از قرن سوم به این سو در نواحی مختلف آن، امامزادگان زیادی زندگی می‌کردند، که به‌دلیل

حضور این امام همام در خراسان، بویژه مرو و اصرار شیعیان برای زیارت ایشان بوده است (جعفریان، ۱۳۹۱: ۵۱۷).

قرون چهارم و پنجم هجری اوج تمدن اسلامی محسوب می‌شود که در تکوین این تمدن، خراسان سهم زیادی در تعداد دانشمندان داشته است. خوارزمی و ابوعلی سینا از جمله این دانشمندان هستند، خوارزمی اولین دائرةالمعارف علمی را تألیف می‌نماید و ابوعلی سینا کشورهای اسلامی را با مکتب ارسطو و افلاطون آشنا می‌سازد و فلسفه عقلی را در اسلام بنیان می‌نهد (مشهدی محمد، ۱۳۸۳: ۸). ادبیات در ناحیه بیهق رونق بسیار داشت و اشتها ادیبان بیهق تا حدی بود که برخی آن‌ها را «تهامه‌ی صغری» نامیده‌اند (بیهقی، ۱۳۵۶: ۲۸، ۲۷۶؛ حسینیان‌مقدم و دیگران، ۱۳۸۵: ۲۵۲).

آثار و برکات حضور امامزادگان در ایران

عصر امامت امام موسی بن جعفر (ع)، عصری است که تفکر شیعی، دیگر محدود به منطقه عراق و حجاز و یمن نبود، بلکه ایران نیز از این دوره به بعد تدریجاً به یکی از مراکز اصلی تشیع تبدیل می‌شد. بنابراین مهم‌ترین مسأله، نشر صحیح عقاید شیعی و جلوگیری از دخول اندیشه‌های انحرافی در بدنه اعتقادی شیعه بود که امامزادگان بنا به سفارشات ائمه معصومین علیهم‌السلام، به مناطق مختلف ایران که از دسترس حکومت به دور بود و ائمه علیهم‌السلام در آن‌جا حضور نداشتند، مهاجرت کردند و این نقش را از طریق جان‌فشانی در راه ایشان به خوبی ایفا کردند (عرفانیان و حسینی، ۱۳۹۳: ۶۵). هم‌چنین دوران زندگانی امام رضا (ع) را می‌توان به واسطه فعال بودن نهضت ترجمه آثار غیر عربی، آزادی نسبی فرقه‌ها در تبلیغ آیین خود، بر پای منازرات درون دینی و بین‌الادیانی، قوت گرفتن اندیشه‌های کلامی، گسترش تصوف، توجه بیشتر به علوم دینی مانند حدیث، تفسیر و فقه و... عصر ویژه‌ای دانست (میرحسینی، ۱۳۹۱: ۳۵). از سوی دیگر، حضور مبارک امام رضا (ع) و سپس مهاجرت‌های هر چه بیشتر سادات موسوی، باعث گسترش تشیع و حوزه‌های علمیه و تربیت عالمان بسیاری در ایران شد. ارادت مردم به سادات موجب شد تا پس از شهادت ایشان، اقدام به ایجاد زیارتگاه‌هایی

نمایند. آستان قدس رضوی یکی از مؤسسات مذهبی و دارای موقوفات بسیاری است که هرکس در حد توان خود، سرمایه‌ای برای بارگاه ملکوتی آن امام وقف نموده تا زائران و نیازمندان از حاصل آن بهره‌مند گردند (حر، ۱۳۸۶: ۱۵۸-۱۶۸). از لحاظ هنری، هنرهای ایرانی-اسلامی مانند معماری، کاشی‌سازی، آئینه‌کاری، حجاری و کتیبه‌نویسی و... که در بقعه‌ها و اماکن متبرکه به کار رفته، از جلوه‌های هنر ایرانی از قرن سوم تاکنون به‌شمار می‌رود (کریمی و دیمه‌کار گراب، ۱۳۹۱: ۱۰۴).

نتیجه

بنابراین می‌توان علل مهاجرت خاندان موسی‌الکاظم (ع) به ایران را به دو دسته ذیل تقسیم نمود:

علل و شرائط مهاجرت از مبدا: ظلم و ستم‌های عباسیان، باعث مهاجرت علویان به ایران شد که از زمان حضرت علی (ع) شروع و در زمان امام رضا (ع) به اوج خود رسید. در پی ولایت عهدی اجباری امام رضا (ع) به دست مأمون، عده‌ای از علویان از جمله حضرت معصومه علیهاالسلام برای دیدار امام به ایران آمدند. گروهی برای جذب نیرو و قیام علیه عباسیان وارد کشورمان شدند و برخی پس از شهادت امام (ع)، به خونخواهی آن حضرت و نیز برای تبلیغ دین جدشان رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله و سلم رنج سفر را به جان خریدند.

علل و شرائط مهاجرت به مقصد (ایران): محبوبیت شیعیان و سادات در میان مردم و دور بودن آن به‌خصوص خراسان از مرکز خلافت عباسیان، علویان را به‌سوی این دیار کشاند. آنان مناطق روستایی و کوهستانی را برای خود انتخاب کردند و توانستند با تقیه و مخفی زندگی کردن، به انجام وظایف خود (گسترش تشیع) بپردازند که سرانجام به دست مأموران خلفای عباسی شناسایی و به شهادت می‌رسیدند. بنا به این دلایل، هم-اکنون ما شاهد مقبره‌های بسیاری از نسل امام موسی‌الکاظم (ع) در این سرزمین کهن هستیم. بسا که با تدقیق بیشتر، به علل دیگر نیز دست یافت.

منابع

- قرآن کریم
- آیتی، محمدحسین (۱۳۷۱). *بهارستان: در تاریخ و تراجم رجال قاینات و قهستان*. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- ابن بابویه قمی، ابوجعفر محمدبن علی بن حسین بن موسی معروف به شیخ صدوق (بی تا). *عیون الاخبار الرضا (ع)*. ترجمه محمدتقی اصفهانی. تهران: علمیه اسلامیة.
- ابن طباطبا، محمد بن علی (۱۳۶۰). *تاریخ فخری (در آداب ملک‌داری و دولت‌های اسلامی)*. ترجمه محمد وحید گلیپایگانی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ابراهیم‌حسن، حسن (۱۳۶۶). *تاریخ سیاسی اسلام*، ج ۲. ترجمه ابوالقاسم پاینده. قاهره: جاویدان.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم (۱۳۶۸). *مسالك و ممالك*. به اهتمام ایرج افشار. تهران: علمی و فرهنگی.
- اصفهانی، ابوالفرج (۱۴۰۷ق.). *الأغانی*. بیروت: دارالفکر.
- الحموی الرومی البغدادی، شهاب‌الدین ابی عبدالله یاقوت بن عبدالله (۱۳۸۳). *معجم البلدان*، ج ۲. ترجمه دکتر علینقی منزوی. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، معاونت معرفی و آموزش.
- بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین (۱۳۵۶ش). *تاریخ بیهقی*. تصحیح علی‌اکبر فیاض. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- پیشوایی، مهدی (۱۳۹۱). *سیره پیشوایان (نگرشی بر زندگانی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی امامان معصوم علیهم‌السلام)*. قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- جعفریان، رسول (۱۳۸۷). *حیات فکری و سیاسی امامان شیعه علیهم‌السلام*. قم: انصاریان.
- _____ (۱۳۹۱). *تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی*. تهران: علم.
- جیهانی، ابوالقاسم بن احمد (۱۳۶۸). *اشکال‌العالم*. به کوشش فیروز منصوری. تهران: به‌نشر.

- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (۱۳۷۵). *تاریخ نیشابور*. ترجمه محمد بن حسین خلیفه‌ی نیشابوری. تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: آگه.
- حرّ، حسین (۱۳۸۶). *امام رضا (ع) و ایران*. قم: دفتر نشر معارف.
- حسینیان، روح‌الله (۱۳۹۰). چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- حسینیان‌مقدم، حسین، و دیگران (۱۳۸۵). *تاریخ تشیع ۲*: دولت‌ها، خاندان‌ها و آثار علمی و فرهنگی شیعه. زیر نظر سید احمدرضا خضری. تهران: سمت؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حیدری‌آقایی، محمود، و دیگران (۱۳۸۵). *تاریخ تشیع ۱*: دوره حضور امامان معصوم علیهم‌السلام، زیر نظر احمدرضا خضری. تهران: سمت؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی (بی‌تا). *تاریخ بغداد أو مدینة السلام*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- خضری، احمدرضا (۱۳۷۸). *تاریخ خلافت عباسی: از آغاز تا پایان آل بویه*. تهران: سمت.
- رئیس‌السادات، حسین (۱۳۸۰). *تاریخ خراسان در سده نخست هجری*. مشهد: جلیل.
- زیدان، جرجی (۱۳۶۹). *تاریخ تمدن/اسلام*. ترجمه علی جواهرکلام. تهران: امیرکبیر.
- سیوطی، جلال‌الدین (۱۹۵۲م). *تاریخ الخلفاء*. تحقیق محمد محی‌الدین عبدالحمید. مصر: بی‌نا.
- شریف قریشی، باقر (۱۳۶۹). *تحلیلی از زندگانی امام کاظم (ع)*، ج ۲. ترجمه محمدرضا عطائی. قم: کنگره جهانی حضرت رضا (ع).
- شیخ قمی، عباس (۱۳۷۶). *سفینه‌البحار*. تهران: اسوه.
- _____ (۱۳۸۰ق). *منتهی‌الآمال*، ج ۲. به تصحیح ابراهیم میانجی. بی‌جا: کتابچی.

- شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق). /ارشاد. قم: بی نا.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۱). شیعه در اسلام. بی جا: بی نا.
- طقوش، محمدسهیل (۱۳۸۳). دولت عباسیان (۱۳۲-۶۵۶ ق. /۷۵۰-۱۲۵۸م). ترجمه حجت‌الله جودکی با اضافاتی از رسول جعفریان. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- عاملی، جعفر مرتضی (۱۳۵۹). زندگانی سیاسی هشتمین امام (متن فشرده)، ترجمه سید خلیل خلیلیان. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- عرفانیان، مهدی؛ حسینی، علی (۱۳۹۳). "بازکاوی شخصیت حسین بن موسی الکاظم (ع)". در: مجموعه مقالات برگزیده اولین همایش پژوهشی بزرگداشت حضرت حسین بن موسی الکاظم (ع). اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان جنوبی. تهران: فکربرکر: ۷۷-۵۳.
- عرفان‌منش، جلیل (۱۳۹۱). مهاجران موسوی (بررسی علمی زندگانی فرزندان و نوادگان حضرت امام موسی‌کاظم (ع) و علل مهاجرت آنان به ایران). تهران: امیرکبیر.
- قمی، حسن بن محمد بن حسن (۱۳۶۱). تاریخ قم. به تصحیح و تحشیه جلال الدین تهرانی. تهران: توس.
- کریمی، محمود؛ دیمه‌کار گراب، محسن (۱۳۹۱). "اهمیت خراسان قبل و بعد از ورود امام رضا (ع) به آن". در: مجموعه مقالات برگزیده جشنواره بین‌المللی امام رضا (ع). به اهتمام علی شریفی. تهران: بنیاد فرهنگی و هنری امام رضا (ع): ۸۹-۱۰۷.
- محمدی اشتهااردی، محمد (۱۳۷۷ش). سیره چهارده معصوم علیهم‌السلام. تهران: مطهر.
- مدرسی، محمدتقی (۱۳۶۹). امامان شیعه و جنبش‌های مکتبی. ترجمه حمیدرضا آذیر. مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین بن علی (۱۳۴۴). مروج‌الذهب و معادن‌الجواهر، ج ۲. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: علمی و فرهنگی.

- مشهدی محمد، عباس (۱۳۸۳). *مشهد/رضا (ع)*. تهران: عباس (حمید) مشهدی محمد.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). *سیری در سیره ائمه اطهار (ع)*. تهران: صدرا.
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (بی تا). *حدیقه‌الشیعه*. تهران: علمیه الاسلامیه.
- میرحسینی، یحیی (۱۳۹۱). "گفتمان‌های غالب در اندیشه امام رضا (ع)". در: مجموعه مقالات برگزیده جشنواره بین‌المللی امام رضا (ع). به اهتمام علی شریفی. تهران: بنیاد فرهنگی و هنری امام رضا (ع): ۳۵-۷۰.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۳۵۶ش). *تاریخ یعقوبی*، ج ۲. ترجمه محمدابراهیم آیتی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- یعقوبی، احمد بن واضح (بی تا). *تاریخ‌الیعقوبی*. بیروت: دارصادر.

درون‌گرایی و بازتاب اصل محرمیت در معماری ایرانی - اسلامی

نمونه پژوهش میدانی: خانه‌های تاریخی بیرجند

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۲/۱۰

حسن هاشمی زرج‌آباد^۱

عابد تقوی^۲

ذبیح‌ا... مسعودی^۳

چکیده

درون‌گرایی و محرمیت دو اصل اساسی و بنیادی در معماری ایرانی - اسلامی است که تأثیر بسزایی در شکل‌گیری سازمان فضایی شهرها و عناصر کالبدی بناهای سنتی ایران داشته است. هرچند عامل اقلیم در انتخاب و گزینش اصل درون‌گرایی در شهرسازی ایران قبل از اسلام مؤثر بوده است، لیکن در دوره‌ی اسلامی بر پایه‌ی مبانی و ارزش‌های اعتقادی و جهان‌بینی اسلامی علاوه بر الگوی درون‌گرایی، اصل محرمیت نیز از دو منظر کالبدی و معنایی به‌عنوان یکی از معیارهای اصلی طراحی شهرها و بناها مورد توجه معماران قرار گرفت. از جمله فضاهایی که بازتاب دو اصل فوق‌الذکر به روشنی در فضاهای کالبدی آن قابل مشاهده است، خانه‌ها هستند. نداشتن ارتباط بصری مستقیم داخل خانه با فضاهای شهری و تقدس بخشیدن و حفظ حریم خانواده و فراهم کردن فضا و قلمرو محرم در عناصر فضایی از ویژگی‌ها و شاخصه‌های خانه‌های دوران اسلامی ایران است. نگارندگان در پژوهش حاضر با هدف بازشناسی و بازنمایی دو اصل درون‌گرایی و محرمیت در عناصر کالبدی - فضایی خانه‌های تاریخی بیرجند سعی در تبیین آن با روش توصیفی - تحلیلی و ابزار گردآوری اطلاعات مشاهده و بررسی میدانی خواهند

داشت. نتایج پژوهش بیانگر آن است که در طراحی و ساخت خانه‌های تاریخی بیرجند معماران از دو اصل درون‌گرایی و حریمیت در ساماندهی فضایی عناصر کالبدی بهره گرفته‌اند که بازتاب آن را می‌توان در ساخت بنا با نقشه و الگوی درون‌گرایی و تأمین لایه‌های حریمیت سه‌گانه عمومی، خصوصی و نیمه خصوصی مشاهده کرد. واژگان کلیدی: حریمیت، درون‌گرایی، بیرجند، خانه، اندام‌های معماری

۱- مقدمه

معماری سنتی ایران را می‌توان سرشار از مفاهیمی دانست که بر اساس فرهنگ، عقاید و اندیشه ایرانی-اسلامی معنا می‌یابد. یکی از مفاهیمی که از فرهنگ اسلامی و باورهای دینی ریشه گرفته و به عرصه معماری سنتی ایران راه یافته موضوع "حریمیت" و "درون‌گرایی" است (مهدوی‌نژاد، منصورپور و قیدرلو، ۱۳۹۲: ۱). معماری ایران از دیرباز و حتی در دوران قبل از اسلام و در بناهای تخت جمشید یا آپادانا به حفظ حریم‌ها توجه ویژه‌ای داشته است. این رویکرد در بناهای سنتی سبب شده است که بسیاری از محققان رویکردهای فرهنگی-اعتقادی و مسائل اقلیمی را مهم‌ترین عوامل در شکل‌گیری چنین الگوی کالبدی تلقی نمایند. با ورود اسلام با توجه به توصیه‌ها و سفارش‌ها و هم چنین آیات قرآنی بر مسائل درون‌گرایی و حفظ حریم خانواده تأکید گردید (همان: ۲). حفظ حریم و شأنیت موجب شد تا معماران ایرانی خانه‌ها را بر مبنای این باور دینی طراحی و احداث نمایند و تقسیم‌بندی فضاها که در معماری سنتی ایران سلسله مراتب فضایی نام گرفت، راهکاری مناسب در جهت رعایت الگوی درون‌گرایی، اصل حریمیت و متضمن حریمی قدسی گردید (کریمیان و عطارزاده، ۱۳۹۰: ۶۱). این ویژگی‌ها سبب شد که در معماری سنتی ایران به نحوی معنادار پیوند تنگاتنگی بین اصل حریمیت و درون‌گرایی در شکل‌گیری خانه‌های سنتی ظهور یابد؛ به‌نحوی که معماران در طراحی و ساماندهی عناصر فضایی-کالبدی خانه‌ها درون‌گرایی و لایه‌های حریمیت را به طور خاص مد نظر قرار دهند. پژوهش حاضر با هدف بازشناسی جایگاه دو اصل فوق‌الذکر در شکل‌گیری خانه‌های تاریخی شهر بیرجند - عصر قاجار- به دنبال پاسخگویی به پرسش

اصلی ذیل است: مصادیق عینی و تجلی "الگوی درون‌گرایی" و "اصل محرمیت" در طراحی و ساماندهی عناصر فضایی - کالبدی خانه‌های تاریخی بیرجند کدامند؟

۲- روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از منظر ماهیت از نوع توصیفی- تحلیلی و از نظر هدف بنیادی است. نگارندگان به منظور بازشناسی متغیرهای درون‌گرایی و محرمیت در عناصر فضایی- کالبدی خانه‌های تاریخی بیرجند از ابزار گردآوری اطلاعات، بررسی و مشاهده‌ی میدانی بهره برده‌اند تا مصادیق عینی و کاربردی دو اصل درون‌گرایی و محرمیت را در عناصر کالبدی بناهای مورد مطالعه مشخص نماید. همچنین به منظور آگاهی از منابع فقهی (قرآن و احادیث) در مبحث محرمیت و تدوین مبانی نظری و پیشینه تحقیق از روش مطالعه‌ی کتابخانه‌ای نیز استفاده کرده‌اند. نمونه‌های انتخاب شده از جامعه آماری مورد مطالعه متمرکز بر پنج خانه‌ی اعتمادی، پردلی، آراسته، فروتنی و لاله از محلات بافت تاریخی بیرجند - متعلق به دوره قاجار- هستند که از منظر شاخصه‌های معماری ایرانی - اسلامی نمونه‌های مطالعاتی مناسبی جهت بازنمایی الگوی درون‌گرایی و اصل محرمیت‌اند.

۳- زمینه‌های تاریخی و پیشینه تحقیق

بیرجند تا دوران صفویه رشد زیادی نداشت؛ لیکن از این زمان به بعد با رسمیت یافتن مذهب شیعه و خاتمه دادن به ناامنی پیشرفت کرد. در دوران حکومت قاجار با تسلط خاندان خزیمه بر این شهر بر اعتبار و اشتها آن افزوده گشت و بیرجند مرکز حاکم‌نشین قاینات شد (بهنیا، ۱۳۸۱: ۱۳۸) که این امر نقش به‌سزایی در آبادانی و توسعه شهر در این دوره داشت. شکل‌گیری محلات مختلف و ساخت بناهای درون شهری و عام‌المنفعه، عمارت‌های دیوانی و حکومتی، باغ‌ها و خانه‌ها در این دوره رشد چشم‌گیری داشت و ساختار شهری دگرگون گردید. شهر بیرجند در دوران قاجار شهری کوچک بود که از نظر کالبدی و فرهنگی ساختاری کاملاً سنتی و درون‌گرا داشت.

در مورد مبحث درون‌گرایی و محرمیت، مطالعات مناسبی با دو رویکرد بررسی مفهومی

درون‌گرایی و بررسی جایگاه حریمیت در معماری سنتی ایران انجام گرفته که به‌طور عمده در قالب مقاله در همایش‌ها و کنفرانس‌های علمی و فصلنامه‌های تخصصی هنر و معماری ارائه و منتشر گردیده‌اند. از آن جمله می‌توان به مقالات زیر اشاره کرد:

- ۱- بررسی درون‌گرایی به عنوان عنصری پایدار در معماری خانه‌های ایرانی؛
- ۲- لایه‌های حریمیت در خانه‌های سنتی ایران، نماد الگوی دینی در زندگی خانواده؛
- ۳- بررسی حضور نور طبیعی و حریمیت فضاهای داخلی خانه‌های درون‌گرای شهر یزد؛
- ۴- حریم و حجاب در معماری مسکونی سنتی ایران؛
- ۵- حریمیت در الگوی مسکن بومی و به‌کارگیری آن در معماری معاصر تهران؛
- ۶- بررسی مفهوم حریمیت فضایی در کالبد و محتوای معماری ایرانی و نقش آن در معماری مسکونی معاصر همدان.

نکته‌ی قابل تأمل این است که عمده‌ی مطالعات انجام گرفته در این زمینه، متمرکز بر شهرهای اصفهان، یزد، کاشان و تهران بوده است و تاکنون پژوهش جامع و حتی مطالعه‌ی موردی در مورد بررسی نقش و جایگاه حریمیت و بازشناسی مصادیق عینی دو اصل پیش گفته در معماری سنتی خراسان جنوبی، بویژه خانه‌های تاریخی شهر بیرجند، انجام نشده است. لذا مقاله حاضر می‌تواند زمینه و بستر مناسبی برای تکمیل خلأ مطالعاتی معماری ایرانی-اسلامی به‌طور عام در این حوزه جغرافیایی را فراهم و از سوی دیگر به‌طور خاص می‌تواند این فرضیه را اثبات کند که اصول اساسی و بنیادی پذیرفته شده در معماری سنتی ایران در هر دوره‌ی تاریخی نه تنها در شهرهای بزرگ و شاخص، بلکه در یک ارتباط به هم تنیده مورد استفاده‌ی معماران سایر شهرها و روستاهای ایران نیز بوده است و بافت تاریخی و بناهای درون آن‌ها نیز شایسته‌ی مطالعه و پژوهش هستند.



تصویر (۱) نقشه هوایی شهر بیرجند با موقعیت محلات تاریخی (مأخذ: پایگاه میراث فرهنگی بیرجند)

۴- بازخوانی مفهوم محرمیت در خانه از منظر منابع فقه (قرآن و احادیث)

از منظر اسلام خانه به‌عنوان پناهگاهی امن و سرپناهی خصوصی و بهترین محل برای لذت بردن، نیل به آرامش و آسودگی از جهان خارج است. مفهوم حریم خصوصی از زوایای مختلف محرمیت بصری، شنیداری، بویایی و دسترسی قابل ارزیابی است. هر کدام از این جنبه‌ها به زیبایی در اسلام مورد توجه قرار گرفته است (نیری فلاح، ۱۳۹۲: ۳-۲). قرآن مسکن را محل آرامش می‌خواند (نقی زاده، ۱۳۷۹: ۳۵)؛ واللّٰه جعل لکم من بیوتکم سکنا ... (قرآن، نحل: ۸۰).

الگ گرابار (۱۳۸۴: ۵۹) در مقاله ارزشمند خود با عنوان "هنر، معماری و قرآن" در دوفصلنامه‌ی اسلام‌پژوهی می‌نویسد "بیت واژه‌ای عام برای خانه است که حریمی خصوصی به‌شمار می‌رود (قرآن، آل عمران: ۴۹، نساء: ۱۰۰، نور: ۲۷-۲۹) و کلیه معماران از گذشته تا حال خانه‌ها را مطابق این سنت اسلامی می‌ساخته‌اند. این واژه در اشاره به منازل همسران پیامبر به کار رفته (همان، احزاب: ۳۳-۳۴) که حفظ حرمتشان لازم است و در اشاره به اقامتگاه باشکوه زلیخا همسر پودفار (همان، یوسف: ۲۳) نیز به کار رفته است."

هم‌چنین واژه‌های "مساکن" به معنای اقامتگاه (همان، عنکبوت: ۳۸) و واژه‌ی "بلد" در عبارت بلدالامین به معنای مکان امن (همان، تین: ۳) و واژه‌ی "بیت" که برای خانه

استفاده می‌شود و حریمی خصوصی به شمار می‌رود (همان، آل عمران: ۴۹) قرآن کریم در سوره نور آیات ۲۸-۲۷ می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آوردید در خارج از خانه خود وارد نشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل خانه سلام کنید و این برای شما بهتر است و اگر گفتند باز گردید، باز گردید که برای شما پاکیزه‌تر است و خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است» (اسماعیلی مقدم، ۱۳۹۲: ۱۶۱).

رسول اکرم (ص) می‌فرمایند: خانه محل عبادت است؛ نماز و قرآن را بلند بخوانید الا در خانه (نیری فلاح، خلیلی و تاج الدین بن محمد رسی، ۱۳۹۲: ۳). امام علی (ع) می‌فرماید: خانه را شرافتی است. شرافت خانه به وسعت حیاط (قسمت جلوی خانه) و هم‌نشینان خوب است. و خانه را برکتی است، برکت خانه جایگاه خوب آن، وسعت محوطه‌ی آن و همسایگان خوب آن است (همان: ۱۶۴). امام باقر (ع) می‌فرماید: هرگاه یکی از شما به خانه‌ی برادرش وارد شد هر جا صاحب‌خانه گفت، همانجا بنشیند؛ زیرا صاحب‌خانه به وضع اتاق خود از میهمان آشناتر است (اسماعیلی مقدم، ۱۳۹۲: ۳). بنابراین بر مبنای آموزه‌های قرآنی و احادیث، مفهوم حریمیت و حریم در اسلام به معنای جداسازی زندگی خصوصی از تعاملات بیرونی و نیز جداسازی زنان و مردان نامحرم است که با هدف تأمین امنیت خانواده صورت می‌گیرد (Mortada, 2003: 152) و بر این اساس معماری خانه باید به گونه‌ای باشد که اساس طراحی پلان، فضا، حجم و موقعیت قرارگیری آن در برگیرنده‌ی نیازهای حریمیتی خانواده باشد (اسماعیلی مقدم، ۱۳۹۲: ۳).

جدول (۱) حریمیت در آیات قرآنی

سوره مبارکه	آیه	اصل طراحی	برداشت
نور	۲۷ و ۲۸	حفظ حریم و حریمیت	توجه به قلمر خصوصی خانه
نساء	۲۳	حفظ حریم و حریمیت	توجه به قلمر خصوصی خانه
نحل	۸۰	حفظ حریم و حریمیت	توجه به قلمر خصوصی خانه
اسراء	۲۳ و ۲۴	آداب گفتاری و رفتاری افراد منزل و حفظ حریم	ارائه رهنمودی‌هایی برای طراحی فضاهای درونی خانه
نور	۶۱	چگونگی ورود به حریم دیگران	شناخت قواعد و اصول فضا

۵- مصادیق عینی محرمیت در عناصر فضایی - کالبدی خانه‌های مورد مطالعه

۵-۱- چارچوب مفهومی

درون‌گرایی مفهومی است که به‌صورت یک اصل در معماری ایران وجود داشته است و با حضوری آشکار به‌صورت‌های متنوع قابل درک و مشاهده است. در واقع اگر بخواهیم یک ویژگی مشترک بین تمام رویکردهایی که در معماری اسلامی وجود دارد، ذکر کنیم "درون‌گرایی" مسلماً از اولین گزینه‌هاست. این عنوان اجمالاً به‌صورت عدم توجه فضای درون بنا به محیط خارج تعریف و عمدتاً مرادف با سازماندهی حول حیاط خارج و جدایی فضاهای زنانه و مردانه دانسته شده است. دیدگاه‌های تحلیلی موجود در مورد درون‌گرایی معماری در عالم اسلام، متمرکز بر پنج عامل نقش الگوهای تاریخی، نقش اقلیم در ایجاد الگوی حیاط مرکزی، تحلیل عرفانی، نقش دفاعی و تفکیک کل فضای انسان ساخت بر مبنای جنسیت در اسلام است (ناری قمی، ۱۳۸۹: ۷۰). خصوصیت درون‌گرایی واحدهای مسکونی در جوامع اسلامی که خانواده در آن از حرمت خاص برخوردار است با فرهنگ جامعه کاملاً سازگار بوده و تحت تأثیر آن کمابیش تا عصر جدید تداوم یافته است (هاشمی و میرغلامی، ۱۳۹۲: ۱۰۰۲). از سوی دیگر محرمیت در شهرهای اسلامی و بویژه در معماری خانه از اولین اصولی است که مورد قبول تمام محققین است (ناری قمی، ۱۳۸۹: ۷۵). منظور از محرمیت در فضای معماری و شهرسازی، کالبد دادن به فضا به گونه‌ای است که دارای حریم از دو جنبه کالبدی و معنایی باشد. حریم داشتن در حوزه کالبد فضایی بیشتر متمرکز بر اصولی است که امنیت فضا را شکل خواهد داد و در حیطه معنایی ویژگی‌هایی است که حرمت و ارزش را برای فضای معماری به ارمغان آورد به گونه‌ای که فرد در آن به آرامش برسد. محرمیت در معماری با جدا کردن فضاهای درونی از بیرونی اتفاق می‌افتد. این تفکیک و تملک یافتن بر فضا و یا به نوعی آرامش ایجاد شده از آن توسط محرمیت ایجاد می‌گردد. محرمیتی که با الگوی درون‌گرایی در ساماندهی خانه‌های تاریخی ایران نقش بنیادی داشته و نمونه عینی آن را می‌توان در خانه‌های بافت تاریخی بیرجند مشاهده کرد.

۵-۲- چارچوب تحلیلی

در بررسی مصادیق عینی محرمیت در عناصر فضایی - کالبدی خانه‌های تاریخی بیرجند تعداد پنج خانه‌ی قاجاری اعتمادی، پردلی، آراسته، فروتنی و لاله محله سرده انتخاب گردیدند که در ذیل مورد تحلیل قرار خواهند گرفت.



تصویر ۲) موقعیت خانه‌های مورد مطالعه در بافت تاریخی بیرجند (مأخذ: پایگاه میراث فرهنگی بیرجند)

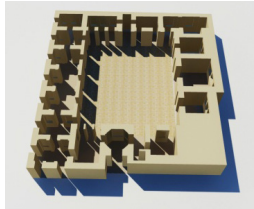
۵-۲-۱- نقشه بنا

در معماری کهن ایرانی معماری خانه بر پایه اصول و الگوهایی ویژه طرح و ساخته می‌شده است. الگوی چهار صفه، الگوی درون‌گرایی (میان‌سرا دار)، الگوی کوشکی و الگوی برون‌گرا از جمله الگوهای رایج در طراحی نقشه‌های خانه‌های ایرانی - اسلامی بوده است (معماریان، ۱۳۸۸: ۱۴۷-۱۵۴). شرایط اقلیمی خاص کویری شهر بیرجند سبب گردید که بافت کهن آن دارای ترکیبی درون‌گرا و بسته و خانه‌ها نیز در محلات تاریخی این شهر دارای الگوی درون‌گرا باشند. لذا معماران از نقشه درون‌گرا به عنوان پلانی مناسب و کارآمد در طراحی و ساخت خانه بهره گرفتند. نگاهی به نقشه خانه‌های مورد مطالعه در محله

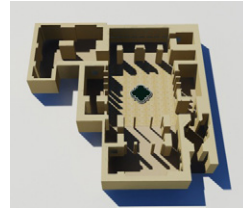
تاریخی سرده نشان می‌دهد معمار این خانه‌ها از نقشه درون‌گرایی حیاط مرکزی - با ویژگی عدم ارتباط بصری مستقیم فضاهای داخل با فضاهای شهری بیرون - به‌منظور رعایت اصل محرمیت استفاده کرده است. این نوع طرح‌ریزی نقشه (درون‌گرا) به‌منظور ساماندهی فضایی نه تنها از لحاظ طبیعی، بلکه از لحاظ روحی و اعتقادی نیز دارای اهمیت بوده و معمار با رعایت مسائل جغرافیایی حریمی امن و مناسب برای خانواده به‌وجود آورده است.



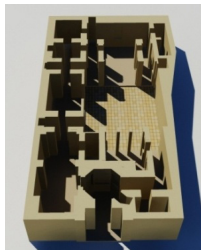
خانه پردلی



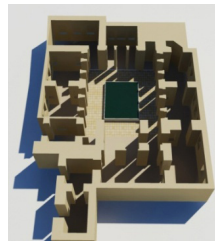
خانه اعتمادی



خانه آراسته



خانه لاله



خانه فروتنی

تصویر ۳) تصاویر سه بعدی پلان خانه‌های مورد مطالعه با نقشه و الگوی درون‌گرایی (ترسیم نگارندگان)

۵-۲-۲- سلسله مراتب حرکتی

کاربرد اصل سلسله مراتب در معماری سنتی، در حوزه‌های مختلف در معماری و شهرسازی همانند سلسله مراتب فضایی و سلسله مراتب عملکردی عبوری محله‌ای و منطقه‌ای همواره دیده شده است (امینی و نورزبان، ۱۳۹۳: ۱۰۲). اصل سلسله مراتب

یعنی ساماندهی و ترکیب فضاها و عناصر بر اساس برخی از خصوصیات کالبدی یا کارکردی آن‌ها که موجب پدید آمدن سلسله مراتبی در نحوه‌ی قرارگیری، استفاده یا مشاهده عناصر شود و در قسمت‌های مختلف بنا که نقطه شروع آن فضای ورودی است رعایت شده باشد. از کارکردهای فضای ورودی اتصال فضاهای درونی مجموعه به فضای بیرون است. کلیه فعالیت‌ها از جمله تغییر مسیر، توقف، انتظار، ورود، تقسیم و تعیین جهت مسیر، حرکت ورود به فضای داخلی نیز هر کدام از اجزاء متناسب با خصوصیات خود بر اساس اصل سلسله مراتب در جهت حفظ حریمیت باعث شده است که بین اجزاء یا جزء فضاها نیز این اصول رعایت شود تا کارکرد فضاهای ورودی به بهترین شکل ممکن صورت پذیرد (مهدوی نژاد و ناگهانی، ۱۳۹۰: ۵۲، ۶۱). در نمونه‌های مورد مطالعه نحوه‌ی ورود به خانه، از جمله خانه‌ی پردلی، این گونه است: با رعایت سلسله مراتب حرکتی، پس از گذر از بافت فشرده و باریک کوچه‌ها (بیرون بنا)، به مجموعه درآیگاه (ورودی) منتهی می‌گردد. در واقع پس از حرکت از عمومی‌ترین فضاها به فضاهای نیمه خصوصی و حریم فضاهای هشتی و دالان وارد می‌گردد. این بخش در واقع نخستین لایه حریمیت در خانه است که می‌توان از آن به‌عنوان حریمیت عمومی یاد کرد که در برگیرنده فضاهای منتهی به ورودی، مجموعه ورودی، و متعلقات به آن است.



تصویر ۴ و ۵) حریمیت عمومی و فضاهای منتهی مجموعه ورودی خانه (نگارندگان، ۱۳۹۳)

۵-۲-۳- ورودی

ورودی (سردر) خانه‌ها در همه حال و حتی در ساده‌ترین خانه‌ها دعوت به ورود می‌کند. ارتفاع سر در یا با ارتفاع دیوار کاه گلی برابر است و یا بخشی از ارتفاع دیوار را اشغال می‌کند. سطح سر در معمولاً با آجرهای نقش‌دار تزیین شده است (معماریان، ۱۳۸۷: ۲۸۴). در خانه‌های سنتی ایران ورودی صرفاً یک عنصر نبوده و مجموعه‌ای چند عنصری با عملکردهای متنوع را شامل می‌شود. بسیاری از خانه‌های سنتی ایران ورودی‌های متنوعی دارند تا بتوانند ورود افراد مختلف به داخل خانه را مدیریت نمایند. البته عموماً این ورودی‌ها برای مهمانان با درجه‌بندی‌های نزدیکی به محارم خانواده تعریف می‌شوند (نیری فلاح، خلیلی و تاج الدین بن محمد رسی، ۱۳۹۲: ۴). هنگام ورود به خانه در و جلوخان هم مانع و حریمی برای ورود به خانه به‌شمار می‌آید و هم فضایی برای خوش‌آمدگویی به میهمانان ناآشناست. تلفیق هوشمندانه این دو اصل مهم یعنی عرصه بندی محارم و حرمت نگاه داشتن مهمان از مواردی است که در معماری ایرانی-اسلامی به نیکویی به آن پرداخته شده است. از جمله اصولی که معماران در طراحی ورودی خانه های سنتی مورد توجه قرار دادند عبارتند از: حریم خانه باید حفظ شود، اجازه ورود طی فرایند تدریجی انجام گیرد، فرایند ورود بیانگر تواضع باشد، کنترل ورود غیرمستقیم باشد و نمای خانه در محله متمایز باشد (کاتب، ۱۳۹۱: ۱۶۵). ورودی خانه‌های مورد مطالعه نیز از اصول بالا پیروی کرده است. نمای ورودی با آجرهای مهری تزیین شده و برخی دارای پیرنشین (سکوی نشیمن) است. تفکیک جنسیتی و رعایت اصل محرمیت در نوع کوبه‌های نصب شده‌ی زنانه و مردانه بر در ورودی قابل مشاهده است. نکته جالب این‌که در خانه‌ی پردلی علاوه بر این‌که در ورودی خانه دارای کوبه‌های تفکیک جنسیتی است، هشتی نیز دارای دری است با کوبه‌های زنانه و مردانه که این مسأله به منزله تأکید بیشتر بر رعایت اصل محرمیت و تأمین امنیت مضاعف برای ساکنین خانه است.



تصویر ۶) تفکیک جنسیتی در نوع کوبه‌های درهای ورودی خانه‌های سنتی ایران (نگارندگان، ۱۳۹۳)



تصویر ۷) ورودی و جلوخان خانه پردلی (نگارندگان، ۱۳۹۳) تصویر ۸) ورودی و جلوخان خانه اراسته (نگارندگان، ۱۳۹۳)



تصویر ۹) ورودی خانه لاله (نگارندگان، ۱۳۹۳)

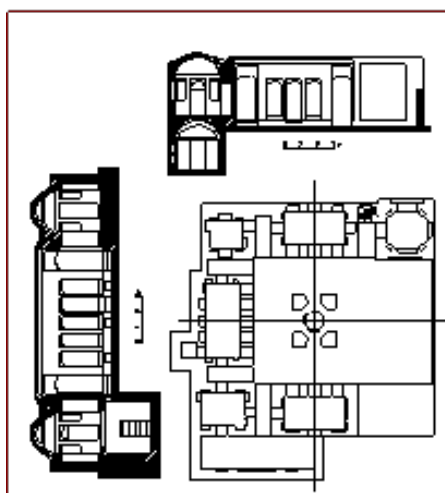
۵-۲-۳- هشتی

هشتی یا کریاس فضایی است که در بسیاری از ورودی‌ها طراحی و ساخته می‌شده هشتی بلافاصله بعد از در ورودی قرار گرفته و یکی از کارکردهای آن تقسیم مسیر ورودی به دو یا چند جهت بوده است. هشتی فضای میانجی درون و بیرون یک خانه است؛ چرا که درون خانه دارای حریم شمرده می‌شده و هرگز نمی‌شده از بیرون به یکباره به اندرون خانه وارد شد. هشتی گاه به صورت هشت ضلعی بوده؛ ولی به اشکال هندسی، هشت و نیم هشت، کشکولی و نگینی نیز اجرا می‌شده است (معماریان، ۱۳۸۷: ۱۴۳). در طراحی این فضا، به عنوان فضای پیش‌ورودی تمهیداتی اندیشیده شده است؛ از جمله می‌توان به بعد دینی (اصل محرمیت) اشاره کرد. بدین معنی که با باز شدن در منزل دید مستقیم به داخل فضای خصوصی وجود ندارد (بمانیان و دیگران، ۱۳۸۹: ۵۹). در تمامی نمونه‌های مورد مطالعه در بافت تاریخی بیرجند خانه‌ها دارای هشتی هستند. هشتی‌ها کوچک و دومین فضای تأمین‌کننده حریم خصوصی ورود غیرمستقیم به اندرونی، را بعد از در و کوبه، مهیا می‌سازند. در هشتی خانه پردلی همان‌طور که ذکر شد دری تعبیه شده که به منزله تشدید لایه‌های محرمیت به فضای اندرونی به‌شمار می‌آید. هشتی دارای سکوی

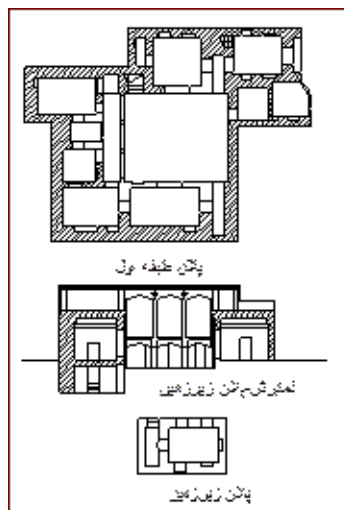
نشیمن بوده و از یک سمت آن با یک دستگاه پلکان به اتاق بالای هشتی یعنی فروار^۱ راه دارد. در هشتی خانه پردلی دو دالان کوچک مسیر دسترسی به اندرونی و بیرونی خانه را فراهم کرده است. به طور کلی هشتی در این خانه‌ها بر مبنای دو اصل محرمیت (دید غیر مستقیم به اندرونی) و مردم‌وار بودن (ارتفاع نسبتاً کم با گنبد عرقچین) شکل گرفته‌اند.



تصویر ۱۰) هشتی خانه آراسته (نگارندگان، ۱۳۹۳) تصویر ۱۱) هشتی خانه پردلی (نگارندگان، ۱۳۹۳)

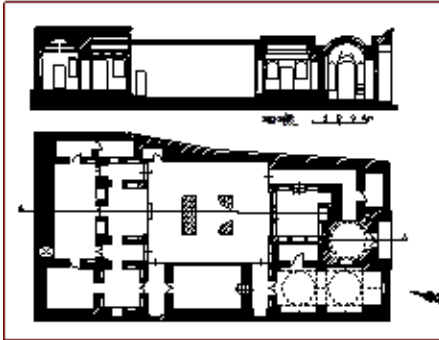


تصویر ۱۳) خانه آراسته

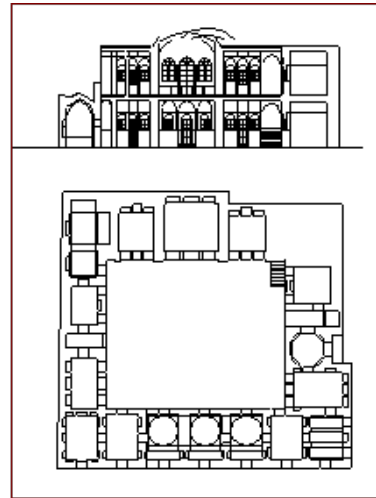


تصویر ۱۲) خانه پردلی

۱. یک اصطلاح معماری سنتی است و به اتاق بالای هشتی گفته می‌شود.



تصویر ۱۵) خانه لاله



تصویر ۱۴) خانه اعتمادی نیا

تصاویر ۱۲ الی ۱۵ دیگرام نحوه و ورود غیرمستقیم خانه‌های مورد مطالعه از هشتی به اندرونی (نگارندگان، ۱۳۹۳)

۵-۲-۴- دالان

دالان یا دهلیز راهرویی است که هشتی را به میانسرا متصل می‌سازد. این الگو پیشینه کهنی در معماری ایرانی دارد که در دوره اسلامی بویژه در طراحی مجموعه ورودی‌های مساجد و خانه‌ها مورد توجه معماران قرار گرفت (معماریان، ۱۳۸۷: ۲۸۸). این فضا ساده‌ترین جزء فضای ورودی است که تأمین ارتباط و دسترسی بین دو مکان مهم ترین کارکرد آن به‌شمار می‌رفته است. تغییر امتداد و جهت مسیر عبوری در دالان صورت می‌گرفته است. به این ترتیب مسأله محرمیت را توسط دالانی که در امتدادی غیرمستقیم به حیاط منتهی می‌شده است، حل می‌کرده‌اند (مهدوی نژاد، منصورپور و قیدرلو: ۱۳۹۲: ۶). دالان‌های طراحی شده در نمونه‌های مورد مطالعه از جمله خانه ی اعتمادی و پردلی هر چند از لحاظ کالبدی، باریک، کم عرض، کوتاه و فاقد پیچش هستند، لیکن معمار با اندیشه محرمیت و ایجاد دید غیرمستقیم به فضای درون خانه آن را در سلسله مراتب مجموعه ورودی قرار داده است تا وارد شونده بعد از قرار گرفتن

در هشتی و گذر از دالان به طور غیرمستقیم وارد میان سرا گردد. اصلی که در تمامی خانه‌های مورد مطالعه قابل مشاهده است.



تصویر ۱۶ و ۱۷) دالان دسترسی از هشتی به میان سرا در خانه لاله (نگارندگان: ۱۳۹۳)

۵-۲-۵- میان سرا

عنصر حیاط و خانه‌های حیاطدار به دلیل این که با اصول اسلامی هیچ تضادی نداشت و طرحی بود که می‌توانست میزان بالایی از محرمیت را که در روش زندگی مسلمانان مطرح است، تأمین نماید به عنوان الگو و مدلی در خانه‌های اسلامی پذیرفته شد و باقی ماند (باقری، ۱۳۹۳: ۱۵۳). برخی از محققان علت وجود خانه‌های حیاطدار را عامل فرهنگی ذکر می‌کنند تا عامل اقلیمی؛ از جمله راپاپورت^۱ معتقد است که عوامل اقلیمی عوامل اولیه نیستند و شکل خانه متمایز از درک انسان‌ها از جهان، حیات، فرهنگ، باورهای مذهبی و شیوه‌های ارتباط‌های اجتماعی آنان است (همان: ۱۵۵). سازماندهی فضاهای مختلف با توجه به عوامل مؤثر در آن یکی از با اهمیت‌ترین عملکردهای حیاط در طراحی خانه بوده است. عامل مؤثر دیگر در سازماندهی، ایجاد حریمی امن و آرام

برای آسایش خانواده بوده است. خانه‌های حیاطدار با ایجاد فضایی در گوشه‌ای از یک حیاط و خارج از محیط خصوصی خانواده و با ساختن حیاطی دیگر به نام بیرونی به این هدف دست یافتند (معماریان، ۱۳۸۷: ۱۶). ترکیب‌بندی حیاط در خانه‌های سنتی اساساً همگون با تنوع ضرورت‌های فیزیکی و معنوی بود. این ضرورت‌ها ارتباط بین بخش‌های خصوصی و عمومی را نیز توضیح می‌دهد و بر اساس همین ضرورت‌ها حیاط‌های متنوعی چون نارنجستانی، حیاط بیرونی (حیاط مردانه) که محلی نیمه‌خصوصی به‌شمار می‌رفته و به میهمانان و غیروابستگان اختصاص داشت و حیاط اندرونی که منحصر به خانواده بود و کسی حق ورود به آن را نداشت. این نوع حیاط از خصوصی‌ترین حیاط‌های سنتی به‌شمار می‌رود (مهدوی‌نژاد، منصورپور و قیدرلو، ۱۳۹۲: ۵). در نمونه‌های مورد مطالعه حیاط خانه‌ها نمونه کامل درون‌گرایی است. در این بخش از خانه ساماندهی فضایی و قرارگیری اتاق‌ها به‌گونه‌ای است که پیرامون حیاط مرکزی استقرار یافته‌اند. حیاط‌ها کوچک و متوسط بوده و بر مبنای وسعت کلی خانه و فضاهای مورد نیاز ابعاد حیاط تغییر می‌کرده است. حیاط خانه‌های مورد مطالعه در راستای اصل سلسله مراتب حرکتی و دید غیرمستقیم طراحی شده‌اند. وارد شونده پس از عبور از هشتی و گذر از دالان به حیاط می‌رسیده است. از آن جایی که خانه‌های بیرجند با پیمون کوچک ساخته شده‌اند، خانه‌ها دارای یک حیاط مرکزی بوده و این حیاط در میان فضای اندرونی قرار داشته و پنجره‌های اتاق‌ها به جانب حیاط مرکزی و نه خیابان و گذر عمومی گشوده می‌شده است و در واقع حیاط عملکرد نیمه‌خصوصی داشته است. در مجموع حیاط مرکزی در خانه‌های مورد مطالعه دارای ویژگی‌های محرمیتی و عملکردی متنوعی است که از آن جمله می‌توان به حریم تملک، حریمی امن و آرام برای ساکنین، وحدت‌دهنده عناصر فضایی، ایجاد محیطی سرسبز و هواکش مصنوعی برای گذر جریان‌های بادهای مناسب اشاره کرد.



تصویر ۱۹) خانه آراسته



تصویر ۱۸) خانه فروتنی



تصویر ۲۱) خانه راعی فر



تصویر ۲۰) خانه پردلی



تصویر ۲۳) خانه اعتمادی



تصویر ۲۲) خانه لاله

تصاویر ۱۸-۲۳ حیاط مرکزی در خانه‌های مورد مطالعه (نگارندگان، ۱۳۹۳)

۵-۲-۶- اتاق‌ها

خانه‌های سنتی ایران به‌طور کلی از دو بخش اندرونی و بیرونی تشکیل می‌شده است. بخش اندرونی بزرگ‌تر و مختص زندگی خصوصی خانواده بود و میان‌سرای بزرگی داشته که پیرامون آن اتاق‌های فراوانی داشته است. بخش بیرونی دارای یک میان‌سرای کوچک یک اتاق پذیرایی و اتاق‌های دیگر برای آسایش میهمانان بوده است (معماریان، ۱۳۸۷: ۱۵۵). بر مبنای سازماندهی کل فضاها و تقسیم آن به فضاهای تابستان‌نشین و زمستان‌نشین اتاق‌های مختلف در خانه شکل گرفته است. این اتاق‌ها عملکردهای خاص داشته و بعضی از آن‌ها با ابعاد کوچک و بزرگ عملکردی متفاوت داشته‌اند. شکل اتاق‌ها معمولاً چهارگوش بوده و نقشه‌ی آن از بخشی از یک مستطیل ایرانی به‌دست می‌آمده است. اتاق‌ها با نظمی خاص در جبهه‌های مختلف حیاط جای گرفته‌اند و به‌وسیله راهرو با حیاط ارتباط گردشی دارند. نورگیرهای اتاق‌های حاشیه‌ی حیاط به‌وسیله در و پنجره و گلجام انجام می‌گرفته که این عناصر در نوع اصیل آن در میان تابش بندهای عمودی و افقی و خرک‌پوش و در نهایت داخل یک قاب قرار می‌گرفته است (معماریان، ۱۳۸۷: ۲۹۲). در خانه‌های سنتی نام هر اتاق از شمار درگاه‌های که از آن‌ها به میان‌سرا باز می‌شده به‌دست می‌آمده است. یک خانه سنتی از اتاق‌های متنوع با عملکردهای خاص چون سهدری (اتاق خواب) پنج‌دري (اتاق نشیمن) و هفت‌دري (اتاق پذیرایی) تشکیل شده است. در برخی از خانه‌ها از اتاق پنج‌دري برای ملاقات کاری مرد خانواده نیز استفاده می‌شده است. معمولاً مهمان‌های این اتاق از طریق آبدارخانه که در نزدیکی قرار دارد، پذیرایی می‌شدند. منظر این اتاق به حیاط بیرونی کوچک که محل آمد و شد محارم نبوده جلوه‌ای نیکو به حرمت مهمان نزد صاحب‌خانه می‌داده است (نیری فلاح و دیگران، ۱۳۹۲: ۵). محققین مختلف در جهت رعایت اصول محرمیت و حریم شخصی افراد مختلف الگوی تقسیم فضایی مسکن را به‌گونه یک الگوی کلی در قالب چهار عرصه‌ی عمومی، نیمه عمومی، نیمه خصوصی و خصوصی مطرح و تأیید کرده‌اند (همان: ۸). در نمونه‌های مورد مطالعه، اتاق‌ها پیرامون حیاط مرکزی قرار گرفته‌اند و معمار با رعایت مسائل اقلیمی و با اندیشه‌ی محرمیت اتاق‌هایی خاص با عملکرد متنوع به‌صورت سهدري، پنج‌دري، شاه

نشین و مطبخ طراحی و در واقع لایه‌های حریمیت را از منظر فضاهای خصوصی، نیمه خصوصی و عمومی ایجاد کرده است. عرصه‌های این دسته‌بندی به‌عنوان پایه‌ی سیستم فضایی خانه برای تأمین اصول حریمیت و حریم شخصی در شکل‌گیری اتاق‌ها نیز مؤثر بوده است. طراحی نحوه‌ی ورود غیرمستقیم به اتاق‌ها از دیگر راهکارهای معمار به منظور تأمین امنیت حریم شخصی بوده است. در خانه اعتمادی مشاهده می‌کنیم که برای ورود به اتاق‌ها نمی‌توان مستقیم از میان‌سرا به داخل اتاق وارد شد؛ بلکه راه رسیدن به هر اتاق از میان‌سرا را راهروهای کنار آن ورود به اتاق فراهم می‌کردند. در جانمایی مطبخ نیز حریمیت و تأمین امنیت زن مورد توجه بوده است؛ به‌نحوی که مطبخ در خانه‌های مورد مطالعه دور از اتاق‌های پذیرایی و نزدیک اتاق‌های سهدری و بخش اندورنی خانه قرار گرفته است. پنجره‌ها نیز عامل مؤثر دیگری در رعایت اصل حریمیت به‌شمار می‌روند که با ساخت در و پنجره‌های مشبک علاوه بر تأمین روشنایی، فضای داخل اتاق نیز می‌توانست از چشم نامحرم در امان بماند.



تصویر ۲۵) خانه اعتمادی (نگارندگان: ۱۳۹۳)



تصویر ۲۴) خانه آراسته (نگارندگان: ۱۳۹۳)



تصویر ۲۷) خانه راعی‌فر (نگارندگان: ۱۳۹۳)



تصویر ۲۶) خانه پردلی (نگارندگان: ۱۳۹۳)



تصویر ۲۹) خانه فروتنی (نگارندگان: ۱۳۹۳)



تصویر ۲۸) خانه لاله (نگارندگان: ۱۳۹۳)

نتیجه

درون‌گرایی (نگرش به درون) نوعی سازماندهی کالبدی در معماری ایرانی- اسلامی است که عبارت از بسته بودن فضای خصوصی بر روی فضای شهری و باز شدن آن به سوی فضای خصوصی است. پیدایش این الگو هرچند به دلایل اقلیمی و محیطی به معماری قبل از اسلام ایران باز می‌گردد؛ لیکن در دوره اسلامی افزون بر دلایل محیطی و جغرافیایی، باورهای مذهبی و اندیشه‌ی محرمیت در گزینش این الگو در ساختار فضایی شهرها و بناهای درون آن به‌خصوص در شکل‌گیری عناصر فضایی- کالبدی خانه‌ها نقش بسزایی داشته است. خانه‌های درون‌گرا بر یک نکته اساسی تأکید داشتند و آن این‌که شکل خانه هیچ تظاهری به بیرون نداشته و اجزای آن در درون دیوارهای بلند خود از

بیرون دیده نمی‌شود. به عبارت روشن‌تر همان‌طور که مردان و زنان به طرق مختلف با لباس‌های متین، حجاب اسلامی را رعایت می‌کنند، خانه نیز همان حجاب و حریمیت را به طریق درون‌گرا داشته است. در بررسی مفهوم حریمیت و درون‌گرایی در نمونه‌های مورد مطالعه در شهر بیرجند به روشنی می‌توان مصادیق عینی حریمیت و نقش بنیادی آن را در شکل‌گیری عناصر فضایی - کالبدی خانه‌ها مشاهده کرد. یافته‌های حاصل از تحلیل اطلاعات گردآوری شده نشان می‌دهد که در کنار شرایط اقلیم کویری شهر بیرجند که الگوی درون‌گرایی در خانه‌ها را سبب شده است، باورهای مذهبی و معیارهای فرهنگی، سبک زندگی و الگوی روابط اجتماعی از جمله اصول مهم و مؤثر در شکل‌گیری حریمیت در خانه‌های سنتی مورد مطالعه بوده است. به تعبیر دیگر الگوی درون‌گرایی یکی از ابزارهای نیرومندی بود که حریمیت در عناصر فضایی - کالبدی خانه‌ها را به وجود آورده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که رعایت اصول جداسازی زنان و مردان و رعایت حریم دیداری افراد در کنار حریمیت، دسترسی فضایی از اصول ثابت خانه‌های مورد مطالعه است. در یک جمع‌بندی کلی نتایج پژوهش بیانگر آن است که در طراحی و ساخت خانه‌های تاریخی بیرجند در عصر قاجار معماران از دو اصل درون‌گرایی و حریمیت در ساماندهی فضایی عناصر کالبدی بهره گرفته‌اند که بازتاب آن را می‌توان در ساخت خانه‌ها با نقشه و الگوی درون‌گرا و تأمین لایه‌های حریمیت سه‌گانه‌ی عمومی، خصوصی و نیمه‌خصوصی و رعایت اصل حریمیت بر مبنای اصل سلسله‌مراتب حرکتی، تفکیک جنسیتی، نحوه‌ی ورود به داخل خانه با نصب کوبه‌های زنانه و مردانه، ایجاد فضاهای هشتی و راهرو به منظور عدم دسترسی مستقیم به اندرونی، ایجاد میان‌سرا به عنوان حریمی امن و آرام و ساخت اتاق‌ها با رعایت قلمرو محرم بودن مشاهده کرد.

منابع

- اسماعیلی مقدم، مهرنوش (۱۳۹۲). "بررسی حضور نور طبیعی و محرمیت فضاهای داخلی خانه‌های درونگرای شهر یزد". در: مجموعه مقالات برگزیده کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی. گردآورندگان محمد نصیری و محمدرضا نصرانی. قم: مؤسسه فرهنگی سفیران مبین: ۲۳۵-۲۴۵.
- امینی، ندا؛ نوروزیان، هیربد (۱۳۹۳). "خلوت و محرمیت شناخت تفاوت‌ها و شباهت‌های این دو مفهوم در معماری و شهرسازی". *مطالعات شهر/ایرانی-اسلامی*، سال چهارم، ش ۱۵ (بهار): ۹۹-۱۰۷.
- باقری، اشرف‌السادات (۱۳۹۳). "تحلیل و بررسی درونگرایی در شهرهای اسلامی". *تحقیقات جغرافیایی*، سال بیست و نهم، ش ۲، پیاپی ۱۱۳ (تابستان): ۱۴۵-۱۵۸.
- بمانیان، محمدرضا؛ رستمی غلامی، نسیم؛ رحمت‌پناه، جنت (۱۳۸۹). "عناصر هویت‌ساز در معماری سنتی خانه‌های ایرانی". *مطالعات هنر/اسلامی*، سال ششم، ش ۱۳ (پاییز و زمستان): ۶۹-۸۸.
- بهنیا، محمدرضا (۱۳۸۱). بیرجند، نگین کویر. تهران: دانشگاه تهران.
- خزایی، مجید، و دیگران (۱۳۹۲). "معماری زنبور عسل از دیدگاه قرآن و معماری مدرن". *فصلنامه مطالعات قرآنی*، سال چهارم، ش ۱۳ (بهار): ۹-۲۲.
- کاتب، فاطمه (۱۳۹۱). *معماری خانه‌های تاریخی*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
- کریمیان، حسن؛ عطارزاده، عبدالکریم (۱۳۹۰). "سلسله مراتب فضایی و حرمت و محرمیت در خانه‌سازی جهان اسلام". در: مجموعه مقالات برگزیده اولین همایش معماری و شهرسازی/اسلامی، گردآورنده محمد باقری. تبریز: دانشگاه هنر اسلامی: ۵۰-۷۹.
- گرابار، الگ (۱۳۸۴). "هنر، معماری در قرآن". ترجمه حسن رضایی. *اسلام‌پژوهی*، سال اول، ش ۱ (پاییز و زمستان): ۵۱-۸۰.
- گزارش ثبت آثار تاریخی بیرجند (۱۳۸۳). آرشیو پایگاه میراث فرهنگی بیرجند. [چاپ نشده].

- معماریان، غلامحسین (۱۳۸۷). *آشنایی با معماری مسکونی ایرانی، گونه‌شناسی درون‌گر/ تهران: سروش دانش.*
- ----- (۱۳۸۸). *معماری ایرانی.* تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
- مهدوی‌نژاد، محمدجواد؛ منصورپور، مجید؛ قیدرلو، کمیل (۱۳۹۲). "محرمیت در الگوی مسکن بومی و به‌کارگیری آن در معماری معاصر". قابل دسترس در: <http://zibasazi.ir/fa/commentarticle/item/5148> [94/5/21]
- مهدوی‌نژاد، محمدجواد؛ ناگهانی، نوشین (۱۳۹۰). "تأثیر سواد بصری بر درک زیبایی در آثار معماری". *معماری و شهرسازی آرمان‌شهر*، سال چهارم، ش ۷ (پاییز و زمستان): ۵۱-۶۲.
- ناری‌قمی، مسعود (۱۳۸۹). "مطالعه‌ای معناشناختی در باب مفهوم درون‌گرایی در شهر اسلامی". *هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی*، دوره دوم، ش ۴۳ (پاییز): ۶۹-۸۲.
- نقی‌زاده، محمد (۱۳۷۹). "صفات شهر اسلامی از دیدگاه قرآن". *صحیفه مبین*، سال هشتم، ش ۲۲ (بهار): ۴-۴۰.
- ----- (۱۳۷۹). "صفات شهر اسلامی از نگاه قرآن کریم". *صحیفه مبین*، دوره دوم، ش ۵ (بهار): ۴-۴۰.
- نیری فلاح، سیامک؛ خلیلی، اکرم؛ رسدی، محمد تاج‌الدین بن محمد (۱۳۹۲). "لایه‌های محرمت در خانه‌های سنتی ایران، نماد الگوی دینی در زندگی خانواده". در: *مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی*. قم: مؤسسه فرهنگی سفیران مبین، ۱۰۴۰-۱۰۵۰.
- هاشمی، ملیحه؛ میرغلامی، مرتضی (۱۳۹۲). "بازتاب جنسیت در فضاهای شهری سنتی ایران در عصر صفویه". در: *مجموعه مقالات برگزیده اولین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی*. زاهدان: ۹۹۵-۱۰۱۴.
- Mortada, H. (2003). *Traditional Islamic Principles Of Built Enviroment*. New York: Routledge; Curzon.

**Survey the Relation of Social Confidence and Readiness for
Economic Expansion (Case study: Birjand City)**

Ghalibafan, Seyyed Hasan ¹

Abstract

Confidence is counted as a key concepts in sociological studies and as one of the important factors of social investment and the plan of social capital indicates the exceeding attention to the social and constitutional elements in Development studies. The studies which mainly stressed and emphasized the economic dimensions but in recent decades focused its attention more on to the social and cultural factors of expansion plan.

By increasing the seriousness of social confidence in contemporary societies, this concept acquired special status among the politicians, planners and statesmen gradually to the extent that the social confidence evaluation has been take into consideration in the legal act of economic-social expansion plan of our country.

The theoretical framework of this article is a collaborative one which include Webber's culturist theory, Institutional economy and Putnam's principles. In this research the main concepts of the aforementioned theories has been used permanently. The aim of this project indicates the evaluation of social confidence scale and its dimensions in Birjand city and the Explanation of its relation with Institutional measures for economic expansion.

The present research has been accomplished with quantitative approach in survey method and by questionnaire tools. By using KoKaran formula

1. Faculty Member of the University of Birjand. sh.ghalibafan @birjand.ac.ir

400 people of Birjand has been selected as a sample and then by the multilevel cluster sampling method, the persons between the ages of 64-15 has been interviewed. The obtaining results shows that there is a very high capacity of social confidence and its relation with Institutional actions for economic expansion. All of this relations are meaningful and directional and indicates this basic point that the scale of readiness for economic expansion of this region is in its high level.

Key Words: Social Confidence, Institutional Measurements, Birjand, Institutional Economy, Social Capital.

**The Relation between Parents' Child Fostering Methods and
Behavioral Disorders in Students of Second and Third Periods (Case
Study: Kar- Danesh Schools of Birjand City)**

Magsoudi, Soudeh ¹

Darvishi, Saiedeh ²

Amirabadi, Maryam ³

Abstract

Child fostering methods is the manners which parents take into consideration for training their children. In this research the attempt has been accomplished to investigate the relation between parents' child fostering methods and behavioral disorders in teenagers. This project has been performed in survey method of descriptive-explaining type and coherence method. On the base of multilevel cluster sampling 250 girls and boys students of Kar-Danesh schools of Birjand city has been selected and responded to the Bamrind's (1972) child fostering methods questionnaires and Ritter's (1967) behavioral disorders. For data analysis the parallel Regression method has been used. The findings of Regression method for total behavioral disorders showed that the potently child fostering method is the strongest prognosis and the variables of autocratic child fostering manner, father's age, carelessness child fostering style, mother's education, student gender and mother's age put into consideration in the next stages accordingly and has been explained around 16 percentage of standard

1. Assistant Professor in Social Sciences of the Department of Literature and Human sciences of Shahid Bahonar Kerman University

2. MA Student in Female Studies of Shahid Bahonar Kerman University. The Responsible author darvishi.bs@gmail.com

3. MA Student in Female Studies of Shahid Bahonar Kerman University

variant variance. Therefore, there is a direct relation between potently child fostering method and anxiety variables, social incompatibility and anti-social behavior and reversed relation between autocratic child fostering manner and anxiety variables, social incompatibility and anti-social behavior and also there is the same reversed relation between carelessness child fostering styles and anti-social behavior.

Key Words; Child Fostering, Behavioral Disorders, Teenagers, High School Students.

**The operational evaluation of hamlets from the viewpoint of
Villagers in increasing of social contribution
(Case study; Birjand County)¹**

Mikaniki, Javad ²

Nikfarjam, Kazem ³

Abstract

Contribution is counted as one of the main pillars of expansion tools especially in developing of rural districts. The partnership process must be in voluntary, Villagers, and bidirectional form and should take the interactive state to itself. In extensional discussions various strategies is bring forth for increasing of people's contributions in prosperity and developing of rural districts which one of the main parts of them is the formation of organizational institutions like nongovernmental organizations as a third part beside the private segment (market) and government (public) which has a crucial role in managing the society. For this reason in recent years the hamlets has been defined as a new administrative parts of villages till play its role as an intermediary among people and government. Hamlet aiders as rural managers and resource owners and noticeable authorities by having required motivations and skills can play much outstanding role in increasing of peopl's contribution and rural expansion. The aim of this research is to evaluate the performance of hamlets in direction of increasing

1. Is taken from MA thesis in Agricultural Engineering of Rural Expansion Major under the Title of "The operational evaluation of hamlets in reaching to stable rural expansion (Case study; Birjand County)

2. Associate Professor in Geography and Rural Planning of the University of Birjand. javadmikaniki@birjand.ac.ir

3. MA in Agricultural Engineering of Rural Expansion Major of Islamic Azad University of Birjand Unit.

of the participation of rural people.. The research boundary is 131 villages containing hamlets in Birjand County. The project sample estimated about the number of 312 with Kokaran Formula, information and data collection method has been done with questionnaires which its accuracy verified by specialist groups and also its permanency which determined by Cronbach Alfa test to the scale of 0/89 indicates the acceptable versatility of questions. The collected data has been analyzed with SPSS statistical software and the results of coherence test showed that there is not a meaningful statistical relationship between hamlets operation and the growth of rural family contributions. And also the findings of T Students Test showed that there is a meaningful divergence between the villagers viewpoint and hamlet aiders regarding the role of hamlets in increasing social contributions.

Key Words: Hamlet, Rural Management, Social Contribution, Practical Evaluation, Brijand County.

The Inspection of Standardized Birjandi Dialect in the Last Two Centuries

Norouzi, Hamed¹

Abstract

Birjandi dialect is one of the very ancient Persian which some of its structures remained from middle age. But also this dialect like the other dialects is in approaching to the standard dialect or standardization. Our investigated corpus study in this research are only the remained works from Birjandi old dialects such as recorded speeches of Molla Ali Ashraf Saboohi and all of that which Ivanov has been collected from interview and field studies. Of course it is necessary to mention that the writer's corpus which includes the two aforementioned sources is an imperfect corpus and cannot be responsible to all of our questions. By the accomplished inspections in this research it became clear that all of language dimensions have not exposed to the same extent level of standardization. On the basis of researcher's investigated corpus, the level of language lexicon suffered more of standardization and the morphological level of languages suffered less. Also the syntactical and phonological level of Birjandi's dialect has been placed in the middle of two aforementioned levels. Each one of these levels has been influenced from standard dialect in such a way: Word level; from two past centuries to now lots of the words of Birjandi's dialects which has been falling into oblivion, became deserted. Syntactic level; in this level old dialect of Birjandi by losing the Argative features, the application of adverbial participle of second type instead of past element,

1. Assistant Professor in Persian Literature of the University of Birjand. hd_norouzi@birjand.ac.ir

the application of continuous verb in alternative to non-continuous verb, the usage of single verb inflectional for plural subject and except that has been approximated much towards the standard dialect. Phonological level; in phonological level the old dialect of Birjand has been suffered from changes such as; the transition of beginning Hanzeh to “h”, transition of “ē” to “ā” and the transformation of “ē” to “u”. Inflectional level; Also in this level the characteristics such as the application of spurious past element instead of original element and the usage of»progressive has been eliminated.

Key Words: Birjandi Dialect, Standard Farsi, Phonological Changes, Morphological Changes, Syntactical Changes.

**The Study of the Reasons of Migration of Moses Al-kazim
(Peace be Upon Him)**

Dynasty to Iran and Khorasan and Its Effects and Blessings

Vahedifard, Mohammad Sadegh ^۱

Goli, Fatemeh ^۲

Abstract

In long periods of Islamic centuries one of the cultural and intellectual poles which always has been taken into the consideration of Iranian people as a symbol of liveliness to the holy family (peace be upon him) is the offspring and grandchildren tombs of Shia Imams. Iran was being as a relatively peaceful shelter for Shiites and suitable bed for propagation, growth and exaltation of Shiites. The offspring of Moses Al-kazim (peace be upon him) are one of the much more numerous emigrants to Iran territory in Abbasid ruling period. This article tries by analytic inspection of historic sources to investigate the reasons of descendants' immigration of his holiness the prophet Moses and its effects and blessings. The study of the reason of migration of the followers of Prophet Imam Moses Sadat Mousavi to Iran reveals to some extent the unpleasant and difficult living period of Imam (peace be upon him) and the manifestation of era circumstances of that Imam and from the other hand indicates the transformation of Abbasid government system in their attitudes towards this holy family. The authors of present paper tries after following the reason of level of success of this family to indicate the success scale of this

1. Assistant Professor in Shiites History of Payame-Noor University of Mashhad. vahedi77@yahoo.com

2. MA Student in Shiites History Studies. fatemehgoli@gmail.com

migrants in reaching of their aims and clarify some part of social, cultural and religious circumstances of that period of Iran. From the inspection of the revealed evidences in this research it can be found that among the immigration reasons of the offspring of Moses Al-kazim (peace be upon him) to Iran has been their popularity among people and the removal of this territory particularly Khorasan from the center of governorship, cruelty and oppressions of Abbasid Caliphs towards their right and so on which their presence caused the expansion of Shiites and the great religious theology schools and training much of seminarians in Iran.

Key Words; The offsprings of Moses Al-kazim (Peace be Upon Him), The Shiites Immigration, Iran, Abbasid Governorship, Khorasan

Introversion and the Reflection of Confidentiality Principle in**Iranian Architecture****Field Survey Sample: Historic Houses of Birjand**Hashemi Zarjabad, Hasan ¹Taghavi, Abed ²Masudi, Zabihollah ³**Abstract**

“Introversion” and “Confidentiality” are two main and structural principles in Iranian-Islamic architecture which had an effective impression in formation of cities regional organization and framework materials of Iran’s traditional buildings. Also the ecological factor had been effective in choosing and selecting of introversion principle in Iran’s pre-historic cities still in Islamic period on the base of basic facts and faith credence and Islamic ideology in addition to introversion plan, also the privacy principle has been take into consideration of architectures from two aspect of framework and implication as one of the main factors in cites and buildings designing. Among the spaces which the reflection of two aforementioned principles can be seen obviously in its framework rooms are the houses. Having no direct visional connection of inside of the house with urban spaces and sanctifying and maintaining family bounds and bringing of space and privacy zone in area materials are of the specialty and characteristics of the houses of Islamic period of Iran. The writers in this paper with the aim of exploration and manifestation of two principle

1. Assistant Professor in Architectural Studies of the University of Birjand. hhashemi@birjand.ac.ir

2. Assistant Professor in Architectural Studies of the University of Mazandaran.

3. MA in Archaeological Studies of Birjand University.

of introversion and privacy in framework-space materials of historic houses of Birjand attempt to have observation and field survey to explain it in descriptive-analytic method and data collection tools. The results of the present research indicates that the architectures have been take into consideration the principles of introversion and privacy in space reposing of framework materials in designing and building of historic houses of Birjand which its reflection can be seen in building constructions with introversion design and pattern and providing triple general, private and semi-private privacy layers.

Key Pattern: Confidentiality, Introversion, Birjand, House, Architectural Bodies

Table of Content

Inspection the Relation of Social Confidence and Readiness for Economic Expansion (Case Study: Birjand County)

Ghalipafan, Seyyed Hasan 7

The Relation between Parents' Child Fostering Methods and Behavioral Disorders in Students of Second and Third Periods (Case Study: Kar- Danesh Schools of Birjand City)

Magsoudi, Soudeh/Darvishi, Saiedeh/Amirabadi, Maryam 25

The Practical Evaluation of Hamlets from the Viewpoint of Villagers in Increasing of Social Participation (Case Study; Birjand County)

Mikaniki, Javad/Nikfarjam, Kazem 45

The Inspection of Standardized Birjandi Dialect in the Last Two Centuries

Norouzi, Hamed 67

The Study of the Reasons of Migration of Moses Al-kazim (peace be upon him) Dynasty to Iran and Khorasan and Its Effects and Blessings

Vahedifard, Mohammad Sadegh/Goli, Fatemeh 97

Introversion and the Reflection of Privacy Confidentiality in Iranian Architecture Field Survey Sample: Historic Houses of Birjand

Hashemi Zarjabad, Hasan/Taghavi, Abed/ Masudi, Zabihollah 123

Referees of This Period

1. Islam, Alireza, PhD, Assistant Professor, University of Birjand
2. Elahizadeh, Mohammad Hasan, PhD, Associate Professor, University of Birjand
3. Akhondi, Mohammad Bagher, PhD, Assistant Professor, University of Birjand
4. Bidokhti, Mohammad Ali, PhD, Assistant Professor, University of Birjand
5. Pourshafei, Hadi, PhD, Associate Professor, University of Birjand
6. Khazai, Mohammad Mehdi, PhD, Assistant professor, Birjand Azad university
7. Rahim Abadi, Fatemeh, MA in Consulting, University of Birjand
8. Alizadeh Birjandi, Zahra, PhD, Associate Professor, University of Birjand
9. Farouqi Hendvalan, Jalilollah, PhD, Associate Professor, University of Birjand
10. Fal Soleyman, Mahmoud, PhD, Assistant Professor, University of Birjand
11. Ghoreyshi, Seyyed Mohammad Hossein, PhD, Assistant Professor, University of Birjand
12. Vafaifard, Mehdi, Instructor, University of Birjand



In The Name Of God

Khorasan Quarterly of Cultural and Social Studies

Serial: 34

ISBN 1735-8256

Vol. 9 No. 2. Winter 2014

Concessioner: General Office of Islamic Culture and Direction

Chairman: Mohebbi, Ahmad

Editor-in-chief: Alizadeh Birjandi, Zahra, PhD

Executive editor: Bahari, Abbasali

Executive manager: Zarang, Mahin

Editorial Board:

1. Ahmadi, Habib, PhD, Professor of Sociology and Planning, Shiraz University
2. Poorshafei, Hadi, PhD, Associate Professor of History, Birjand University
3. Rashed Mohassel, Mohammad Taghi, PhD, Professor of Language and Culture; Research center of Humanities and Cultural Studies.
4. Rashed Mohassel, Mohammad Reza, PhD, Assistant Professor of Persian Language and Literature, Mashhad University
5. Sarmad, Gholam Ali, PhD, Associate Professor of Demography, Islamic Azad University, Tehran Branch
6. Shateri, Mofid, PhD, Assistant Professor of Geography and Rural Planning, Birjand University
7. Shokoohi, Gholam Hossein, PhD, Professor of Educational Science, Tehran University.
8. Alizadeh Birjandi, Zahra, PhD, Associate Professor of History, Birjand University
9. Farbod, Mohammad Sadegh, PhD, Assistant Professor of Cultural Sociology, Islamic Azad University, Tehran Branch
10. Kamyabi Mask, Ahmad, PhD, Professor of the Theater and Literature, Tehran University
11. Mikaniki, Javad, PhD, Associate Professor Geography and Rural Planning, Birjand University
12. Sepehr, Mohammad Homayoun, PhD, Assistant Professor of Demography, Islamic Azad University, Tehran Branch

Literature Editor (Persian): Nasrollahi, Seyyed Noorollah

Translator and English Editor: Azarkamand, Akbar MA

Cover designer: Dastgerdi, Faezeh

Technical affairs and press: fekreBekr puplications.

Circulation: 1000

Price: 20000 rials

Address: South Khorasan, Birjand, Shahid Mahallati Av. General Office of Culture and Direction,

Research Society Office

Tel: 056 – 32323393

Fax: 056 – 32323277

Email: Daftarehnashriyeh@yahoo.com

The ideas mentioned in this issue declare the view of this quarterly. The authors are responsible for the ideas mentioned in their writing, and translators are responsible for their translations. Materials sent to the quarterly for publication are not sent back if not appropriate. This quarterly has the right to edit or delete some material.

اینجانب نماینده مرکز/ مؤسسه/ دانشگاه مبلغ
ریال طی فیش شماره به حساب ۰۳۴۸۷۶۴۳۰۷۰۰۱
بانک ملی - شعبه غدیر - توحید به نام‌های سید حسین کاظمی و سید سعید طالبی مقدم
بابت اشتراک فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان از شماره
تا واریز نمودم.

نشانی پستی:

پست الکترونیکی:

تلفن تماس:

کدپستی:

حق اشتراک هر شماره: ۶۰۰۰۰ ریال

حق اشتراک سالانه با هزینه پست سفارشی: ۳۲۰۰۰۰ ریال

اشتراک ارسال چهار شماره فصلنامه به صورت الکترونیکی ۲۰۰۰۰ ریال می باشد.

نشانی دفتر فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان: خراسان جنوبی -

بیرجند - خیابان محلاتی - اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان جنوبی

تلفن: ۰۵۶-۳۲۳۲۳۳۹۳-۴ دورنگار: ۰۵۶-۳۲۳۲۳۲۷۷

پست الکترونیکی: Daftarehnashriyeh@yahoo.com